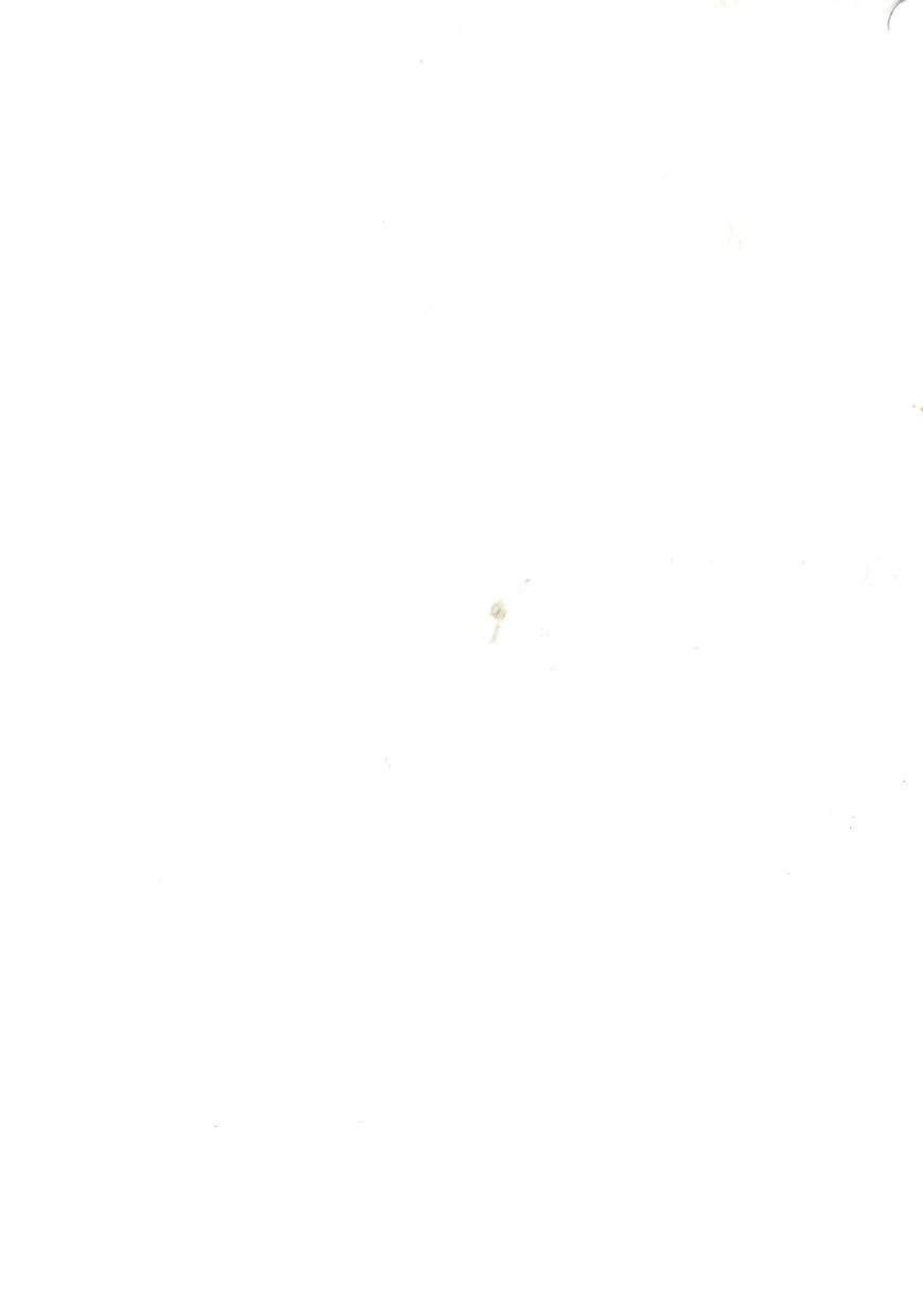


# ڄارنوال و وکیل مدافع در دعوی جزائی

نوشته:

ڄارنوال محمد اصرار « اصرار »

سال ۱۳۸۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گر به کار جهان نیامدم صائب

کلام بی غرض من به کار آید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شارنوال و وکیل مدافع درد عمومی

جزالی

اثر شارنوال محمد احرار «احرار»

## منابع و مآخذ

۱. قانون اساسی سال ۱۳۴۳ افغانستان
۲. قانون اساسی سال ۱۳۵۵ افغانستان
۳. قانون اساسی سال ۱۳۶۶ افغانستان
۴. قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان
۵. قانون خارنوالی سال ۱۳۴۴
۶. قانون اجراءات جزائی سال ۱۳۴۴
۷. تعدیل قانون اجراءات جزائی سال ۱۳۵۲
۸. قانون اجراءات جزائی موقت برای محاکم سال ۱۳۸۲
۹. قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی سال ۱۳۷۰
۱۰. قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خارنوالی بر قانونیت تطبیق آ  
نافذہ سال ۱۳۵۸

۱۱. قانون پولیس

۱۲. قانون وکلای مدافع و اسناد تقنینی درین باره که قبلاً نافذ بوده است.

۱۳. استماع شهادت در دعاوی جزائی مولف محمد احرار " احرار "

۱۴. دوره حقوق جزای عمومی مسئولیت کیفری مولف داکتر مرتضی محسنی

استاد پوهنتون پاریس

۱۵. حقوق جزاء و دعاوی جزائی مولف داکتر جعفر بوشهری

۱۶. حقوق جزای آمریکا مولف داکتر جان ام اسچپ قاضی دادگاهی فلوریدا

مترجم: امیر سماواتی پیروز

۱۷. مدافع و دفاع از متهم مولف: عبدالاحد عشرتی

۱۸. قانون اساسی کشور مصر

۱۹. قانون اجراءات جزائی کشور مصر

۲۰. قانون اجراءات جمهوری اسلامی پاکستان

۲۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

## فهرست مندرجات

مقدمه ..... ۹

### بخش اول

حارنوال، تاریخچه، صلاحیت‌ها و وظایف آن ..... ۱۵

فصل اول: تاریخچه حارنوالی در جهان و کشور ما ..... ۱۵

فصل دوم: وظایف و صلاحیت‌های حارنوالی ..... ۱۷

### بخش دوم

تعریف و تاریخچه وکیل مدافع و وظایف و صلاحیت‌های آن در افغانستان ..... ۱۸

فصل اول: تعریف وکیل مدافع ..... ۱۸

فصل دوم: تاریخچه وکلای مدافع ..... ۲۰

۱. عصر فرعونیان ..... ۲۰

۲. عصر اگریقی‌ها ..... ۲۱

۳. در عهد اسلام ..... ۲۲

۴. عصر رومن‌ها ..... ۲۲

۵. عصر عثمانیه ..... ۲۲

۶. دوره‌ها انقلاب کبیر فرانسه ..... ۲۳

فصل سوم: وکیل مدافع در کشور ما ..... ۲۳

### بخش سوم

دفاع از مظنون توسط وکیل مدافع در پروسه کشف و تحقیق ..... ۲۸

فصل اول: در پروسه کشف ..... ۲۸

فصل دوم: در پروسه تحقیق ..... ۲۸

فصل سوم: رویاروئی وکیل مدافع با پولیس در پروسه تحقیق در حضور حارنوال ..... ۳۲

### بخش چهارم

وکیل مدافع و رهائی مظنون یا متهم به ضمانت ..... ۴۲



۴۲ .....الف: اهمیت اقدام وکیل مدافع.....

۴۲ .....ب: درخواست وکیل مدافع جهت رهائی موکلش.....

۴۴ .....ج: نحوه اقدام وکیل مدافع در برابر حارنوال ابتدائیه.....

### بخش پنجم

۴۹ .....رویا روئی وکیل مدافع و حارنوال در محکمه.....

۵۴ .....تهیه فهرست اصطلاحات متداول در پروسه محاکماتی.....

۵۵ .....سلط بر دادرسی.....

۵۵ .....انتقاد از خویشتن.....

۵۵ .....وکیل مدافع متهم در برابر شهود حارنوال یا مجنی علیه.....

۶۰ .....ترتیب معرفی شهود در جلسه قضائی.....

۶۲ .....بازپرسی از شاهد طرف مقابل.....

۶۸ .....وکیل مدافع و حارنوال و بررسی نظریات اهل خبره در محکمه.....

۷۰ .....طرح دلیل در جلسه قضائی.....

۷۱ .....صحبت نهائی و آخری وکیل مدافع.....

۷۳ .....نتیجه.....

## پیشگفتار

باری به توفیق و لطف خداوند موقع یافتم تا بعد از فراغت از پوهنحی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل مدتی را بحیث حارنوال در ولایات و مرکز کشور ایفای وظیفه نمایم و زمانی هم توفیق یافتم بحیث وکیل مدافع در شهر کابل خدمت نمایم. با اجرای وظایف متفاوت و تقریباً متضاد توانستم تجارت کاری فراوانی حاصل نمایم. اکنون که موقع یافته‌ام تا این تجارت و انداخته‌ها را در روشنی قانون اساسی افغانستان و سایر قوانین نافذه کشور و قوانین بعضی کشورهای دیگر و با الهام از نظریات تیوریستن‌های علم حقوق مندرج آثار شان به رشته تحریر در آورم. مسرورم که می‌توانم برای نسل جوان حارنوالی و کلای مدافع یک خدمت کوچکی را انجام بدهم.

به یقین که این رساله محدود که نمی‌توانم، آنرا نسبت محدودیت مندرجات آن، کتاب یاد نمایم عاری از نواقص، کمبودی‌ها و نارسائی‌ها نیست، آرزومندی و استدعای من از خوانندگان گرامی و به خصوص وکلای مدافع چیره دست و حارنوالان ورزیده و پخته کار این است که احیاناً اگر حین مطالعه شان درین رساله نواقص، کمبودی‌ها و نارسائی‌های را متوجه می‌شوند از لطف و بزرگی شان کار گرفته بنده را متوجه سازند تا در نشر بعدی آن در نظر گرفته شود.

عدالت کن که در عدل آنچه یک ساعت بدست آید

میسر نیست در هفتاد سال اهل عبادت را

صائب

با جهان سپاس

احرار

#### مقدمه

یکی از اساسات حاکمیت قانون و عدالت مفکوره محاکمه عادلانه است، حتی محکمه عادلانه یک اصل بنیادی در عرصه قوانین موضوعه بشری به شمار می‌آید. هدف از آن حمایت افراد در برابر غصب یا تحریم حقوق و آزادی‌های اساسی شان بدون تبعیض و امتیاز می‌باشد که شامل حق داشتن وکیل مدافع، حق سکوت اختیار کردن در پروسه تحقیق محاکمه، منع مخاطره مضاعف ممنوعیت شکنجه و اکراه مادی و معنوی، حفاظت عموم افراد در پروسه جزائی اعم از تحقیق، تعقیب و محاکمه است. ماده (۲۶) میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی کلیه اشخاص را در مقابل قانون مساوی دانسته و بدون هیچگونه تبعیض مستحق حمایت بالسویه قانون دانسته و تصریح کرده که باین لحاظ باید قانون هرگونه تبعیضات را برای کلیه اشخاص ممنوع و حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، سکونت یا هر وضعیت دیگر را تضمین کند. اما در کنوانسیون مناسبات دیپلماتیک منعقدہ ویانا یک سلسله معافیت و امتیازات برای اشخاص دیپلمات در کشور میزبان در نظر گرفته شده چنانچه در ماده (۲۹ الی ۳۱) این کنوانسیون امتیازات و معاوفیت ها در حین اتهام جزائی برای دیپلمات ها از قبیل معافیت از صلاحیت رسیده گی جرمی کشور میزبان و امتیاز عدم ارایه مدارک به حیث شاهد تصریح شده است.

اما در ماده (۴۱) این کنوانسیون صراحت داده شده کلیه اشخاصیکه از چنین امتیازات و معافیت‌ها مستفید میگردند، مکلف اند قوانین و مقررات کشور میزبان را احترام نمایند.

حکم جزائی یکی از مظاهر و تجلی قدرت دولت است اتوریته و قدرت جبری دولت یکی هم به شکل اصدار حکم جزائی متظاهر میگردد که شامل مجازات بدنی، اعدام، حبس و مجازات مالی میباشد. از طرف دیگر پولیس و حارنوال صلاحیت‌های قانونی زیاد و امکانات دولتی بیشتر و وسیع تر را به مقایسه مظنون و متهم در اختیار دارند. پولیس و حارنوال دارای دانش مسلکی، مهارت و تجربیل در رشته کار شان میباشدند. اما مظنون و متهم در موقعیت ضعیف تر و آسیب پذیر و عدم موازنه قدرت و صلاحیت به مقایسه پولیس و حارنوال قرار دارند. مظنون و متهم از یکطرف همان قدرت و صلاحیت دولتی و تسلط بالای ادارات را که حارنوال دارد حایز نمیباشد و از طرف دیگر همه مظنونین و متهمین دانش مسلکی، مهارت و تجربه حقوقی را در بخش جزا و محاکمه ندارند. بعضاً مظنون و متهم شاید تحت توقیف قرار داشته باشد که دسترسی به مدارک و دلایل برای وی مشکل است. بنابراین آن برای طرح ریزی یک دفاعیه سالم وجود وکیل مدافع در پروسه تحقیق، تعقیب و محاکمه ضروری میباشد. وجود چنین شخص واجد دانش مسلکی با مهارت و آبدیده در مقابل حارنوال که او هم مجهز با چنین مواهب میباشد، ضروری است.

احکام قوانین شکلی جزائی که نحوه اثبات و نحوه صدور حکم محکمه را مشخص میسازد، حاصل سنت‌ها و تجربه‌های است که در قوانین گرد آمده است تا طرفین در مرحله اثبات از آن‌ها تجاوز نکنند و مراجع رسیده گی با رعایت از آن مکلف میباشند. اما این قوانین بعضاً مغلق بوده عاری از ابهام و اغماض نمی باشد. فهم آن برای مردمان عادی که اصلاً بی سواد هستند یا اینکه سواد اندک دارند، کار مشکل است و از طرف دیگر محکمه وقتی میتواند، یک موضوع را بطور دقیق و عادلانه بررسی نماید که همه جهات موضوع در محکمه بصورت گسترده مطرح و روشن شده باشد. اما کی‌ها میتوانند، مسایل جزائی را بصورت دقیق و قانونی و واضح توضیح نمایند. یک طرف حارنوال که شخص مسلکی است توان این کار را دارد اما طرف دیگر قضیه که مظنون و متهم است از یکطرف از دانش و مهارت مسلکی محروم میباشد. بعضاً اگر واجد دانش مسلکی هم باشد با وارد شدن یک اتهام جزائی علیه او شاید وارخطا هراسان و تحت تاثیر قرار گیرد و نتواند در چنین حالت از خود دفاع نماید. چه حکم جزائی بعضاً سبب سلب حیات، آزادی و حقوق مالی متهم میشود

و شخص در حالت اتهام جزائی شاید در حال ضعف دماغی و نارامی قرار گیرد که اگر واجد دانش حقوقی مسلکی هم باشد، شاید نتواند، دقیق از خود دفاع نماید. اما وکیل مدافع که خود تحت اتهام نیست، میتواند با روحیه آرام عاری از ترس با استفاده از دانش قانونی و حقوقی خود از مظنون و متهم دفاع نماید. بناً در شرایط دشوار دعوی جزائی نقش وکیل مدافع در مقابل حارنوال حایز اهمیت است که از حقوق قانونی و شرعی مظنون و متهم در پروسه دعوی جزائی دفاع نماید. حق داشتن وکیل مدافع در ماده (۳۱) قانون اساسی کشور ما تسجیل یافته است. قوانین اساسی تمام کشورهای جهان حق گرفتن وکیل مدافع را به مظنون یا متهم داده اند. چنانچه ماده (۶۷) قانون اساسی مصر تصریح کرده: (برای هر شخص متهم باید وکیلی برای دفاع او فراهم گردد).

ماده (۳۵) قانون اساسی ایران صراحت دارد: (در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند، برای خود وکیل انتخاب نمایند. اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند. باید برای آن امکانات تعیین وکیل فراهم گردد).

همچنان ماده (۱۰) قانون اساسی پاکستان این شرح را حاوی است: (هیچ شخص گرفتار شده بدون اینکه به اسرع وقت از دلایل گرفتاری اش آگاه گردد، توقیف نمی شود و نیز از حق مشوره گیری، داشتن وکیل مدافع دلخواه اش محروم نمیگردد).

همچنان ماده (۱۴) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره حق داشتن وکیل مدافع نیز ذیلاً صراحت دارد: (هر شخص حق دارد در جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمین های حداقل ذیل با تساوی کامل برخوردار باشد:

در حضور داشت خودش محاکمه شود شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند در صورتیکه وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح محکمه اقتضاً نماید از طرف محکمه رسماً برای او وکیل تعیین شود و هرگاه درین صورت متهم از پرداخت حق الوکاله عاجز باشد، مصارف آن بدوش محکمه میباید.

باین ترتیب قسمیکه دیده میشود حق تعیین یا توظیف وکیل مدافع حق مشروع و قانونی مظنون و متهم میباشد.

اصل برائت است که حارنوال اگر نتواند خلاف آنرا ثابت کند متهم خود بخود مبرا از مسوولیت است. ماده (۴) قانون جزای کشور ما این اصل را تصریح و اضافه کرده است. متهم

تا وقتیکه به فیصله قطعی محکمه محکوم علیه قرار نگیرد، بیگناه است. این اصل در ماده (۳۷) قانون اساسی ایران، ماده (۱۰) قانون اساسی پاکستان، ماده (۲۵) قانون اساسی کشورما، ماده (۶۷) قانون اساسی مصر، ماده (۱۴) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و قوانین اساسی تمام کشورها تصریح شده است.

در جهان اولاً ادعای حق و تعقیب حق مطرح شده و بعداً دفاع از آن جلوه گر میشود و در نهایت نوبت قاضی و مرحله قضاوت میرسد. وکیل مدافع نه فقط وجیهه دفاع از حق و تعقیب حق را دارد، بلکه خود او یک مساعد و مشاور دقیق در رهنمائی قاضی در اصدار حکم و فیصله عادلانه است. وکیل مدافع متهم مجهز به مواهب چون سرعت انتقاد و ورزیده گی در بازرسی و سخنوری، فصاحت در بیان، زیرکی و حتی تسلط در فصاحت گفتار باشد، تا بتواند سنگر مستحکم و نفوذ ناپذیری از مواد و مصالح قانون به نفع مؤکل خود سازد و درین راه هر گامی و هر سخنی جزبا دلیل نمی رود. وکیل مدافع در فواصل راه پر نشیب و فراز دعوی جزائی در مقابل حارنوال دلایل را ارایه میکند، متکی به حقایق و واقعیت ها که حداکثر مصالح مؤکل خود (مظنون و متهم) را در شرایط دشوار و آشفته دعوی جزائی حفظ کند و محکمه را از صدور حکمی متکی بر ظن و گمان بر حذر دارد و خواستار حکمی مؤجه و مستند به دلیل قانونی و دور از تقلب شود. وکیل مدافع متهم میان حارنوال که به نماینده گی از دولت دعوی مینماید و مؤکل خود چون دژ استوار میایستد و در تصفیه دلایل حارنوال و یا وکیل مدعی خصوصی قیام میکند. تا آنچه را که به عنوان دلیل عرضه میشود یا شده است به نگاه تیز بین اومخدوش، خلاف حق و حقیقت و انصاف میاید با تمام نیروی دانش خویش به آن اعتراض قانونی نماید. بر شاهدان دروغگو و آن بخش گفتار شهود که اطمینان بخش نیست، عدم لیاقت یا فقدان صلاحیت مدعیان عمومی و خصوصی علیه مؤکل او دلیل به شمار آورده اند، چون شمشیر برهنه فرود آید. اما وظیفه و نقش وکیل مدافع متهم به هیچ تعبیری این نیست که مراجع تطبیق عدالت اعم از پولیس و حارنوال و محکمه را فریب دهد تا تصمیمی خلاف قانون و خطا و عاری از عدالت به سود مؤکل خود بدست آرد.

وکیل مدافع وسیله ارتباط میان متهم و شهودی است که به نفع متهم شهادت میدهند. متهم همانگونه که از نام و مفهوم آن بر میاید گزارش پولیس و دعوی حارنوال علیه اوست، پولیس چون برای ادای شهادت علیه متهم به محکمه احضار میشود، دفترچه یادداشت خود

را همراه دارد به سوال ها آنچه یادداشت کرده و خود آنرا حقیقت دانسته علیه متهم شهادت و گزارش میدهد و قاضی آنرا به حافظه میسپارد اما متهم از چنین امتیاز محروم است. شاهدان متهم چون پولیس حرفوی نیستند و چون پولیس محل واقعه (مصئونیت) ندارند. با جرئت نمیتوانند مانند پولیس حرف بزند و شهادت بدهند شاهدان متهم بیشتر از مجازات شهادت ناحق و یا حلف تشویش دارند در حالیکه پولیس در موقع ادای شهادت کمتر باین تشویش مواجه است اما وکیل مدافع باید شاهدان متهم را رهنمای کند از حاشیه روی و زواید منع شان کند. و برای شان تفهیم کند که با صدای رسا سخن گویند و به سوالات با اطمینان پاسخ دهند. وکیل مدافع به شاهدان متهم یاد آور میشود که مانند پولیس در ادای شهادت در محکمه از موقف مساوی بر خوردار هستند تا شهود متهم بتوانند با اطمینان خاطر توجه قاضی را با دقت جلب نمایند.

وکیل مدعی خصوصی در موقعیت مناسب و فراتر از وکیل مدافع متهم قرار دارد. زیرا گزارش پولیس کشف و صورت دعوی حارنوال نه تنها سد راه او نیست بلکه مستندات ادعای او و حتی پشتیبان وی نیز میباشد.

حارنوال خصم شریف است در حدود قوانین نافذ و شریعت غرای محمدی (ص) با مظنون و متهم آنهم به نماینده گی از اجتماع و ارگان عمده اجتماع که دولت است، خصومت مینمایند و درین خصومت جز با قانون پیش نمی رود. وکالت دفاع را هم میتوان از شریف ترین حرفه ها به شمار آورد زیرا اگر مؤکل او بی گناه باشد چه حرفه ای ازین والاتر و شریف تر که چنان کسی را از شبکه های ساختگی و دروغ و فریب و احیاناً اشتباه و خطا های شاکیان و یا پولیس و حارنوال که علیه او دلایل تعبیه کرده اند، رهائی می بخشید.

برای مراجع تحقیق و حارنوال سازگارتر این است که مظنون و متهم، وکیل مدافع نداشته باشند تا به آسانی بتوانند به هر شکلی که باشد از آنها اقرار بگیرند. ویا دلایل خویش را ولو بی اساس باشد، مورد استناد مراجع قضائی بسازند. اما این خیلی ها مهم است که مظنون و متهم به یک وکیل مدافع دسترسی داشته باشند، تا مطلع گردند که چه مدت در توقیف باقی میماند؟ معنی اتهام منسوبه او چه است؟ امتناع از بیان و حق سکوت چه عواقب و پیامدهای در قبال خواهد داشت؟ همه این مسایل را یک وکیل مدافع میتواند به مظنون یا متهم الهام بدهد.

درین اثر کوشیده شده است تا صلاحیت ها، حقوق و مسوولیت های حارنوال را از یکطرف و صلاحیت ها، حقوق و وظایف وکیل مدافع را از طرف دیگر و آنچه را که حارنوال میتواند، علیه متهم انجام دهد و آنچه را که وکیل مدافع میتواند به نفع متهم انجام دهد در دعوی جزائی اعم از پروسه تحقیق، تعقیب و محاکمه، بررسی و نقش حارنوال و وکیل را مدافع در پروسه دعوی جزائی و تأمین عدالت جنائی ارزیابی گردد. اما قبل از ورود به موضوع تاریخچه مختصر هر دو صنف یعنی حارنوال و وکیل مدافع را مرور نموده بعداً موضوع را به بحث میگیریم.



## بخش اول

### حارنوال، تاریخچه، صلاحیت ها و وظایف آن

#### فصل اول

#### تاریخچه حارنوالی در جهان و کشورما:

اداره بررسی و حارنوالی برای بار اول در قرن (۱۴ میلادی) در کشور فرانسه *farnch* بمیان آمده اما بعضی حقوقدانان عقیده دارند که این اداره قبل از قرن (۱۴) در شهر روم *Rom* به میان آمده است که بنام وکیل پادشاه یاد میشود. در ابتداء مرتکبین جرایم ارتداد از دین مسیحیت و جرایم خیانت به اموال دولت را به حارنوالی جهت تحقیق و تعقیب می سپردند. اما بعداً این اداره انکشاف کرد در قرن (۱۶) تقریباً حیثیت حارنوالی امروزی را در اروپا کسب کرد.

در افغانستان بخش تحقیق جرایم را مدت ها قاضی در محکمه انجام میداد عارض یا شاکی شخصاً به قاضی یا محکمه مراجعه مینمودند، و یا اگر به ادارات محلی عارض میشد ادارات مذکور عریضه را با شاکی به محکمه راجع مینمود. شاکی از محکمه خواستار عدالت میشد. قاضی شخصاً از مدعی و مدعی علیه سوال و جواب میکرد و ابتداء سوال و جواب شفاهی و بعداً تحریری گردید بعد از سوال و جواب و علم رسی قاضی در موضوع فاصله خویش را صادر مینمود.

بعداً در تشکیل دولت های قبلی کشورما به منظور تحقیق جرایم ارتکاب یافته در تشکیل قوماندانی های امنیه ولایات و ولسوالی ها سرکاتب جزاء و کاتب جزاء پیشینی شد. که وظیفه شان صرف تحقیق جرایم بود. اما ولسوال ها بحیث وکیل اثبات جرم توظیف بودند. ارسال دوسیه جزائی از طریق ولسوالی به امضاء ولسوال به محکمه صورت میگرفت. تحقیق جرایم وظيفوی مامورین در مرکز هر ولایت و در مرکز هر وزارت توسط مدعی العموم صورت میگرفت که در تشکیل هر ولایت و هر وزارت وجود داشت مدعی العموم وظیفه تعقیب متهم جرایم وظيفوی مامورین را نیز بعهده داشت.

به موجب قانون اساسی نافذ ۹ میزان ۱۳۴۳ خصوصاً ماده (۱۰۳) قانون مذکور، حارنوالی بنام مدعی العموم رسماً ایجاد شد که وظیفه تحقیق جرایم را دارا بوده و بعداً

قانون حارنوالی در سال ۱۳۴۴ نافذ گردید. گرچه این قانون مواد محدود داشت جمعاً (۱۴) ماده را حاوی بود. که این قانون بر علاوه وظیفه تحقیق جرایم، وظیفه تعقیب متهم را نیز به حارنوالی موکول کرده بود. مطابق قانون اجراءات جزائی که در دوره انتقال یعنی قبل از تشکیل شورای ملی در سال ۱۳۴۳ به فرمان تقینی پادشاه وقت نافذ گردیده و وظیفه تحقیق به هیأت ضبط قضائی سپرده شد که حارنوال و پولیس هردو را شامل بود. اما بعداً که در سال ۱۳۵۲ به تعداد (۱۴۴) ماده این قانون مورد تعدیل قرار گرفت، درین قانون صلاحیت های حارنوال منحیث هیأت ضبط قضائی در بخش تحقیق جرایم مشخص گردید. همچنان حارنوال صلاحیت های در بخش رهائی مؤقت متهم، تعقیب متهم در محکمه، بررسی فیصله های محاکم تحتانی و صورت اعتراض و یا قناعت به آن وسایر صلاحیت ها را در بخش تدقیق و تطبیق فیصله های جزائی محاکم کسب نمود. قانون اساسی نافذ سال ۱۳۵۵ بخصوص ماده (۱۰۶) آن کشف را به صلاحیت پولیس و تحقیق و تعقیب متهم را در محکمه از صلاحیت و وظیفه حارنوال دانست و آنرا جز قوه اجرائیه اعلام کرد. اما بعداً با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ این قانون اساسی فاقد اعتبار اعلان گردید و بعداً قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت حارنوال بر قانونیت و تطبیق آن در سال ۱۳۵۸ نافذ گردید. که تحقیق جرایم علیه امنیت عامه را به صلاحیت حارنوال و جرایم علیه اشخاص را به صلاحیت پولیس و جرایم علیه دولت را به صلاحیت اداره استخبارات موکول کرد.

قانون اساسی سال ۱۳۶۶ پهنای جدیدی را در صلاحیت ها و وظایف حارنوال گشود و آن اینکه ماده (۱۲۰) همین قانون صلاحیت نظارت بر تطبیق یک سان قانون را به حارنوالی موکول نمود. همین ماده توضیح کرد که صلاحیت و تشکیل حارنوالی طبق قانون تنظیم میگردد. که بعداً طبق قانون تشکیل و صلاحیت حارنوالی نافذ سال ۱۳۷۰ وظیفه نظارت، تحقیق و تعقیب را به حارنوال واگذار کرد. و اداره استخبارات صلاحیت تحقیق جرایم سیاسی و جرایم علیه دولت را کما فی السابق عهده دار بود.

بالاخره به موجب ماده ۱۳۴ قانون اساسی ۱۳۸۲ که فعلاً نافذ و مرعی الاجراء است. حارنوالی کما فی السابق صلاحیت تحقیق جرایم و تعقیب متهم را دارا میباشد. حارنوالی در کشور ما به نام های مختلف یاد شده چون خصم شریف (یعنی کسیکه در خصومت خود با مظنون و متهم از حدود قانون و شرع تجاوز نمیکند). مدعی حق الله (یعنی کسیکه به نمایندگی از حقوق الله و حقوق اجتماع یا دولت دعوی مینماید). وکیل دعوی (یعنی

کسیکه قانوناً وکالت دعوی را به نماینده گی از دولت در مسایل جزائی حایز است.) مدعی العموم (یعنی کسیکه از طرف عموم یعنی همه اجتماع که ارگان عمده دولت است ادعاء مینماید.) وکیل پادشاه (یعنی کسیکه از طرف امیر یا پادشاه یا رئیس جمهور برایش وکالت داده شده تا موضوع جزائی را تحقیق و تعقیب نماید.) وکیل اثبات جرم (یعنی کسیکه وظیفه دارد با ارائه دلایل و قراین در اثبات جرم با قاضی همکاری نماید که گفته میتوانم یک مدت قبل از ایجاد اداره حارنوالی و موجودیت حارنوالی در ولسوالی ها و محلات، ولسوال ها وکیل اثبات جرم بودند.

## فصل دوم

### وظایف و صلاحیت های حارنوالی:

وظایف و صلاحیت حارنوالی در کشور ما در طول موجودیت آن طوریکه قبلاً تذکریافت، در حال نوسان بوده گاهی تنها وظیفه تعقیب متهم را محکمه و بررسی فیصله های جزائی محاکم تحتانی و صورت قناعت و اعتراض بر آن را داشته و زمانی هم در پهلوی این وظیفه، وظیفه تحقیق تمام جرایم و یک مدت هم وظیفه تعقیب بعضی جرایم یعنی جرایم علیه امنیت و منفعت عامه را داشته و بالاخره در طول حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان علاوه بر دو وظیفه فوق صلاحیت و وظیفه نظارت از تطبیق یک سان قانون و اتخاذ تدابیر جهت جلوگیری از وقوع جرم، تحکیم قانونیت، دفاع از حقوق سیاسی و آزادی اتباع، دفاع از حقوق و منافع قانونی ادارات دولتی و مختلط، رایه پیشنهاد جهت وضع، تعدیل و لغو قانون به شورای ملی نیز به حارنوالی موکول گردیده بود. حارنوالی بر علاوه وظایف و صلاحیت های فوق صلاحیت وظیفه انتصاب اتهام به شخص حقیقی یا حکمی طبق احکام قانون، نظارت و توقیف مظنون و متهم، امتناع از انتصاب اتهام خلاف قانون و غیر مدلل به شخص حقیقی و حکمی، جلوگیری از محدودیت های غیر قانونی بر حقوق آنها، جلوگیری از سلب آزادی، گرفتاری، نظارت، حجز، توقیف غیر قانونی شخص، رعایت احکام قانون در تحریک و تعقیب دعوی جزائی، جمع آوری دلایل کافی الزام یا برائت مظنون و متهم، حفظ دوسیه جزائی، انصراف از تعقیب در صورت عدم وقوع جرم یا نبودن دلایل کافی الزام، اشتراک در جلسات قضائی محاکم ذیصلاح، ارزیابی فیصله ها و تصامیم جزائی محاکم تحتانی و رایه

اعتراض بر آن به محکمه فوقانی رانیز کسب نمود. اشتراک لوی حارنوال در جلسات شورای عالی ستره محکمه نیز در جمله صلاحیت ها و وظایف قانونی اداره حارنوالی درآمد.

## بخش دوم

### تعریف، تاریخچه و کلای مدافع و وظایف و صلاحیت های آنها در افغانستان

#### فصل اول

##### تعریف وکیل مدافع:

وکیل مدافع عبارت از شخص حقوقدان و قانوندان است که با مظنون، متهم یا مدعی ومدعی علیه مساعدت نموده، نیابتاً از آنها بطریق وکالت در برابر حارنوالی و یا مدعی و مدعی علیه در محاکم دفاع مینماید.

وکالت بر اساسی قواعد گرامری اسم است برای توکیل کسی است که ویرا مؤکل، وکیل گردانیده است.

دفاع از حق، عدالت، قانونیت و مساوات از حقوق و وظایف وکیل مدافع است وکیل مدافع با ارایه صورت دفاع و مطالبه خویش، قاضی را در محیط عدالت رهنمائی مینماید. وکیل مدافع باید با زیور علم، تقواء، امانت داری، پشت کار، شهامت، راز داری، بی غرضی معرفت داشتن به معلومات عرصه حقوق و قوانین آراسته باشد.

در جهان امروز که ده ها رشته حقوق در عرصه ارتباطات ملی و بین المللی پدید آمده است. پایان بخشیدن اختلافات بدون ملاحظه وکلای مدافع و مشاور حقوقی کار آسان نیست. وکیل مدافع الهام دهنده قاضی در اجرای عدالت و قانونیت است. حافظ جان، مال، شرف و آبروی مؤکل خویش بوده به مثابه چراغ روشن یا نور افگنی است که بیانات و توضیحات او تاریکی های مسایل مختلف دعوی را که برای قضات مبهم، مجهول و لاینحل مانده است، روشن میسازد. وکیل مدافع فرد اولی است که تجاوز بیگانه را در قلمرو حقوق مؤکل خویش اجازه نداده، پاسبان عدالت و رافع ظلم و ستم است.

وکیل مدافع در دعاوی جزائی رافع مشکلات و یا لا اقل سبک سازنده مشکلات است. وکیل مدافع جزآنکه مدافع حق و خواهان عدالت باشد، خصوصیت دیگر باید نداشته باشد.

کسانی که به محاکم و حارنوالی و سایر ادارات حراست حقوقی سروکار ندارد و یا سروکار پیدا نکرده اند کمتر به مفهوم و اهمیت وکیل مدافع و ارزش و اعتبار آن پی میبرند.

کلمه وکیل که در فارسی رایج است از زبان عربی گرفته شده. کلمه وکیل در آیه (۱۶۷) سوره آل عمران قرآن مجید آمده است و مقام وکالت را در ردیف و مقام بزرگ روحانی و معنوی قرار داده است. خداوند (ج) در چهار سوره قرآن مجید در آیات (۶۶) و (۱۰۷) سوره انعام در آیه (۱۰۸) سوره یونس در آیه (۴) سوره شورا درباره وکیل هدیایات را به بنده گانش داده است و به پیغمبر (ص) فرموده است: به بنده گان من بگو اگر قصد شرارت داشته باشند و ایجاد تسمم فکری در جامعه بشری نمایند و خیال گمراهی هم نوع را داشته باشند و بخواهند مردم را از جاده راست بیرون سازند من دوش خود را از زیر بار وکالت شان خالی مینمایم. باین صورت وکیل باید متصف به صفات عالی و مظهر حق و عدالت باشد. وکیل در حکم آئینه است که جهان و حق در آن بازتاب و هویدا میگردد. وکیل غیر از حق نباید راه دیگری را بپیماید و در مقام تزیین حق دیگران نباید خود را عامل غصب حق دیگران و تقویت ظالم و غاصب قرار دهد.

در زبان فرانسوی کلمه (ادکا)<sup>۱</sup> را برای وکیل استعمال مینمایند که از کلمه لاتینی *Advocates* مشتق شده و آن نیز دو کلمه است که یکی *Ad* به معنی دست گیری و دیگر آن *Vacates* مظلوم معنی شده است. هر دو کلمه به معنای کمک و یاری از مظلوم بوده یا بهتر گفته شود. هر مظلوم فردی را به یاری خود میخواهد و برای حفظ، دفاع و تعقیب حق خود او را فرا میخواند و از او استمداد میجوید در زبان انگلیسی گرچه لغات متعددی برای وکیل مدافع

وضع شده اما کلمه دقیق آن همانا کلمه *Lawyer* است که به معنی حقوقدان و قانون دان میباشد. یعنی کسیکه آشنا به حقوق و قانون باشد تا دیگران را از تجاوز به حدود حقوق شان دفاع نماید.

در زبان آلمانی وکیل مدافع را نماینده حق میگویند *Reantrain Walt* رشتنر والت میگویند. در افغانستان کلمه وکیل مدافع را استعمال مینمایند.

<sup>۱</sup> کتاب مدافع و دفاع از متهم صفحه ۱۲ مولف عبدالاحد عشرتی

## فصل دوم

### تاریخچه وکلای مدافع:

دفاع از متهم بطریق وکالت سابقه بسیار طولانی دارد این وظیفه نه زاده انقلاب کبیر فرانسه و نه هم زاده ابتکارات امپراطور (ژوستینین) میباشد بلکه به مراتب ازین عصر پیشتر است حتی میتوان گفت این وظیفه قبل از عصر فراغنه مصر بوجود آمده است.

اصلاً قوانین در اجتماعات بشری همه اتکا به ادیان داشته که از آن گروهی از افراد پیروی مینمودند. انتقام فردی که بین قبایل بدوی وجود داشت، رفته رفته با بمیان آمدن قوانین مذهبی رو به ضعف گذاشته باین ترتیب که برای فامیل مجنی علیه حق و اختیار داده شد از ضرر و حادثه‌ای که به آنها رسیده است، عوض اخذ نمایند. به این ترتیب قوانین انتقام فردی را به تعویض مالی آنها به اختیار مجنی علیه و یا ورثه او مبدل ساخت و بالاخره مجالس تحکیم برای حل منازعات بمیان آمد که همین مجالس بعداً به هیأت قضائی در اجتماع انکشاف کرد.

برای روشن شدن دقیق سوابق تاریخی وکلای مدافع تاریخچه آنها در شش مرحله مطالعه می‌ماییم:

۱. عصر فرعونیان.
۲. عصر اغریقی‌ها.
۳. عصر رومانیها.
۴. عصر اسلام.
۵. عصر ممالک عثمانیه.
۶. عصر دوره انقلاب کبیر فرانسه.

### ۱- عصر فرعونیان:

اولین بار وظیفه دفاع از متهم در مصر دیده شده است. در سال ۲۷۷۸ ق. م در خلال حکمروائی خاندان سوم و چهارم فراغنه مصر یعنی خاندان اهرامات (این خاندان جیره را اساسی گذاشت) برای حل و فصل منازعات اشخاص محاکم را بمیان آوردند و جهت رسیدگی دعاهای یک تن از اعیان آنها در یک محکمه ته‌ظیف می‌گدید. این وضع تا زمان

خاندان پنجم سنه ۲۵۹۳ ق.م دوام کرد ولی بعدها قضات و محاکم صورت استقلال را بخود گرفتند و تابع امر دیده نمیشدند در دوران بعدی یعنی دوره خاندان پنجم فرعانه در مصر محکمه عالی استئناف یعنی محکمه مرحله دوم هم تشکیل شد. درابتدا صورت دفاع به طور شفاهی بود اما بعداً تحریری صورت میگرفت. محکمه میکوشید تا همه مسایل جرو بحث و دفع تحریری باشد. درین دوره وکیل مدافع تنها صورت دعوی و دفاع رازنام شخص در محکمه تقدیم مینمود وکیل مدافع رادر مورد رویداد های که در جلسه بمیان میآمد و مناقشاتیکه قضات متوجه متخاصمین میگردانید کوچکترین دخلی نبود چه در آن وقت همه اجراءات محاکم صبغه دینی داشت این عصر را بنام عصر "کاهن ها" یعنی عصر پرستش آفتاب نیز یاد میکنند.

## ۲- عصر اغریقی ها:

اغریقی ها در سال ۱۹۶۱ ق.م یعنی پنج قرن قبل از حضرت موسی (ع) قدرت را در منطقه بابل (شام، عراق، سوریه) امروزی بدست داشتند. (وبعداً در سال ۳۳۲ ق.م الی سال ۳۰ ق.م مصر را هم تحت امپراطوری شان قرار دادند.) پادشاه همورابی توانسته بود اداره امپراطوری خویش را طبق قانون تنظیم کند. درین عهد دریکی از لوایح شهر (سومر) در مملکت بابل آمده است که سه شخص متهم به قتل یک تن از مؤظفین دولت در سال ۱۵۰ ق.م گردیده بودند وقتی که این سه شخص تحت محاکمه قرار گرفتند همسر یک تن از متهمین نیز خود را مسئول قرارداده اظهار نمود که آنها وقتی میخواستند شخص مذکور را به قتل برسانند ویرا از موضوع خبر داده بودند و اضافه کرده بود که ولی من مقامات مسئول را خبر نکرده ام درین محاکمه ۹ نفر وکیل مدافع از متهمین قتل و دو نفر وکیل مدافع از زن دفاع نمودند بالاخره محکمه به الزامیت متهمین مردان و برائت زن حکم صادر نمود. درین دوره چگونگی شکل دفاع عبارت از مدافعات بود که وفق اجراءات شکلی که قانون توضیح کرده بود، صورت میگرفت. وکیل مدافع وظیفه داشت تا نزاع مؤکل خود را در محکمه مطرح نماید و یک قاضی مکلف به تدقیق آن بود بعداً قاضی مدقق آنرا جهت قضاوت به قاضی دیگر واگذار میکرد. بعدها در عهد امپراطوری ژوستنین وظیفه دفاع دارای اهمیت زیاد بود و از همین رهگذر لازم بود تا مدافع قبل از آنکه به وظیفه دفاع بپردازد به انجیل قسم یاد نماید که عدالت را رعایت نموده وظیفه خود را طوریکه امانت ایجاب

مینماید، به سر میرساند. درین دوره کسی میتوانست وکیل مدافع باشد که از علم و دانش بهره میداشت.

### ۳- در عهد اسلام:

قضاوت در صدر اسلام و اداره خلفای راشدین بطور شفوی بود نه تحریری. قاضی در مسجد برای حل و فصل منازعه جلسه میکرد و براساس قرآن مجید و سنت نبوی (ص) اصدار حکم مینمود. درین دوره وکیل مدافع بصورت مستقل وجود نداشت. اما بعداً در دوره تابعین یعنی دوره اجتهاد و وظیفه وکیل مدافع را بعضاً علمای کرام و مجتهدین تمثیل میکردند و قاضی را متوجه تطبیق کتاب الله (ج) و سنت نبوی (ص) میساختند و مجتهدین چون امام ابوحنیفه (رح) امام شافعی (رح) و امام حنبل (رح) وظیفه وکالت را بعضاً بدوش میگرفتند.

### ۴- عصر رومن ها:

درسال های ۱۳۰۰ الی ۱۶۰۰ م درعصر رومن ها سیستم محاکم در محدوده حکم روائی آنها به طوری ابتدائی بیمان آمد در این عصر به وکیل مدافع هم حق داده شد تا از متهم در محکمه دفاع نماید. همچنان در این عصر جهت بررسی جرایم ارتداد و بررسی جرایم علیه بیت المال حارنوالی بمیان آمد که علیه متهمین این نوع جرایم اقامه دعوی مینمود.

### ۵- عصر عثمانیه:

درین سال ها ی ۱۲۵۰ و ۱۵۶۸ م مصر و بعضی از نقاط شبه جزیره عرب توسط عثمانی ها اداره میشد. درین دوره در شرق و غرب تقریباً رشوه ستانی و فساد مقام قضاوت، وکالت و دفاع را تحت شعاع قرار داده بود. در این دوره محاکم به وکالت دفاع چندان اهمیت قابل نبودند.



## ۶- دوره انقلاب کبیر فرانسه:

زمانیکه در سال ۱۷۸۹ م انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوست و مبادی حقوق بشر اعلان گردید، بعداً که ناپلیون به قدرت رسید در سال ۱۸۱۰ به تشکیل وکلای مدافع پرداخت و قانون جدیدی را به منظور تنظیم سلطه قضائی بمیان آمد. درین قانون شرایط احراز پست قضاوت را لیسانس بودن قاضی و سابقه کارش حداقل دوسال بحیث وکیل مدافع تعیین می کرده.

## فصل سوم

### وکیل مدافع در کشور ما

دولت وقت افغانستان در سال ۱۳۲۶ تعلیمات نامه وکالت دعوی را در ۲۱ ثور نافذ و نشر نمود. درین تعلیمات نامه وظایف و چگونگی کار دفاع در محاکم روشن گردید. در ماده اول تعلیمات نامه مذکور وکالت چنین تعریف شده است: (وکالت یک انتقال صلاحیت مشروع است که شخص به دیگری در کدام کار صلاحیت خود را تعویض مینماید و او را قایم مقام خود میگردانید).

این تعلیمات نامه وکالت را در چیزهای که تصرف آن شرعاً برای خود مؤکل جایز باشد جواز دانسته شده است وکالت را در استقراض و حلف، باطل و ناجایز دانسته اما وکالت را در استخلاف جایز خوانده است.

در ماده (۱۱) تعلیمات نامه مذکور حدود اختیار و صلاحیت وکیل توضیح شده که وکیل از حدود صلاحیت خود که از طرف مؤکل برایش تعیین شده تجاوز کرده نمیتواند.

این تعلیمات نامه در ماده (۲۱) خویش وکالت را شفاهی و یا تحریری جواز دانسته گفتار وکیل را در مورد مؤکل وی که مؤکل من قسم نمیکند، قابل اعتبار ندانسته است. مطابق ماده (۳۴) این تعلیمات نامه شخصی بحیث وکیل دعوی، میتواند جواز اخذ نماید که دارای صفات ذیل باشد:

۱- دارای دیپلوم شرعیات یا حقوق باشد یا معادل آن در علوم شرعی معلومات داشته

باشد.

۲- به اصولنامه ها و اسناد و تعلیمات نامه ها و لوایح رسمی عدلیه معلومات داشته

باشد.

۳- اخلاق مغایر عفت و امانت داری نداشته باشد.

۴- به کدام جنحه و جنایت محکوم نشده باشد.

۵- شهرت بد نداشته باشد.

۶- حد اقل سن سی سال داشته باشد.

بر طبق ماده (۳۶) این تعلیمات نامه مرد، زن را و زن، مرد را ولو بیگانه باشند میتوانند، وکیل استخدام نمایند. و هکذا مسلم غیر مسلم را و غیر مسلم، مسلم را میتوانند، وکیل توظیف نماید، اما بعداً قانون امور مدافعین نافذ گردید. که دارای پنجاه ماده بود. درین قانون درجه وکالت دفاع بر حسب لیاقت وکیل مدافع تعیین میگردد که سه درجه یعنی صلاحیت دفاع در محکمه ابتدائیه، صلاحیت دفاع در محکمه ابتدائیه و مرافعه و صلاحیت دفاع در محاکم سه گانه تقسیم شده بود. درین قانون کمیته ای بنام کمیته مرکز مدافعین در نظر گرفته شده بود. کمیته متذکره صلاحیت داشت تا درجه وکلای مدافع را تعیین نموده و ارتقاء دهد.

داشتن تابعیت افغانی، لیسانس حقوق و شرعیات و یا تجربه و لیافت معادل آن برای وکیل مدافع در اخذ جواز ضروری پنداشته شده بود. وکیل مدافع قبل از شروع به کار مکلف به یاد نمودن سوگند بود، که به امانت داری و صداقت وظیفه وکالت را اجراء نماید.

ماده (۱۲) این قانون، وکیل مدافع را مکلف به سپری نمودن دوره نموده بود، ستاژ نمود. ماده (۳۷) قانون مذکور وکیل مدافع را مکلف ساخته بود تا در برابر مؤکل خود صادق بوده از حيله و تزوير کار نگیرد. این قانون با در نظر داشت اینکه جوابگوی مقتضیات عصر نبود. ملغی گردید و قانون تنظیم امور وکلای مدافع جانشین آن گردید. این قانون که به تاریخ ۱۳۲۰/۴/۲۲ نافذ گردید. بر علاوه اینکه نکات مطلوب قانون قبلی در آن گنجانیده شده بود. مسایل مهم دیگر نیز درین قانون مسجل شده و آن عبارت از ممنوعیت بعضی اشخاص از اشتغال به کار وکالت دفاع بوده که ماده هفتم قانون مذکور اتباع خارجی، قاضی، حارنوال و کارکنان حکومت را حین اشتغال وظیفه شان از وکالت دفاع منع نموده است.

درین قانون حقوق و وجایب وکلای مدافع مشخص شده دفاع از حقوق مؤکل، ایجاد دفتر وکالت دفاع، نیابت از مؤکل، دفاع از دعوی در پیشگاه محکمه، اشتراک در تمام مراحل تحقیق، جواب به نیابت مؤکل بعد از مفاهمه با وی، بدست آوردن اطلاع از جریان تحقیق

مؤکل خویش و نتایج آن، مطالعه اوراق دعوی جزائی و مدنی مربوط مؤکل، ملاقات با مؤکل که تحت حبس، نظارت یا توقیف باشد، اخذ حق الزحمه از مؤکل در جمله حقوق و امتیازات وکیل مدافع مشخص شده که در ماده (۲۳) قانون متذکره تصریح شده است.

ماده (۲۵) قانون تنظیم امور وکلای مدافع، حفظ اسرار وظیفوی، اجرای امور وکالت با صداقت و ایمانداری، احترام به حیثیت اشخاص، خود داری از هر نوع مساعدت حقوقی به جانب مقابل، حفظ اوراق و اسناد مؤکل و سپردن آن بعد از حل مطلب، خود داری از تبلیغات سو بر علیه همایر وکلا در جمله وجایب وکیل مدافع دانسته وکیل مدافع مطابق ماده (۲۷) قانون متذکره مکلف به ادای سوگند جهت کار صادقانه در حضور انجمن وکلای مدافع میباشد.

یک سلسله قیودات دیگر در مواد (۳۳-۳۴-۳۵) قانون مذکور برای وکلای مدافع تعیین شده بود و آن اینکه وکیل مدافع در قضیه ایکه دعوی یا دفع مینماید و یا در مورد آن مشوره کتبی ارائه نموده باشد، شاهد شده نمیتواند ویا بعد از عزل وکالت یا ختم آن نمیتواند در همین موضوع وکیل یا شاهد جانب مقابل گردد، یا به جانب مقابل مشوره دهد. هم چنان وکیل مدافع نمیتواند در پیشگاه محکمه ایکه با یکی از قضات آن قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم داشته باشد، وکالت نماید.

همچنان بر حسب ماده (۳۶) همین قانون، وکیل مدافع نمیتواند در قضیه ای راکه قبلاً بحیث قاضی، حارنوال، مستنطق یا اهل خبره مورد بررسی قرار داده است، وکالت نماید.

به موجب ماده (۵۰) این قانون حارنوال و محاکم مکلف اند بنابر مطالبه جانبین دعوی یا وکلای مدافع شان دفاتر، اسناد و دوسیه ها را تحت نظر مامورین مؤظف غرض مطالعه در اختیار شان قرار دهند.

برعلاوه قانون تنظیم امور وکلای مدافع که در آن حقوق و وجایب وکلای مدافع و نحوه صدور جواز به آنها مسجل میباشد. قوانین نافذه دیگری در کشور ما نیز در باره حق داشتن وکیل مدافع و حقوق وکلای مدافع هدیایات مشخص را دارا میباشد. قانونیت حق داشتن وکیل مدافع در آن مسجل شده است چنانچه ماده (۳۱) قانون اساسی نافذه کشور ما حکم میکند:

۱- هر شخص میتواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند.

۲- متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادیکه قانون تعیین میکند در محکمه حاضر گردد.

۳- دولت در قضایای جنائی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین مینماید.

۴- محرمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل او از هر نوع تعرض مصئون میباشد. ماده (۱۱) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم تصریح کرده است. هر شخص میتواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری یا اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند در قضایای جنائی برای اشخاص بی بضاعت طبق سند تقنینی مربوط وکیل مدافع تعیین میشود.

ماده (۱۱) قانون رسیده گی به تخلفات اطفال حکم میکند: طفل در تمام مراحل تحقیق و محاکمه حق داشتن وکیل مدافع و مطالبه ترجمان را دارد. در صورت عدم توانائی والدین یا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل مدافع یا ترجمان محکمه اختصاصی اطفال وکیل مدافع یا ترجمان را به مصرف دولت برای طفل مؤظف مینماید.

ماده (۵) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم تصریح کرده که پولیس، حارنوال و محکمه مکلف اند، معلومات واضح را در وقت گرفتاری و قبل از استنطاق راجع به حق سکوت حق تعیین وکیل مدافع در تمام مراحل، حق حضور در هنگام تفتیش، مقررات شناسائی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره و محاکمه برای مظنون و متهم ارائه نماید. ماده (۱۸) قانون متذکره حکم مینماید:

۱- مساعدت های حقوقی برای مظنون و متهم توسط اشخاص مسلکی صورت میگیرد. و اسم و شهرت وکلای مدافع که دارای دیپلوم شرعیات یا حقوق باشند، ضمن لست جداگانه در وزارت عدلیه تهیه میگردد.

۲- مظنون و متهم در همه حالات توسط وکیل مدافع منتخب شان مساعدت میشوند. هم چنان ماده (۱۹) قانون مذکور توظیف وکیل مدافع را بطور رایگان برای مظنون و متهمی که توانائی مالی استخدام وکیل مدافع را نداشته باشند، هدایت داده است اما شخص میتواند در صورت عدم رضایت از قبول چنین وکیل مدافع رایگان اباء و رزد.

ماده (۳۸) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم به وکیل مدافع صلاحیت داده که در تمام مراحل جریان استنطاق مظنون، در جریان تلاشی، شناسای مجرمین در بین صف و معاینه توسط اهل خبره حاضر باشد.

ماده (۴۱) قانون مذکور هدایت داده است. هرگاه تثبیت محلات مندرج ماده (۱۷) (یعنی محل سکونت و محل کار مظنون) امکان پذیر نباشد ابلاغیه به وکیل مدافع که از طرف پولیس یا حارنوال در هنگام تحقیق برای مظنون غایب تعیین گردیده است، سپرده میشود. ماده (۳۲۵) قانون اجراء جزائی نافذ سال ۱۳۴۴، وکیل مدافع را مکلف نموده تا در جلسه قضائی حاضر شده و از متهم دفاع کند، ماده (۳۲۶) قانون مذکور، از توظیف وکیل مدافع رایگان برای متهم فقیر بحث نموده که اجرت آن از طرف محکمه تعیین می‌گردد.

ماده (۱۴) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مشعر است. هر شخص حق دارد در جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمین های حد اقل ذیل با تساوی کامل برخوردار باشد.

در حضور داشت خودش محاکمه شود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند. در صورتیکه وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل مدافع به او اطلاع داده شود و در مواردیکه مصالح محکمه اقتضاء کند از طرف محکمه راساً برای او وکیل تعیین شود. هر گاه درین صورت متهم از پرداخت حق الوکاله عاجز باشد، مصارف آن بدوش محکمه می‌باشد و دولت افغانستان مطابق ماده (۷) قانون اساسی مکلف به رعایت منشور ملل متحد، میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی می‌باشد.

## بخش سوم

### دفاع از مظنون توسط وکیل مدافع در پروسه کشف و تحقیق

#### فصل اول

##### در پروسه کشف:

پروسه کشف اصلاً نیاز به وکیل مدافع ندارد. چه در پروسه کشف بعضاً فعالیت های مخفی و پنهانی شاید علیه شخص از طرف مقامات امنیتی صورت گیرد که مظنون را اصلاً در جریان قرار ندهند. بناً وقتیکه مظنون خودش در جریان پروسه کنجکاوی ها و بررسی کشفی قرار نداشته باشد، چطور وکیل مدافع وی در جریان قرار میگیرد و یا چگونه ضرورت به دفاع را حس مینماید. بعضاً در پروسه کشف شاید به شخص کدام ظن نسبت داده نشود و یا اگر ظن به او نسبت داده شود، درین صورت پروسه کشف بسیار کوتاه است که مطابق قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم مدت آن (۲۴) ساعت و طبق قانون پولیس مدت آن (۷۲) ساعت میباشد. درین فرصت سوال و جوابی از مظنون بعضاً صورت نمیگردد. تا مظنون به دفاع از خود و توظیف وکیل مدافع وادار گردد. بعد از مرور این مدت قضیه جزائی حتماً به اداره تحقیق سپرده میشود. در تحقیق است که ظن و اتهام منسوبه و به مظنون یا متهم ابلاغ میگردد. اما حالاتیکه مظنون دستگیر نشده باشد و شخصیت حقوقی و حقیقی علیه آن دعوی جزائی مشخص نکرده باشد. مرحله کشف اصلاً شامل مدت شده نمیتواند، بلکه مدت کشف درین شرایط الی ختم مرور زمان قضیه جرمی دوام میکند.

#### فصل دوم

##### در پروسه تحقیق:

مرحله تحقیق پروسه خطیر دعوی جزائی در حیات مظنون یا متهم است. درین مرحله مظنون یا متهم در حالت اضطراب، نگرانی، تشویش، وارخطای و نارامی روحی و فکری قرار میگیرد. ظن یا اتهامی درین مرحله به شخص نسبت داده میشود و ابلاغ میگردد که مجازات آن جریمه نقدی، حبس یا اعدام میباشد. هم چنان این ظن و اتهام منجر به صدمه به حیثیت، وقار و آبروی شخص میگردد.

درین مرحله که آزادی شخص به اثر نظارت یا توقیف محدود میگردد و شخص نسبت اضطراب و نگرانی و تشویش در حالت اضطراب و وارخطای قرار میگردد. که اگر از نعمت سواد و دانش حقوقی برخوردار هم باشد نسبت وارخطای نمیتواند دقیق از خود دفاع نماید. از طرف دیگر مستنطق یا حارنوال در پروسه تحقیق اگر از مجهول به معلوم برسند و به هدف تحقیق که جمع آوری دلایل الزام علیه مظنون است دست یابند، برخود میبالند و این را یک پیروزی برای خود و اداره خود وانمود میکنند. اما اگر در مرحله تحقیق دلایل الزام را جمع آوری نتوانند. وظن و اتهام واضح نگردد یا واقعه ثابت نشود و دعوی جزائی بر آن مرتب نگردد اوراق حفظ گردد، مستنطق یا حارنوال چیزی را از دست نمیدهند. بناً مستنطق و حارنوال با دل جمعی و خاطر آرام و عاری از تشویش وارد کار و زار تحقیق میشوند. اما بر عکس مظنون و متهم از چنین امتیازی محروم اند و در حات آسیب پذیری قرار دارند. اگر علیه وی دلایل الزام کافی جمع آوری گردد، مجازات میگردد. بر علاوه این مسایل این احتمال هم وجود دارد که مستنطق یا حارنوال به خطا رود و یا هم از یکطرف تطمیع شده باشد و راه خلاف عدالت را در پیش گیرند، یگانه راه نجات ازین ورطه ها تأمین حق دفاع مظنون و متهم و داشتن وکیل مدافع است که خوشبختانه قوانین عصر حاضر در سراسر جهان بخصوص در کشور ما بیش از هر وقت دیگر به موضوع حق دفاع اهمیت قایل شده است. و برای مظنون و متهم حق تعیین و انتخاب وکیل مدافع را داده است.

هر یک از خصوم متهم و مظنون و وکیل مدافع آن و مجنی علیه و یا وکیل مدافع او حق دارند تا در بسا مسایل تحقیق چون استماع شهود و یا درخواست مجدد استماع شهود و یا در باره نظریات اهل خبره اظهار نظر نمایند. و یا بصورت تکرار اظهارات شهود را استماع نمایند و یا نظریات مجدد اهل خبره را مطالبه نمایند.

هر یک از خصوم حق دارند تا بر اجراءات تحقیق ابتدائی اعتراض نمایند. باری اگر اعتراض مذکور صحیح باشد در آن صورت اعاده اجراءات لازم مسافد این نوع دفع البته بعد از اطلاع بر اوراق تحقیق حاصل شده میتواند و این خود ثابت میگردد. که خصوم و وکلای آنها حق اطلاع بر اوراق را نیز دارند.

خصوم حق دارند تا از اوراق تحقیق باخبر گردند. حتی قبل از محول شدن اوراق و احاله آن به محکمه. مواد (۱۶۱، ۱۶۶، ۲۲۰ و ۳۳۶) قانون اجراءات جزائی مصر درباره اطلاع و آگاهی خصوم از جریان تحقیق و نحوه اعتراض شان صراحت دارد.

مظنون حسب طبیعت حال، حق دارد تا از ارایه جواب خود داری نماید و باین صورت تضلیل وی جواز ندارد. حتی وعده و وعید کمک به وی جهت اغوا و فریب او صحیح نیست و باطل پنداشته میشود. ماده (۱۳۶) قانون اجراءات جزائی آلمان حکم مینماید. که متهم ملتفت گردانیده شود که وی حق دارد تا از ارایه جواب خود داری نماید.

ماده (۲۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح کرده (مجبور گردانیدن انسان برای اینکه بالای نفس خود شهادت دهد، جواز ندارد).

اصل این است که تحقیق باید علنی صورت گیرد، یعنی اینکه تحقیق برای خصوم علنی باشد اما تحقیق میتواند برای غیر خصوم سری بوده و اسرار آن افشاء نگردد. وکیل مدافع و مؤکل در اجراءات تحقیق نزد مراجع بأمین عدالت شخص واحد پنداشته میشوند. حضور وکیل مدافع در پروسه تحقیق مطابقت به قانون دارد. در صورتیکه تحقیق در غیاب وکیل مدافع صورت گرفته باشد. حق دارد از جریان تحقیق مطلع گردد.

وکیل مدافع در حقیقت کفیل متهم است که از متهم بصورت حقیقی دفاع مینماید. باید وکیل مدافع از اول الی اخیر بر جمیع صورت اجراءات تحقیق، را مطالعه داشته باشد اما حضور وکیل مدافع که نائب یا کفیل متهم است حق متهم را در دفاع از شخص خودش نفی نمیکند. وکیل مدافع حق ندارد که ادعا کند که متهم مرا (وکیل مدافع) توظیف کرده و عقد وکالت به وثیقه شرعی بوثق سده بناهمه مسایل دفاع مربوط من است متهم حق حرف زدن و دفاع از خود را ندارد بلکه انتقال صلاحیت به وکیل حق متهم را نفی نکرده متهم رسماً و صراحتاً در موجودیت وکیل مدافع هم میتواند از خود دفاع نماید. درین صورت حارنوال در پروسه تحقیق و فاضی در پروسه بررسی قضائی مجبور و مکلف است که دفاع شخص متهم را بشنود هر چند که صورت دفاع وی با نظر وکیل مدافع معارض باشد.

حق محافظت از اشکال ممنوعه استنطاق در پروسه تحقیق قبل از محاکمه اهمیت خاص دارد. اکثر تحقیق و استنطاق در پشت درهای بسته صورت میگیرد. نقض و تخطی از قانون در مراجع تحقیق و استنطاق خیلی ها محتمل است. اصلاً مقامات بررسی، تحقیق و حارنوالی اجازه ندارند فشار بیش از حد قانونی را ولو بر هر شکلی که باشد بالای مظنون یا متهم وارد نمایند. مظنون هنگامیکه تحت نظارت یا توقیف باشد، تابع قدرت بزرگ مقامات پولیس و حارنوال میباشد، آنها ممکن است، مایل باشند، بخاطر نیل به یک موفقیت احتمالی و سریع تحقیق به اشکال ممنوعه استنطاق چون مخاطره مضاعف، جبرواکراه،



شکنجه، لت و کوب، بی خوابی، آزار و اذیت روحی متصل شوند. حق محافظت ازین اشکال ممنوعه استنطاق با حق توظیف وکیل مدافع ارتباط ناگسستنی دارد. هرگاه وکیل مدافع برای مظنون تعیین شود و در جریان استنطاق حضور داشته باشد، امکان نقض حقوق مشروع و قانونی مظنون به حد قابل ملاحظه کاهش مییابد. وکیل مدافع به عنوان پاسبان و محافظ قانونیت اجراءات جزائی خدمت میکند. علاوه بر آن خیلی ها مهم است که به مظنون امکان به موقع داده شود که در صورت نقض قانون اجراءات جزائی در مرحله قبل از محاکمه اعتراض خویش را ارایه نماید، تا که مدارکی که از طریق اشکال ممنوعه استنطاق بدست آمده در همان آغاز اجراءات فاقد اعتبار شناخته شود. ماده (۳۸) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم به وکیل مدافع حق داده است که در تمام مراحل جریان استنطاق مظنون، در جریان تلاشی و مقابله شناسائی مجرمین در بین صف و معاینه توسط اهل خبره حاضر باشد. مطابق ماده (۱۶) قانون مذکور اجراءات که طبق اعتراف شخص حین تحقیق یا در جریان محاکمه بعمل میاید مورد بررسی مجدد و اتخاذ تصمیم بعدی قرار گرفته میتواند. ماده (۴۰) قانون مذکور حکم میکند که حارنوال و هیأت ضبط قضائی در جریان تحقیق مکلف اند، مظنون و وکیل مدافع و مجنی علیه را از فعالیت های که انجام میدهند، آگاه نماید. آنها حق دارند که در پروسه تحقیق حاضر باشند. و ماده (۱۵) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم ابطال اجراءات را توضیح کرده است. باین ترتیب اگر مدارک از طریق اشکال ممنوعه استنطاق حتی مخاطره مضاعف بدست آید و حارنوال باین مدارک اتکا نموده و متکی به آن دعوی نماید، میشود که بر اساس اعتراض وکیل مدافع در همان آغاز اجراءات فاقد اعتبار شناخته شود. مثلاً در قانون بررسی تخلفات اطفال در ماده (۳۴) هدایت داده شده که برسی تخلف اطفال در حضور والدین ویا ممثل قانونی وی صورت میگیرد اگر مستنطق یا حارنوال ازین ماده تخلف نمایند، تحقیقات یا بررسی تخلف طفل را در غیاب والدین او یا ممثل قانونی وی انجام دهند وکیل مدافع میتواند، جهت ابطال تحقیق اعتراض خویش را به حارنوال مافوق تقدیم نماید.

باید مظنون یا متهم از حقوق خویش مطلع و باخبر باشد و یا وکیل مدافع که از همه مسایل حقوقی آگاهی دارد، برایش توظیف شود در غیر آن مظنون و متهم که طرف دعوی حارنوال و تحت تأثیر عظمت پولیس و حارنوال قرار دارد هیچ وسیله ای در اختیار نخواهد داشت که از خود دفاع نماید. ماده (۱۴) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تبعیض را

در سراسر جریان قضائی به شمول قبل از محاکمه و در جریان محاکمه و پس از محاکمه ممنوع اعلان نموده است. ماده (۲۲) قانون اساسی کشور ما هم تبعیض را با همه اشکال آن ممنوع اعلان نموده است.

## فصل سوم

### رویا روئی وکیل مدافع با پولیس در پروسه تحقیق در حضور حارنوال:

پولیس معمولاً مشاهدات خود را از محل حادثه بلا فاصله پس از وقوع آن و تا جایکه فکر و حافظه اش کار مینماید در محضر محل واقعه و یا هم در دفترچه خود تحریر میدارد. و آنرا به حارنوالی جهت تحقیقات بیشتر ارجاع میدارد. بعضاً در پروسه تحقیق ایجاب مینماید تا توضیحات بیشتر از هیأت مشاهده محل واقعه که معمولاً پولیس است، خواسته شود. بعضاً پولیس بحیث شاهد در پروسه تحقیق مطالبه میشود و شهادت او استماع میشود. در جرایم مهم که نظم عمومی به شدت متشنج میگردد و چندین پولیس برای جلوگیری از گسترش اغتشاش و خاموش کردن آن اعزام میشوند پس از ختم ماجرا گرد هم میایند و برمتن واحدی منحیث گزارش توافقی میکنند و همان را در مرحله تحقیق و حارنوالی و حتی در محکمه ملاک توضیحات و پاسخ به سوالات قرار میدهند.

در دوران کار آموزی معمولاً به پولیس تعلیم میدهند که بر متن یاد داشت های خویش بیاستند و از حدود آنها خارج نشوند والی درین بست و بی راهه میافتند و سر گردان میشوند. عمل باین تعلیمات همواره امکان پذیر نیست بویژه در برابر پرسش های جز به جز وکیل مدافع مظنون و سوالاتی که وی زیرکانه طرح میکند به هیأت تحقیق الهام میدهد که این سوالات را از پولیس بپرسد و جواب آن را بیگیرد. حالاتیکه پولیس جواب این سوال ها را در دفترچه یادداشت خود نمی یابد و به خاطر نمی آورد تا آنرا تکرار کند، دلیل بر فراموشی و ضعف حافظه خویش بدست وکیل مدافع مظنون میدهد که از اعتماد به گفته هایش خواهد کاست. و یا هیأت تحقیق و حارنوال را در راست گوئی پولیس دچار تردید خواهد کرد.

مواردیکه مامورین متفاوت ملکی با پولیس یکجا به محل وقوع جرم اعزام میشوند، گزارش را یک یا چند تن مینویسند، جنبه های ماجرا را که خود مهم یافته اند در آن میاورند مامورین دیگر که جنبه های متفاوتی را از حادثه دیده اند مجال نمی یابند نظریات

خود را در آن بگنجانند. به آن جنبه ها که در گزارش آمده است، اهمیت نمیدهند، این دو گروه چگونه میتوانند در توضیح گزارش یک سان شهادت و گواهی دهند اما اصرار و کیل مدافع مظنون در یافتن پاسخ به سوالاتش پولیس را به حدس و گمان به آنچه همکارانش پیش از او گفته اند یا پس از او خواهند گفت، ناگزیر میسازد به وکیل مجال دهد تا تناقضات فراوانی را درین شهادت ها و گزارش ها دریافته به مستنطق و حارنوال آشکار سازد که نوشتن گزارش با همکاری دیگران غیر از پولیس دقیق نیست. وکیل مدافع چنین گزارش ها و محاضر ترتیب شده را به باد انتقاد میگیرد و به هیأت تحقیق الهام میدهد تا درباره از هیأت بررسی مشاهدات محل واقعه سوالاتی دیگر نماید. اگر هیأت تحقیق مطالبات وکیل مدافع مظنون را نپذیرفت، موضوع را به حارنوال بالاتردر میان میگذارد و باین ترتیب با اخذ هدایات حارنوال مافوق مطلب خود را بالای هیأت تحقیق تعمیل مینماید. مثلاً وکیل مدافع به هیأت تحقیق الهام میدهد که از پولیس بپرسد چرا محضر محل واقعه را به کمک دیگر مامورین غیر از پولیس یا حارنوال نوشته است؟ پولیس فرضاً جواب میدهد که موضوع عادی کار ماست ماموران دیگر در پروسه مشاهدات محل واقعه ضرور بود. وکیل مدافع باز هم به هیأت تحقیق الهام میدهد که سوال نماید که منظورتان ازین کار در نهایت چه بوده؟ اما پولیس در جواب شاید سکوت کند و یا طرفه رود باین ترتیب شهادت پولیس در موضوع سست میگردد که بعداً در حضور قاضی این موضوع مورد بررسی دقیق قرار میگیرد و وکیل مدافع مظنون میتواند شهادت پولیس را مورد شک قلمداد نموده و بر آن اعتراض نماید.

زمان، مکان و شرایطی که پولیس گزارش را تحریر کرده بعضاً دلیل اثبات عدم صداقت پولیس است هر چند بر مندرجات گزارش نمیتوان ایراد گرفت. در بازرسی از پولیس در آغاز باید از تاریخ و زمان واقعی گزارش نه آنچه در صدر آن آورده اند پرسید آنگاه وکیل مدافع مظنون از امکان و دیگر شرایطی که گزارش تهیه شده است سوال نماید. پاسخ ها را با آنچه پولیس های دیگر پیش و یا پس از او شهادت داده اند مقایسه نماید. و اختلاف شهادت را برای بی اعتبار نشان دادن گفته ها و توافق های شان آشکار نماید. اگر دو پولیس گزارش مشترک را از حادثه تهیه و دفترچه خود را به همان گونه نوشته اند تا شرحی مشابه از ماجرا دهند بدین منظور چندین فقره از حقایق و واقعیت های دعوی جزائی را در گزارش آورده اند، ارتباط این فقرات باهم هر کدام از اعضای هیأت در ذهن خود به گونه ای عبیر مینماید وکیل مدافع با طرح سوالاتی در جزئیات به فقرات تازه دست میسازد که چون

میان آنها توافقی نبود اختلاف آشکار و هریک شرحی متفاوت با دیگری از ماجرا عرضه میدارد.

بعضی اوقات پولیس در پروسه تحقیقات از پاسخ سوال وکیل مدافع سرباز میزند این وضع دو دلیل دارد، یا پاسخ سوال وکیل مدافع را نمیدانند یا هراس دارد که پاسخ او به تثبیت جرم خدشه رساند، وکیل مدافع باید اصرار ورزد و حقیقت امر را آشکار سازد. درین گونه مواقع که وکیل مدافع موضوع مهم را سوال میکند باید مراقب رفتار و عکس العمل خود نیز باشد. پولیس با هوش چون پی برد که وکیل مدافع از جواب او خرسند گردیده در جواب بعدی و یا توضیحات بعدی در صدد مقید و مشروط ساختن پاسخ خود برمیآید در اظهارات بعدی خویش به گونه ای که آن را نفی یا نیمه نفی سازد، اقدام مینماید.

برای اینکه پولیس نتواند به آنچه که وکیل مدافع انتظار دارد پی برد در جهت خلاف انتظار وکیل مدافع پاسخ دهد. سوال وکیل از پولیس باید فاقد رهنمود باشد مطمئن ترین شیوه این است که وکیل مدافع از آوردن کلمات و جملات ساخته خود تا جائیکه ممکن است بپرهیزد و طبیعی صحبت و سوال کند. تا به پولیس فرصت ندهد به پاسخ منفی یا مثبت گذر کند. تکرار این سوال که (خوب بعد چه شد) پولیس منظور وکیل مدافع را نمیتواند درک نماید بلکه پولیس را ناگزیر میسازد با کلمات و جملات خود نه آنچه وکیل مدافع گفته ماجرا را شرح دهد در سوال مذکور هیچ کلمه یا مفهومی نیست که از مکنونات ضمیر وکیل حکایت کند و پولیس مطلب ما فی الضمیر وکیل مدافع را پی برد و به دادن پاسخ خلاف میل وکیل مدافع مبادرت ورزد. هرگاه پولیس دچار شک و تردید گردد یا نداند که چه پاسخی دهد این حالات در صدا و رفتار او و در الفاظی که به کار میبرد بازتاب خواهد یافت، وکیل مدافع باید همانجا او را به پاسخ صریح ملزم سازد و از هیأت تحقیق بخواهد که سوال را تحریراً برایش ابلاغ و جواب آنرا واپس گیرد.

طوریکه قبلاً توضیح شد، پولیس به خاطر پاسخ به سوالات وکیل مدافع به یادداشت هایش مراجعه میکند تا آنجا که میسر شود مطابق آن پاسخ میدهد. وکیل مدافع درین جا یادداشت هایکه از شهادت شاهدان دیگر برداشته میتواند، پولیس را از محدوده یادداشت هایش بیرون آورد از او سوال دیگر نماید مثلاً سوال نماید که در مشاهدات محل واقعه قتل وقتیکه جسد میت را مشاهده کرده اید درجه حرارت اطلاق و یا درجه حرارت روز را در گزارش شان نیاورده (که این موضوع در تثبیت وقت قتل نقش مهم دارد.) چون پولیس در

یادداشت هایش پاسخی به این سوال نمی یابد چه در گزارش محضر محل واقعه ذکر نشده است پولیس ممکن است تلاش کند تا دریابد که هدف وکیل مدافع ازین سوال چیست پس از آن به محتوای سوال بپردازد تا ببیند پاسخی را که وکیل مدافع انتظار دارد، چه است؟ پولیس های ورزیده در چنین شرایطی پاسخ های دارند چنان کلی و عام که گاهی پرسش وکیل مدافع و انتظار او را بی اثر و بلا نتیجه میسازد، مثلاً میگوید که در حال گزومه بودم که..... وکیل مدافع برای اینکه پولیس به موضوعی که سوال مربوط به آن است فوری پی نبرد باید از مستنطق یا حارنوال بخواهد که از پولیس سوال نماید که ماجرا را از چند مرحله پیش از آن موضوع آغاز کند و گام به گام به تفصیل شرح دهد و با چند موضوع پس از آن ادامه دهد. باین شیوه موضوع اصلی وکیل مدافع از نظر پولیس مخفی میماند و مطلب مافی ضمیر وکیل مدافع را درک نمیتواند. درین شیوه فایده دیگری هم است و آن اینکه جنبه های از ماجرا که وکیل مدافع به آنها نظر نداشته یا مهم نبوده با طرح سوال درباره آنها و پاسخ های پولیس جهات مخفی قضیه آشکار میگردد. هر گاه پولیس تلاش کند تا ازین مرحله بدون شرح جزئیات سرسری بگذرد وکیل مدافع با یادداشت سریع پاسخ ها از وی توضیح بخواهد تا همه جزئیات آشکار گردد زیرا به احتمال قوی دلایلی که پولیس را وادار به خودداری از شرح جزئیات نموده، شاید مهم باشد، وکیل مدافع باید آنرا کشف کند.

اما وکیل مدافع وظیفه عام سلبی را دارا بوده وی نمیتواند در گرفتن جواب ویا وادار کردن مظنون به جواب از متهم وکیل شود. و نیابت کند وی نمیتواند سکوت متهم را شکستانده او را مکلف به جواب دادن سازد، اما میتواند به متهم مشوره دهد که بهتر است سکوت خویش را شکستانده این سوال را به این شکل جواب دهد. چه خصم در دعوی جزائی حیثیت اصل را داشته و وکیل مدافع نائب وی است، حضور وکیل مدافع یا نائب در دعوی جزائی حق خصم یا طرف دعوی را نفی نمیکند بلکه متهم حق دارد در بعضی موضوعات با وکیل مدافع تبادل نظر نماید وهم میتواند در حال موجودیت وکیل مدافع راساً از خود دفاع کند. درین صورت هیأت تحقیق و محکمه مجبور اند تا صورت دفاع مظنون و متهم را بشنوند هر چند که صورت دفاع آنها با نظر وکیل مدافع متفاوت باشد اگر وکیل مدافع طریق دیگری را غیر از طریق مظنون یا متهم برای مدافعه انتخاب نموده و آن صحیح باشد، میتواند، طریق مذکور را تعقیب نماید اما اگر اقوال وکیل مدافع ورأی حقیقی مظنون یا متهم و موقوف وی در دعاوی یکسان نبوده درین صورت وکیل مدافع از مظنون یا متهم

نماینده گی نمیتواند، رویه وکیل مدافع خروج از دایره توکیل است که وکیل مدافع مذکور به آن توظیف گردیده است و این نوع خروج وکیل مدافع سبب اثبات ظن یا تهمت بر مظنون یا متهم شده نمیتواند اگر حکم براقوال مدافع صادر گردد، باطل است ماده (۱۸) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم تصریح کرده که مظنون و متهم در همه حالات توسط وکیل مدافع شان مساعدت میشوند بنأ وظیفه وکیل مدافع مساعدت است نه مخالفت نظریا متهم، وکیل مدافع میتواند، بعضی سوالات حارنوال و مستنطق را انتقاد کند در پروسه تحقیق وکیل مدافع حق دارد، قبل از آنکه متهم تحت سوال قرار گیرد از موضوع واقف گردد، ثابتواند، از متهم دفاع کرده باشد. ماده (۱۲۵) قانون اجراءات جزائی مصر و ماده (۴۳) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم (قانون کشورما) چنین حق را به وکیل مدافع داده است. ماده (۴۰) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم به حارنوال و مامور ضبط قضائی مکلفیت داده تا مظنون یا وکیل مدافع و مجنی علیه را از فعالیت های که انجام میدهند، آگاه نمایند. مظنون وکیل مدافع و مجنی علیه حق دارند که در پروسه تحقیق حاضر باشند. باین ترتیب مستنطق و حارنوال مکلف اند، تمام اوراق تحقیق را به نظر و اطلاع وکیل مدافع برسانند و حق ندارد به نام اسرار تحقیق یک بخش از دوسیه جزائی را که مربوط مؤکل وکیل مدافع است از وکیل مدافع پنهان نگهدارد.

درین جا سوالی وارد خاطر میشود و آن اینکه اگر یک نفر وکیل مدافع و وظیفه دفاع را در یک قضیه جنائی از چند نفر مظنون و متهم در پروسه تحقیق یا محاکمه بدوش گیرد آیا درین باره برای وکیل مدافع اجازه چنین کار است. در قانون کشورما ممانعتی درین باره وجود ندارد اما (به نظر نویسنده) وقتی چنین وظیفه برای وکیل قابل رعایت است که در مصالح و منافع مظنونین یا متهمین متعارض واقع نگردد. ولی در صورت تعارض بین منافع و حقوق مظنونین یا متهمین اجراءات هیأت تحقیق یا محکمه اگر در صورت چنین تعارض بر اساس آن استوار گردد باطل است. زیرا درین صورت اخلال در امر دفاع بمیان میاید چه در صورت تعارض منافع یا حقوق مظنونین یا متهمین عدم حضور وکیل مدافع بهتر از حضور وی دانسته میشود. در حالت تعارض در حقوق مظنونین یا متهمین ایجاب مینماید تا برای هر یک از آنها وکیل مدافع جداگانه توظیف گردد.

مظنون یا متهم در پروسه تحقیق بیشتر به مساعدت وکیل نیاز دارد. اساساً باید در اول مرحله تحقیق شخص مظنون از حقوق خویش مطلع و باخبر باشد و یا باخبر گردد در غیر

آن شخص مظنون یا متهم که طرف دعوی مراجع عدلی و حارنوال باشد هیچ وسیله در اختیار نخواهد داشت که از حقوق خویش دفاع نماید وکیل مدافع میتواند شخص بی خبر را از حقوقش مطلع سازد.

ماده (۷) قانون اجراءات جزائی مؤقت تصریح کرده که دلایل و شواهدیکه بدون رعایت احکام قانون جمع آوری شده باشد، فاقد اعتبار بوده، محکمه نمیتواند، مستند به آن حکم نماید، مثلاً هیأت تحقیق حارنوال یا پولیس اگر بدون اجازه مالک منزل و بدون اجازه محکمه با صلاحیت و یا در حالات جرم مشهود بدون اخذ صحت اقدام از طرف محکمه با صلاحیت در خلال یکماه به تلاشی منزل شخص اقدام کند ولو درین حالت مدارک جرمی را بدست آورند وکیل مدافع میتواند بانظر داشت عدم مطابقت و مغایرت این اجراءات با ماده (۳۸) قانون اساسی و ماده (۳۴) تعدیل قانون اجراءات جزائی ابطال این اجراءات رامطالبه وازمحکمه تقاضا کند، تا آنرا ابطال نموده و مورد استناد قرار ندهد.

همچنان بند (۴) ماده (۵) قانون اجراءات جزائی مؤقت صراحت دارد که اشخاص مظنون و متهم تحت هیچگونه فشار روحی یا جسمی قرار گرفته نمیتوانند. فقره پنج همین ماده حکم میکند که اظهارات مظنون و متهم در فضای کاملاً آزاد اخذ میگردد.

به موجب بند (۶) همین ماده مظنون و متهم حق دارد، سکوت اختیار نموده از اظهار هر گونه بیان امتناع ورزد گرچه توسط پولیس یا مقامات قضائی تحت باز پرس قرار گیرد.

اصطلاح مظنون و متهم را بند (۸) این ماده شامل تعریف وکیل مدافع آنها نیز دانسته است اینکه مستنطق یا حارنوال در پروسه تحقیق مظنون را شکنجه مینماید در شرایط امروزی همه مردم اطلاع دارند که مستنطق چنین صلاحیت را دارا نمی باشد. ممنوعیت شکنجه و مجازات ظالمانه از طریق مطبوعات و رسانه های داخلی وسایل نشراتی ملل متحد به حدی تبلیغ شده که امروز هیچ یک از اتباع در داخل و خارج از آن بی اطلاع نیستند منع شکنجه وتعذیب در تحقیق در قانون اساسی کسود در ماده (۲۹) مسجل شده که صلاحیت مستنطق در شکنجه مظنون و متهم حتی به منظور کشف حقایق منع شده است در ماده (۲۷۵) قانون جزائی کشورما مجازات مؤظف خدمات عامه که به شکنجه مظنون یا متهم اقدام یا به آن امر مینماید، تعیین شده که حالات مشدده آن که منجر به مرگ شخص تحت شکنجه گردد، اعدام در نظر گرفته شده است.

اما شکنجه مظنون و متهم میتواند، اشکال متعدد داشته باشد. شکنجه جسمی و شکنجه روحی که بنام اکراه مادی و معنوی نیز یاد میگردد و اکراه معنوی حالاتی است که مظنون یا متهم را در یک موقعیت ترسناک چون در مقابل حیوانات درنده یا گزنده یا در یک اطاق تهکوی بسیار تاریک نهایت سرد یا نهایت گرم قرار دهند تا اعتراف نماید و یا اینکه برای مظنون و متهم گفته میشود که اگر اعتراف نکند خانم او را یا مادر یا خواهر او را به اداره تحقیق احضار و آنرا بی عفت میسازد و یا اینکه لباس مظنون و متهم را ازبیدن اش کشیده او را عریان ساخته به بی عفتی او را تهدید مینماید. همه این حالات شکنجه روحی یا اکراه معنوی دانسته میشود اما مظنون و متهم شاید از اکراه روحی با معنوی بی اطلاع و نا آگاه باشد تنها وکیل مدافع و اشخاص خبیر جامعه و حقوقدانان میتوانند، بفهمند که مستنطق اعم از پولیس و حارنوال صلاحیت شکنجه روحی یا اکراه معنوی مظنون و متهم را ندارد. که در حالات توسل به این کار وکیل مدافع میتواند، جهت دفاع از مظنون یا متهم مؤکل خویش به مراجع فوقانی حارنوالی عارض و خواهان ابطال اجراءات تحقیق و بررسی عمل مستنطق، پولیس یا حارنوال که متوسل به شکنجه روحی شده اند، گردد و چنین اعتراف در چنین حالت اگر از مؤکل وی سرزده باشد، آنرا باطل و فاقد اعتبار تلقی نماید.

یکی از تکتیک های دیگر پولیس، مستنطق یا حارنوال این است که مظنون یا متهم را در یک مخاطره مضاعف قرار میدهد تا به ظن یا اتهام منسوبه خویش اعتراف نماید. مثلاً درقبال یک جرم یا انفجار بزرگ که چندین نفر به شمول اراکین دولتی در آن کشته شده اند، درهمین ایام مظنون یا متهمی به اتهام کیسه بری دستگیر شده است و همین شخص مظنون به کیسه بری درپروسه تحقیق ابلاغ شفاهی یا تحریری مینماید که شما چندی قبل انفجار بزرگ را انجام داده اید که در آن اراکین دولت و مردم عادی کشته شده اند و فعلاً کیسه بری هم کرده اید مظنون بیچاره چون میداند که مجازات فاعل انفجار شدید و حتی اعدام است ازین ابلاغیه هیأت تحقیق یا پولیس واقعاً هراسان میشود نا خود آگاه یا صادقانه یا کاذبانه جهت خلاصی خویش از حادثه انفجار به جرم کیسه بری که مجازات آن حبس قصیر است، اعتراف مینماید. اگر در پروسه تحقیق وکیل مدافع جهت دفاع از مظنون حاضر باشد چون وکیل مدافع به حد کافی از حقوق داخلی کشور و از قوانین بین المللی آگاهی و اطلاع دارد و میداند که پولیس، مستنطق و حارنوال صلاحیت ابلاغ ظن بی استناد را که دارای مخاطره مضاعف است ندارد. هیأت تحقیق را مانع چنین سوال ابلاغی میشود به



مظنون تفهیم میکند که از چنین سوال ها وارخطا نشود و آنرا حتی جواب ندهد. چه ابلاغ چنین سوال های واجد مخاطره مضاعف در حیطه صلاحیت هیأت تحقیق و حارنوال نمی باشد بلکه بعضاً صرفاً جهت اغوا، فریب و هراس مظنون چنین سوال ها را مطرح مینمایند.

بعضاً در جریان تحقیق مستنطق یا حارنوال پرسشی را از مظنون مینماید که این سوال ها و پرسش ها قرار دادن مظنون در یک قالبی است که قانون آنرا اجازه نداده است یعنی اینکه راه گزیز قضائی را برمظنون می بندد. درین پرسش ها گاهی هیأت تحقیق اطلاعاتی را میاورند که چنین اطلاعاتی را شفاهی و بدون استناد از جای بدست آورده اند یا ساخت و بافت مصلحتی هیأت تحقیق است که هیچ استناد مادی ندارد. اما آنرا در قالب مصلحت جای داده اند مثلاً سوابق دوسیه حاکی است که مظنون کالائی را بدون اینکه قیمت آنرا به مالک فروشگاه بپردازد آشکار برداشته و از فروشگاه بیرون آمده و به وسیله کارمند فروشگاه شناسائی و به پولیس تحویل داده شده است مظنون هرگز نگفته به عمد باین عمل خلاف امانت دست زده موضوع را سهوه و یا فراموشی کاری دانسته و تحریر کرده که فراموش کرده بود که بها و قیمت آنرا بپردازد اما مستنطق پس از آوردن سوال از مظنون می پرسد (بنابراین کالا را سرقت کرده اید) و مظنون غافلگیر میشود و جواب میدهد که بلی یا آری. مقصود اصلی از سوال مستنطق ذکر سوابق قضیه نیست که در سوال آورده بلکه مقصودش گرفتن اعتراف مظنون است و آنهم با یک نیرنگ تا در محکمه بعداً متهم نتواند ادعا کند که فراموش کرده بهای کالا را بپردازد و یا اینکه اشتباه کرده بود تصور کرده بود که پول آنرا پرداخته. بهر حال قصد سرقت را نداشته است. مستنطق با آوردن کلمه سرقت در سوال خود را از اثبات عنصر معنوی یعنی قصد جرمی بی نیاز میسازد چه در سرقت قصد تملک مال و پنهان بودن وجود دارد. وکیل مدافع ادعای حارنوال را که به اتکا به این نظریات هیأت تحقیق صورت گرفته مورد اعتراض قرار میدهد و یا اینکه قبل ازین مسایل به هیأت تحقیق اعتراض مینماید که اصلاً صلاحیت چنین سوال را ندارد. و موضوع را به حارنوال بالاتر اطلاع میدهد. بهر صورت اگر وکیل مدافع در پروسه یا صحنه تحقیق حاضر باشد، اصلاً به چنین سوال ها پاسخ نمیدهد و استعمال هیأت تحقیق را سفید و بی جواب مسترد مینماید و ادعا میکند که این سوال مربوط به ظن یا اتهام منسوبه مظنون نمیشود.

بعضاً هیأت تحقیق در پروسه تحقیق سوالات مرکب از قیاس آنهم قیاس ناقص مینماید و آنرا به مظنون متوجه و جواب آنرا از مظنون مطالبه مینماید مقصود ازین پرسش

ها و ادار کردن مظنون به تصدیق درستی قضایائی است که این قضایا ناقص و قابل تردید یا مورد اختلاف مبنی بر اشتباه میباشد. هیأت تحقیق معمولاً یک یا چند حقیقت را که در صحت آنها اعتراض و تردید نیست در سوال میاورند و سپس وانمود میکنند که قضایای مشکوک نتیجه آن حقایق انکار ناپذیر است. و به اصطلاح مظنون را گیج مینمایند. مثلاً در یک اتهام فریب کاری چند سند صحت و واقعیت را که مجنی علیه و مظنون هر دو به صحت آن اعتراف دارند و درین اسناد فریب کاری هم دیده نمیشود به مظنون ابلاغ مینمایند و تائید مظنون را در صحت این اسناد در حشوه استعمال شان میگیرند بعداً سندی را که به امضاء و شصت مظنون نیست و شصت و امضاء مظنون در آن تزویر شده است آنرا به مظنون ابلاغ و این سند را نتیجه همان اسناد قابل اعتبار میدانند و باین ترتیب مظنون را غافلگیر ساخته تائید مظنون را راجع به همان سندیکه شصت و امضای مظنون در آن تزویر شده اخذ مینمایند در چنین سوال های پر پیچ و گیج کننده مظنون را غافلگیر کرده و یک سند تزویر شده را مورد تائید مظنون قرار میدهند و بالاخره حارنوال به اتکا به همین نیرنگ هیأت تحقیق دعوی خود را بنیاد نهاده و علیه مظنون دعوی و طالب مجازات میشود. اما اگر وکیل مدافع درحین تحقیق حاضر باشد میتواند در باره به هیأت تحقیق اعتراض نماید و از آنها بخواهد که از سوالات پیچیده و گیج کننده ابا ورزند به صراحت موضوع را ابلاغ نمایند، حتی اگر دعوی حارنوال مبتنی بر چنین سوالات باشد وکیل مدافع میتواند در محکمه بطلان چنین نوع اجراءات را از هیأت قضائی مطالبه نماید.

قوانین در تمام جهان و بخصوص در کشور ما مصئونیت منزل را به رسمیت شناخته و مسکن هر شخص را از تعرض مصئون خوانده است. قانون اجراءات جزائی کشور ما تصریح کرده که بدون اجازه محکمه با صلاحیت و یا شخص مالک، هیأت ضبط قضائی صلاحیت تلاشی منزل را ندارند صرف در حالات جرم مشهود چنین صلاحیت راهیأت ضبط قضائی دارا میباشد. آنهم بائیسست در خلال یک ماه تائید محکمه با صلاحیت را مبنی بر صحت اقدام شان اخذ نمایند.

معمولاً مظنون یا متهم بی سواد از مصئونیت منزل اطلاع ندارند. هیأت ضبط قضائی یا حارنوال بدون سلسله مراتب قانونی در غیاب مظنون یا متهم بدون اجازه محکمه با صلاحیت منزل او را تلاشی مینمایند. بعضاً هم طوری شده است که هیأت تلاشی با خود اشیای جرمی دیگری را به منزل مظنون انتقال داده و بعداً بنام اینکه از منزل مظنون

دریافت شده است مظنون را به یک ظن و تهمت دیگر نیز مواجه کرده اند. موجودیت وکیل مدافع در مرحله تحقیق ازین نابسامانی ها و قانون شکنی ها جلوگیری مینماید، وکیل مدافع چون قانوندان است بحیث حافظ حقوق مؤکل خویش به هیأت ضبط قضائی و هیأت تحقیق چنین صلاحیت و حق را نمیدهد و اگر احیاناً هیأت تحقیق و یا ضبط قضائی یا حارنوال از صلاحیت های شان در تلاشی منزل سوء استفاده نمایند. وکیل مدافع میتواند به حارنوال مافوق مراجعه و بطلان چنین اجراءات را به نفع مؤکل خویش مطالبه نماید، حضور وکیل مدافع در پروسه تحقیق میتواند، علاج واقعه را قبل از وقوع نموده جلو خود سری و قانون شکنی هیأت تحقیق و حق تلفی مظنون و متهم را در مبدا بگیرد.

بعضاً هیأت تحقیق یک سند تزویری را علیه مظنون استناد مینمایند. مثلاً سندیکه اصلاً به خط و کتابت مظنون نیست و نشان شصت و امضاء وی در آن وجود ندارد. هیأت تحقیق یا حارنوال این سند را بخود مظنون نسبت میدهند و علیه وی آنرا استناد نموده آنرا از دلایل الزام مظنون دانسته بر طبق آن وی را مسوول قلمداد مینمایند. اما در تمام قوانین کشور های جهان و بخصوص قوانین کشور ما مظنون یا متهم و حتی مجنی علیه در تمام مراحل تحقیق یا محاکمه صلاحیت و حق دارند علیه سند تزویری ایکه در میان دلایل اثباتیه گنجانیده شده اعتراض نمایند. اگر وضعیت در پروسه تحقیق باشد، اعتراض به حارنوال و یا حارنوال مافوق، اگر اوراق دعوی در محکمه تحت رسیدگی باشد اعتراض به محکمه ارایه میگردد. اگر حارنوال و یا محکمه اعتراضنامه مبنی بر تزویر سند را وارد بدانند اجراءات به تعویق انداخته میشود، درین صورت تحقیق مبنی بر تزویر توسط عین حارنوال یا حارنوال با صلاحیت دیگر آغاز میگردد. در صورتیکه قضیه تزویر از طرف محکمه ذیصلاح رسیده گی و حکم نهائی در زمینه صادر گردیده باشد جریان تحقیق و محاکمه مجدداً آغاز میگردد در صورتیکه تزویر ادعا شده ثابت نگردد، اسناد بعد از فیصله نهائی محکمه به حارنوالی مربوط مسترد میگردد تا حارنوالی در حدود صلاحیت خویش در مورد تصمیم اتخاذ نماید. این حق در ماده (۹) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم به مظنون و متهم داده شده است. مظنون یا متهم بی سواد یا دارای سطح سواد اندک و ناچیز توان اعتراض بر سند تزویری را ندارند و اهمیت آنرا نمیدانند تنها وکیل مدافع میتواند درین بخش با چنین مظنون و متهم مساعدت نماید.

## بخش چهارم

### وکیل مدافع ورهائی مظنون یا متهم به ضمانت

#### الف: اهمیت اقدام وکیل مدافع

آزاد کردن مظنون از توقیف یا نظارت و تبدیل قرار بازداشت مظنون و یا متهم به آزادی او بسته به تلاشی و کار وکیل مدافع اوست. انجام موفقیت آمیز آن را محتاج آموزش تجربه و پشت کار وکیل است. اهمیت آن چنان است که مظنون یا متهم را به ادامه وکالت او یا برعکس انفصال او مصمم میسازد، این موضوع از دو جهت حایز اهمیت است.

۱. بسیاری از مظنونین و یا متهمین آزاد شدن سریع خود را از نظارت و توقیف برای آبروی خویش ضروری و قطعی می بینند و گاهی آن را مهمتر از حکم نهائی محکمه مبنی بر ابراء شان تلقی میکنند. هر گاه احساس کنند، وکیل شان جدوجهد کافی به کار نبرده او را عزل و به وکیل دیگری رجوع مینمایند.

۲. در مدتی که مظنون یا متهم در نظارت یا توقیف قرار دارد، خود را در تمرکز به اصل قضیه و جهاتی که به توقیف و بازداشت او منجر گشته و تدارک دلایل لازم برای تبرئه خویش عاجز مییابد. اما اگر رها باشد به حد کافی وقت و توان دفاع از خود را کسب مینماید. مثلاً میتواند با شاهدان محل واقعه ملاقات نماید.

#### ب: درخواست وکیل مدافع جهت رهائی مؤکلتش:

اختلاف میان وکیل مدافع از یکطرف و حارنوال از طرف دیگر در موضوع توقیف و یا رهائی مؤکلتش از توقیف معمولاً به حارنوال مافوق و بالاخره به محکمه میکشد.

حارنوال خود صلاحیت رهائی مظنون و متهم را دارا میباشد که در کشور ما برطبق ماده (۹۷) تعدیل قانون اجراءات جزائی حارنوال صلاحیت دارد تا در بعضی جرایم خفیف مظنون یا متهم را به ضمانت رها نماید. محکمه نیز چنین صلاحیت را دارا میباشد.

در موضوع رهائی مظنون یا متهم به ضمانت، وکیل مدافع در قدم اول باید هدایت قوانین مربوط به توقیف مظنون را پیش از هر زمان دیگر مرور نماید. دو نکته را بیشتر مورد توجه قرار دهد.

نکته اول اینکه آیا ظنی که مؤکل او به آن مظنون است، مستوجب آنقدر مجازات حبس است که قابل توقیف باشد. ماده (۳۵) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم به حارنوال صلاحیت میدهد که در جریان تحقیق به گرفتاری شخصیکه مرتکب جرم جنایت یا جنحه که مجازات آن حبس متوسط باشد گردیده، امر صادر نماید به ضبط اشیائی جرم، امر صادر نماید، شخص دستگیر شده در مدت (۴۸) ساعت باید مورد استنطاق قرار گیرد. در صورتیکه جرم مورد ظن و اتهام جنایت نباشد یا جنحه دارای حبس متوسط نباشد، حارنوال صلاحیت نظارت و توقیف شخص مظنون را ندارد.

نکته دوم اینکه توقیف مظنون یا متهم در صورتی جایز است که دلایل عینی نشان دهد که وی مرتکب جرم دیگری خواهد شد یا در صورت رها بودن موقع خواهد یافت که دلایل الزام علیه خود را ضایع سازد و یا خطر و آسیب به خود مظنون باشد. اگر حارنوال صرف به سوء ظن در جنحه ضعیف و یا بدون دلایل عینی به نظارت یا توقیف مظنون مبادرت ورزد وکیل مدافع میتواند، موضوع را به حارنوال مافوق شکایت و خواهان الغای حکم توقیف مؤکلس شود.

وکیل مدافع شرح مفصل و مبسوطی را از سوابق مظنون یا متهم تهیه به حارنوال مافوق و یا محکمه تقدیم مینماید در شرح سوابق مؤکلس، سوابق تحصیلی، کار آموزی حرفوی، مشاغل گذشته و فعلی در آمد یا حقوقی که از وظیفه و یا شغل خود بدست میآورد، مصارف جاری شامل مخارج روزانه، دیون و تعهدات میزان آن و نحوه پرداخت آنها، مبالغ پس انداز، وضع خانواده گی، متاهل بودن و تعداد فرزندان و هم چنان تعداد اشخاصیکه مظنون متکفل اعاشه آنهاست پدر و مادر مظنون یا متهم اگر در قید حیات باشد. خواهران و برادران وی و تعداد آنها وضع صحی گذشته و فعلی وی، سوابق محکومیت جزائی اگر داشته باشد، تاریخ وقوع جرم و حکم جزائی صادر شده و نحوه اجرای آن، در جرم فعلی که مظنون یا باز داشت شده شرکا و معاونین آن، نحوه دستگیری متهم که خود را تسلیم پولیس نموده و یا در برابر پولیس مقاومت کرده و یا اینکه پولیس بدون مقاومت او را دستگیر کرده، از محل واقعه فرار کرده یاخیر، شرح مراجعات مظنون یا متهم به حارنوالی و یا محکمه تقدیم مینماید.

قاعده کلی این است که هر قدر اطلاعات در باره مظنون و متهم بیشتر باشد تمایل حارنوالی یا محکمه به نگهداری مظنون و یا متهم کمتر است. حتی اگر پاره ازین اطلاعات

به ظاهر جنبه منفی هم داشته باشد، دلیل اش این است که به هر حال صدور قرار سخت و سنگین یعنی امتناع از رهائی مؤقت بر شخص ناشناس آسانتر است، و کیل پخته کار از مجموع ماخذ و اطلاعات و تصویری که از مظنون یا متهم در ذهن حارنوال مافوق یا قاضی پدید میآورد اگر در تخفیف قرار اقدام نکند آثار و نتایج بس نا مطلوب به بار میآورد، شرح همه مواردی که وکلای کارآزموده به آنها متوسل میشوند امکان پذیر نیست هرچه است نکاتی را مطرح میکنند. که بر عطف توجه حارنوال مافوق یا قاضی موثر می افتد. مثلاً بگوئید ایام رمضان در پیش است یا ایام عید است یا سال نو یا ایام جشن است. ازین قبیل کلمات تا توجه حارنوال مافوق یا قاضی درباره رهائی مؤکل وی جلب شود.

### ج: نحوه اقدام وکیل مدافع در برابر حارنوال ابتدائیه:

وکیل مدافع مظنون یا متهم در موضوع رهائی مؤکل خویش معمولاً با حارنوال ابتدائیه که اولین بار مؤکلش را نظارت یا توقیف کرده است، مواجه میشود و شاید حارنوال ابتدائیه بر علیه رهائی مؤکلش به اعتراض برخیزد، درین باره وکیل مدافع باید بصورت عریضه و درخواست خطرات احتمالی را یاد آوری نماید که مؤکلش را تهدید مینماید. وضع شغلی، وضع خانواده گی مظنون و سایر مسایل را مطرح نماید مثلاً: طرح نماید که وضع صحی مؤکل ام قناعت بخش نیست تکلیف قلبی دارد یا شغل و وظیفه او مهم است جای وظیفه او به مشکل پرمیشود «رئیس شرکت بزرگی است» روزانه در نبود او شرکت متضرر میشود. هرگاه وکیل مدافع دلایل حارنوال را در دوام توقیف مظنون یا متهم مخدوش و بی اثر سازد، بعداً خطای او را آشکار میسازد.

مثلاً: اگر حارنوال ابتدائیه امری را پایه استدلال خود قرار داده باشد که قادر به اثبات حقیقت یا صحت آن نیست یا یکی از عناصر اصلی جرم مورد ادعا را حارنوال از قلم انداخته یا نادیده گرفته است، مورد استناد قرار دهد و به اتکا به آن حارنوال به دوام توقیف مظنون یا فشاری نماید وکیل مدافع می تواند با تردید دلایل حارنوال رهائی مؤکل خود را بخواهد اما اگر وکیل مدافع استدلال حارنوال ابتدائیه را قوی و استوار یافت به توضیح وضع شخصی مظنون یا متهم بپردازد در بسیاری موارد وکیل به هردو راه متوسل میشود.

اقدام وکیل در رهائی مؤکلتش بیش از وظایف دیگر او نیازمند ابتکار است، زیرا از میان حقایق واقعیت های دعوی تنها مواردی را برمیگزینند. که تأثیری فوری دارد، این گزینش که باید خالی از اشتباه باشد جزبه ابتکار وکیل مدافع میسر نیست.

هرحارنوال درعدم موافقه به رهائی مظنون یا متهم به ارائه مسایلی میپردازد که رد انکار یا مخالفت با آنها برای وکیل مدافع دشوار است، وکیل مدافع در درخواست خود برای رهائی باید آنها را نادیده گیرد، متعرض آنها نشود هم چنان هر موضوعی که بصورت آنی و با شتاب میتوان رد کرد از رویا روئی با آن درین مرحله با حارنوال ابتدائیه صرف نظر نماید والی با ناتوانی وکیل در بی اثر ساختن آنها وکیل مدافع را نزد مؤکل اش ضعیف جلوه داده و این ضعف کار وکیل در ذهن حارنوال مافوق یا محکمه رسوخ مینماید و برعکس به حرف های حارنوال ابتدائیه وزن میدهد که به آسانی جبران نخواهد شد. هر اندازه ایکه وکیل مدافع وقت حارنوال مافوق یا محکمه را بیشتر مصروف چنان موضوعاتی نماید کلمات و دلایل حارنوال ابتدائیه در افکار حارنوال مافوق و یا قاضی راسخ تر خواهد شد و در نتیجه به سود حارنوال ابتدائیه و تحکیم موضع مذکور درین مورد و زبان مؤکل، وکیل مدافع تمام خواهد شد.

موضع گیری حارنوال در عدم رهائی مؤقت مظنون یا متهم و یا تخفیف قرار تأمین، و یا رهائی مؤقت مظنون تعیین کننده سرنوشت مظنون می باشد ابتکار و پشت کار وکیل مدافع درین باره نقش مهم دارد زیرا در برگزیدن اطلاعات مورد استناد وکیل مدافع مخصوصاً آنچه توسط مذکور از خارج و بیرون مطرح شده و نشانی آنها در دوسیه جزائی نیست. فرق عمده بین گفته های حارنوال ابتدائیه و وکیل مدافع از همان ابتدا آشکار میگردد. معمولاً حارنوال با اتکا به اوراق استناد مینماید اما بعضاً اتفاق افتاده که وکیل مدافع به استدلال ها و دلایل آفاقی خارج اوراق استناد مینماید.

بعضاً مخالفت با آزادی مؤقت مظنون یا متهم را پولیس گزارش میدهد و حارنوال آنرا تحکیم مینماید. و از طریق خویش به محکمه رجعت میدهد. اما پولیس آنچنان که وکیل مدافع با قوانین آشنائی دارد از قانون آگاه نیست. معمولاً دانش پولیس در بخش خاص جزائی و مسلکی میباشد اما وکیل مدافع دانش حقوقی و جزائی بسیار دارد. وکیل مدافع بیشتر آشنائی با همه قوانین دارد حتی از چگونگی تجزیه و تحلیل و تفسیر قوانین آگاه است. گزارش های پولیس هم خالی از اشتباه نیست. وکیل مدافع میتواند با رایه پیشنهاد

مدلل محکمه را به بی مبالاتی های تنظیم کننده گان گزارش متوجه سازد. مثلاً استناد پولیس و حارنوال در مخالفت با رهائی شخص که به ضرب و جرح مظنون یا متهم است اما بدون اینکه بر شدت جراحات مجنی علیه نظریات طب عدلی را حاصل کرده باشد و یا دیگر دلیل مؤجه آورده باشد. وکیل مظنون یا متهم اسرار میورزد که صرف با دلایل آفاقی جرم شدید یا مهم تلقی نمیشود اگر ضرب و جرح روی داده است سطحی و ضعیف و عادی است.

حارنوال ابتدائیه میتواند، ادعا کند که متهم در صورت آزادی مؤقت فرار مینماید و از حضور در محکمه سرباز میزند یا به ارتکاب جرم دیگری مبادرت خواهد ورزید و یا دلایل الزام که علیه او وجود دارد و تا حال جمع آوری نشده آنرا از بین خواهد برد و در راه اجراً و تحقق عدالت مشکلات پدید خواهد آورد. منجمله اینکه با شهود تماس خواهد گرفت یا آثار جرم را محو خواهد کرد و یا اینکه خود را در معرض خطر اقارب و یا ورثه مجنی علیه قرار خواهد داد. اما وکیل مدافع جهت رد هر یک ازین ادعای حارنوال باید دلایل عینی عرضه دارد. مثلاً وکیل مدافع جهت ردهریک از این ادعای حارنوال باید دلایل عینی عرضه دارد وکیل مدافع ادعا نماید که مظنون حاضر است ضمانت سر احضار و یا ضمانت پولی بدهد تا در آینده احضار و تشویش فرار او وجود نداشته باشد و یا اینکه هیأت تحقیق قبل از رهائی مؤقت مظنون یا متهم اظهارات شاهدان را استماع نماید تا تشویش تماس مظنون یا متهم با شاهدان رفع گردیده باشد و یا اینکه وکیل مدافع توضیح دهد که مظنون با مجنی علیه یا ورثه آن مصالحه کرده خطر تعرض علیه مظنون یا متهم از طرف آنها رفع شده است و یا هم اینکه ارتکاب صرف همین جرم ضرب و جرح تصادفی صورت گرفته است و مظنون یا متهم به اثر دشنام مجنی علیه درحالت غضب و تحریک قرار گرفته و ضرب و جرح به وقوع پیوسته است، مظنون یا متهم شخصیت قابل تشویش ندارند شخص ماجراجو و اوباش نیست که از او احتمال ارتکاب جرم دیگر متصور باشد و باین ترتیب وکیل مدافع با تردید ادعای پولیس و حارنوال محکمه را متیقن به بی ارتباط بودن و بی اثر بودن و تردید دلایل پولیس و حارنوال و قبول دلایل و نظریات خود بسازد تا قاضی نظریات و دلایل او را باور کند و حکم رهائی مؤقت مؤکلس را صادر کند. اما قابل تذکر است، ایجاد فضای باور قاضی آنهم در مقابل دلایل حارنوال کار آسانی برای وکیل مدافع نیست.



با اعتراض وکیل مدافع به مواضع و تصمیم حارنوال و پولیس، مظنون یا متهم آزاد نمی‌شود مگر آنکه وکیل مدافع بتواند، محکمه را با نظر خویش هم نوا سازد. اغلب حارنوالان و قضات در موارد شرایط مساعد باشد به آزادی مظنون یا متهم رأی می‌دهند هر چند که موافقت با پیشنهاد حارنوال برای ادامه توقیف متهم آسانتر است و مسوولیت آن کمتر است. ازین رو وکیل مدافع باید تا آنجا که میسر است در گرفتن تصمیم به سود مؤکل خود به محکمه مدد رساند و حتی پاره ای از وظایف محکمه را خود به عهده گیرد. مثلاً معلومات را راجع به شخصیت و اهمیت وظایف مؤکلش تهیه نماید. و به دسترس قضات قرار دهد آن گاه برای جلب اعتماد محکمه مبنی بر اینکه مؤکل او مرتکب تخلفات دیگری نخواهد شد که حارنوال را نگران ساخته از محکمه تقاضا کند که در قرار رهائی مؤقت مؤکلش شرایط را مشخص نماید که مؤکلش به آن عمل کند. که این شرایط سبب ایجاد فضای اعتماد پولیس و حارنوال را می‌گردد.

وکیل مدافع میتواند، شرایط ذیل را در رهائی مؤکلش جهت ایجاد فضای باور پیشنهاد نماید.

۱. مؤکلش شبها در محلی به سر برد که پولیس آدرس آنرا در اختیار داشته باشد هر وقت که لازم و مقتضی دانست به آن مراجعه کند.
۲. هر روز عصر میان ساعت ۴ الی ۷ شام به حوزه پولیس مراجعه کند و حاضری یومیه را امضاء نماید.
۳. تمام اسناد هویت از قبیل تذکره، پاسپورت، لایسنس دریوری، کارت هویت و سایر اسناد مربوط هویت خویش را بدفتر پولیس بسپارد.
۴. بعضی شرایط دیگریکه اوضاع و احوال قضیه ایجاب نماید.

بدین ترتیب وکیل مدافع خواهد توانست با پیشنهاد این شرایط محکمه را در گرفتن تصمیم رهائی مؤقت مؤکل خود قناعت بخشیده و حتی یاری رساند.

بر وکیل مدافع لازم است، موضوع رد اعتراضات حارنوال، شرح سوابق مؤکل خود، شرح کشیده شدن مؤکلش با این ماجرا و دلایل حاکی از لزوم آزادی مؤقت مواد قوانین منتطبق

به آزادی مؤکلتش را که معمولاً ماده (۳۶) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم وماده (۹۷) تعدیل قانون اجراءات جزائی در کشور ماست در پیشنهاد خویش به محکمه رایه نماید.

معرفی ضامن:- هرگاه حارنوالی مظنون را به ضمانت احضار سر (کفالت نفس) رها سازد، درین صورت مشکل نیست، مظنون میتواند بعد از سپردن ضمانت احضار رها گردد، اما حالاتیکه حارنوالی یا محکمه آزادی مظنون یا متهم را موکول به تحویل وجه پولی و معرفی ضمانت احضار سر (کفالت نفس) مینماید درین جا وظیفه وکیل مدافع است که به وضع ضامن رسیده گی نماید و مطمئن شود که ضامن واجد شرایطی است که برای ضامن مقرر است نخستین شرط ضامن توانائی مالی اوست. وکیل مبلغی را که مرجع قضائی تعیین نموده است، با ضامن در میان میگذارد (حالاتیکه مظنون یا متهم شخصاً توانائی تادیه پولی ضمانت بالمال را نداشته باشد) برای خود معلوم میدارد که آیا شخص دیگری استطاعت تادیه آن را دارد و حاضر است در صورت عدم توانائی مظنون یا متهم آنرا بدولت پردازد، محکمه پول وجه ضمانت بالمال را به همان اندازه تعیین مینماید که پولیکه احیاناً مظنون یا متهم به جرمه نقدی محکوم میشود پولیکه احیاناً به پرداخت آن به مجنی علیه محکوم میشود هم چنان پول مصارف محکمه، همه این مسایل در تجویز محکمه درباره رهائی مظنون یا متهم در نظر گرفته میشود.

بعضاً مظنون و متهم رهائی مؤقت شانرا برای حفظ و آبروی خویش ضروری میدانند و در صورت رهائی مؤقت وکیل مدافع بیشتر مورد اعتماد شان قرار میگیرد.

## بخش پنجم

## رویا روئی وکیل مدافع و حارنوال در محکمه

بعد از ختم تحقیق حارنوال، آنچه را که تحقیق نموده، بررسی و ارزیابی مینماید، آنرا در روشنی قوانین نافذه که دلایل اثبات را تصریح کرده است، بررسی میکند در صورتیکه واقعه ثابت نبوده و عمل انجام یافته یا اهمال شده جرم نباشد و یا اگر واقعه ثابت و عمل و اهمال صورت گرفته جرم هم باشد اما دلایل الزام علیه مظنون وجود نداشته باشد و یا ناکافی باشد حارنوالی به عدم لزوم تعقیب جزائی قضیه یا به بیان واضح تر به حفظ دوسیه جزائی قرار صادر و قضیه را قابل احاله به محکمه جزائی نمیداند. بعضاً هم حارنوال نسبت عدم کافی بودن دلایل الزام آنهم در حالاتیکه واقعه جرمی ثابت باشد اما دلایل الزام علیه مظنون ناکافی باشد قضیه جزائی را به ادارات پولیس و کشف ارسال مینماید تا ادارات مذکور موضوع را تحت عملیات کشفی قرار داده درباره به حارنوالی راپور ارایه نماید. در حالات اصدار قرار عدم لزوم دعوی جزائی، حارنوال به رهائی مظنون (اگر تحت نظارت یا توقیف باشد) تصمیم اتخاذ مینماید. و اگر شخص در کدام ظن واتهام دیگری تحت توقیف نباشد رها میشود. تا اینجا اجراءات حارنوال به نفع مظنون و متهم است. نه مظنون، نه متهم و نه وکیل مدافع شان کدام اعتراض مینمایند چه اجراءات حارنوال کدام حق را از مظنون و متهم ضایع نساخته بلکه برائت ذمه او را که حالت اصلی است، اعلام میدارد. اما وکیل مدعی خصوصی یا متضرریا مجنی علیه یا ورثه او میتوانند علیه این قرار حارنوال به محکمه ذیصلاح اعتراض نمایند که در قانون نافذه کشورما طبق ماده (۳۹) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم ماده (۱۱۸) تعدیل قانون اجراءات جزائی این صلاحیت به مدعی حق العبد، مجنی علیه یا ورثه یا ممثل قانونی آنها داده شده است.

حالاتیکه واقعه جرمی ثابت و دلایل الزام به حد کافی علیه مظنون وجود داشته باشد، حارنوال مکلف است، طبق فقرات (۴، ۵، ۶) ماده (۳۹) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم دوسیه جزائی را توأم با صورت دعوی جزائی که حاوی جریان مفصل موضوع و ارایه دلایل الزام و مطالبه مجازات برای متهم است به محکمه ذیصلاح احاله نماید، حارنوال در حالی تصمیم به احاله دوسیه جزائی به محکمه آنهم توأم با صورت دعوی و مطالبه مجازات اتخاذ مینماید که دلایل اثبات قانونی علیه متهم وجود داشته باشد این وسایل یا دلایل

اثبات عبارت اند از اقرار متهم که بدون جبر و اکراه باشد و مجبور به شهادت دادن علیه خود نشده باشد، شهودیکه به حد نصاب رسیده باشد، مقابله شهود و صورت فورم محضر مقابله آن، شناسائی متهم طور بالمواجهه در صف از طرف شهود یا مجنی علیه، تفتیش محل که مدارک اثباتیه جرمی از آن بدست آمده باشد، تلاشی مظنون که در حین تلاشی اشیای جرمی یا اشیایکه محصول جرم باشد از مذکور بدست آمده باشد، اشیای مربوط به جرم که بدست هیأت ضبط قضائی افتیده باشد و به شکلی از اشکال به مظنون یا متهم ارتباط پیدا نماید. ارزیابی و استنتاج نظریات اهل خبره و معاینات تخصصی آنها. در حالات موجودیت این مدارک و شواهد اثبات، حارنوال مکلف به دعوی علیه متهم در محکمه میباشد و حارنوال مکلف است دوسیه جزائی را که حاوی مدارک اثباتیه و شواهد و قراین تحقیق است، ضم صورت دعوی به محکمه احاله نماید و لست اشیای ضبط شده را نیز به محکمه بسپارد، در مقابل متهم یا وکیل مدافع وی حق دارند که اسناد شامل دوسیه و اشیای ضبط شده را ملاحظه و اطمینان حاصل نمایند.

بعد از طی این مراحل دعوی جزائی، رویا روئی حارنوال و وکیل مدافع در محکمه شروع میشود و هر یک از طرفین یعنی حارنوال و وکیل مدافع آنچه را که مطرح مینمایند، مکلف اند، قانونیت آنرا بر ملا ساخته و آنرا بطور قانونی دفاع نمایند. مطابق ماده (۵۳) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم حارنوال مکلف است، در جلسه قضائی اشترک نماید وکیل مدافع و متهم حق دارند که در حین رسیده گی جلسه قضائی حاضر باشند ماده (۲۱۹) قانون اجراءات جزائی قبلی نیز عضو حارنوالی را مکلف به حضور در جلسه قضائی محاکم جزائی دانسته و محکمه را مکلف به استماع اظهارات او نموده است.

برائت ذمه حالت اصلی است، متهم تا صدور فیصله قطعی محکمه بیگناه است. بناً حارنوال مکلف است، ادعای خویش را که علیه متهم نموده است، مطابق قانون ثابت نماید تا مورد صدور حکم محکمه را پیدا نموده بتواند.

وکیلی که میداند اظهارات مؤکل او از پایه و اساس دروغ و تنها برای فرار از مجازات است با وجود آن اظهارات اورامی پذیرد و پایه و اساس دفاع خویش قرار میدهد به نظرنویسنده در ارتکاب جرم تازه شریک میشود که اختفای جرم و جلوگیری از عدالت است، چنین وکیل مدافع ضعیف النفس است چون توانائی آنرا ندارد که از راه درست به پیروزی رسد به مکر و فریب و خیانت روی میاورد. تا به هدف خود که بیشتر جنبه مادی دارد،

دست یابد. اما اگر برای وکیل مدافع ثابت شد که مؤکلش واقعاً مرتکب همان جرم شده است درین جا نباید در صدد عدم تثبیت جرم برآید بلکه راه دیگر مساعدت با مؤکلش را که عبارت از حالات رفع مجرمیت، رفع مسؤلیت جزائی و حالات تخفیف مجازات و رفعت قضائی است، جستجو نماید و باین ترتیب با مؤکل خویش مساعدت نماید. هرگاه وکیل مدافع مؤکل را بیگناه تشخیص و اظهارات او را با حقیقت و دلایل منطبق بیند، وظیفه قانونی و وجدانی اوست که با تمام قوای دماغی و امکانات ذهنی و علمی و تجربوی خویش با هر وسیله ممکنه قانونی که در اختیار دارد با راستی، درستی و امانت از او دفاع و در تبرعه او بکوشد جنبه های اخلاقی و انسانی حرفه و کالت حکم میکنند که وکیل مدافع در تأمین عدالت هرگز در صدد تبرعه مجرم برنماید گاهی چنین اتفاق میافتد که وکیل مدافع در پی اظهارات ساختگی مؤکل دروغگو و نادرست بی خبر از فریب و نیرنگ یک مجرم به پامی خیزد و موجبات براءت او را فراهم میسازد اینگونه مخاطرات که وکیل مدافع در آن سؤ نیت ندارد در هر حرفه و فعالیتی وجود دارد و از انسان عادی میتواند سرزند و با مواردیکه مؤکل به صراحت به گناه خود اعتراف کرده و وکیل دانسته به تبرعه او همت میگمارد فرق دارد. اصلاً دفاع از جنایت کار آنهم نه جهت تخفیف مجازات یا حالات رفعت او بلکه جهت براءت او با وظیفه مقدس و کالت که وکیل در رعایت آن در ابتدا سوگند یاد کرده است، مغایرت دارد.

وکیل مدافع باید توانائی تحلیل اظهارات مؤکل خویش را داشته باشد، آنچه مؤکل او از ماجرا نقل میکند، وکیل باید عیناً نزد خود یادداشت کند و در صورت لزوم به امضای وی برساند، تا همین اندازه که تضاد و تناقض در اظهارات او نیاید آنرا بپذیرد و پلان برنامه کار دفاعی خود را بر آن بنا نهد، زیرا وی وکیل اوست یعنی خود اوست نه مدعی او. وکیل که اظهارات مؤکل خود را تصحیح یا اصلاح مینماید بر آن میافزاید یا از آن میکاهد تا موقعیت دفاعی او را تغییر دهد باید به مشوره مؤکل باشد، هر گاه میان قبولی و کالت تا پایان ارزیابی محاکماتی مؤکل در صدد تغیر اظهارات خویش برآید آن نیز باید کتبی بوده امضاء و تاریخ و زمان تسلیم آن مشخص شود وکیل زمانی میتواند به نماینده گی از مؤکل خویش اظهار ندامت نماید که مؤکل او طور کتبی چنان صلاحیت را به او داده باشد در غیر آن اظهار ندامت وکیل بدون اجازه مؤکل او یک عمل فضولی خواهد بود.

وکیل مدافع در مقابل حارنوال که از یکطرف به مقایسه وکیل مدافع برتری وظیفوی دارد و به آسانی از تمام ادارات اسناد را بدست آورده و شواهد را احضار و مدارک را جمع آوری میتواند و از طرف دیگر وقت و مدت کافی هم جهت اجرای برنامه کاری جزائی در اختیار دارد که درین مدت میتواند اوراق را دقیق مطالعه و برویت آن صورت دعوی ترتیب نماید، بناً به وکیل مدافع هم لازم است تا آماده گی قبلی اتخاذ و در پروسه دفاع از مؤکل خویش شیوه های ذیل را رعایت نماید.

۱- تمرین در آواز و تون صوت: مانند هر مسلک یا هر ورزشی تمرین در آواز در وکالت دفاع موثر است آواز وکیل مدافع باید به حدی باشد که نه تنها قاضی بلکه حاضران در جلسه و حتی تماشاگران به آسانی آنرا بشنوند. صدای آهسته و کلمات جویده و زیر لب را چون قاضی شنیده نتواند به وکیل مدافع تذکر میدهد و روابط عادی قاضی و وکیل مدافع از همان ابتدا به سردی میگراید. صدای رسا، واضح و صاف به گوینده اعتماد به نفس میبخشد. بر قوت وکیل در بیان مقصدش میافزاید و دلایل دفاعیه او را برتر و مؤثر تر مینمایاند. وکیل مدافع با صدای رسا کلمات را چنان واضح باید ادا کند که تماشاگران آرزو کنند اگر روزی سرو کار شان به محکمه و حارنوالی میافتند چنین وکیلی به دفاع آنان باید برخیزد و قضات محکمه را معتقد سازد.

۲- فرق دفاع با سخنرانی عادی: دفاع وکیل مدافع الفاظ و کلمات دفاعی آن با سخنرانی عادی او برای عامه و یا کدام محفل دیگر باید فرق داشته باشد وکیل حین دفاع در انتها درجه هوشیار و مراقب عکس العمل ها و واکنش های طرف دعوی، اعم از مدعی خصوصی و حارنوال باید باشد. همزمان بکوشد تا از موقعیت های خوبی که بدست آمده و یا پیش میاید بهره برداری کند، از محرر محکمه تقاضا نماید تا موفقیت های بدست آمده را ثبت کند وکیل باید متوجه باشد که چه میگوید چه گونه ویا به چه الفاظی سخن زند. اصلاً تجربه و مرور زمان وکیل را در چنین گفتارش مسلط میسازد اما برای وکیل مدافع نوکار دفاع در مقابل حارنوال که آماده گی قبلی و حتی تسلط کافی در موضوع دارد مشقت بار، پر تشویش و توأم با اشتباهات است ازین رو نباید در آغاز کار انتظار داشته باشد که او نیز (وکیل مدافع نوکار) مانند وکلای پر تجربه دلایل ارایه شده حارنوال را سست و بی اثر سازد.

۳- تسکین هیجان های حرفه وکالت: هیجان لازمه حرفه وکالت دفاع است، حتی وکلای مدافع کار آزموده از هیجان برکنار نمی مانند حارنوال تازه کار نیز عاری از هیجان نیست ایستاده شدن در مقابل مقام قضاوت برای وکیل مدافع نوکار و هم چنان حارنوال نووارد هیجان آور است هیجان هر چند برای جلوگیری از غرور، تکبر، خودستایی ویا برعکس وارخطائی و سستی در وظایف گاه گاهی ضروری است لیکن برای وکیل مدافع نوکار اگر هیجان و وارخطائی از حد بگذرد به ناکامی میکشد و اثرات روانی منفی در او پدید میآورد. مهمترین عامل در ایجاد و تشدید هیجانات اطلاعات کم یا ناقص و نادرست تجربه کم و یا هم پیش آمد نادرست هیأت قضائی و هیأت بررسی است که در وکیل مدافع هیجانات ایجاد میکند. و شاید هم در حارنوال نوکار این اثر را وارد نماید. اصلاً یک وکیل مدافع نوکار در نخستین دعوی معمولاً دچار اضطراب و نگرانی میشود که چه سان و چه وقت وارد محکمه شود با چه اوضاع پیش بینی نشده روبرو خواهد شد. پروسه محکمه چه مدت طول خواهد کشید. برای جلوگیری از این گونه اضطراب ها وکیل مدافع باید چند روز پیش از بررسی قضائی جهت باز دید مقدماتی وارد محکمه شود. آماده نمودن همه مقدمات و لوازم و اسناد و شواهد دعوی از هیجان های عصبی و وارخطای وکیل مدافع میکاهد. حتی حارنوال نوکار که جهت دنبال نمودن دعوی ارایه شده حارنوال قبلی توظیف میشود هرگاه تسلط کافی در موضوع نداشته باشد و آنآ بدون آماده گی قبلی، تهیه فهرست مقدمات دعوی وارد اقامه دعوی در محکمه گردد، دچار هیجان و اضطراب میگردد تسلط به محتویات دوسیه و آگاهی دقیق از قضیه جزائی از اضطراب و هیجانات حارنوال نو وارد میکاهد.

هر گاه وکیل مدافع در همه زوایای دعوی کاوش کرده در جستجو هیچ نکته ای فراگذاشت نه نموده باشد، چون پروسه محکمه و بررسی آن آغاز شود همه اطلاعات لازم را در دسترس خود بیند حالت عصبی و تردهای او به آرامش میگراید. به حالت تمرکز فکری و اندیشه قرار گرفته وتفکر وی سرعت می یابد وبالاخره با تسلطی که به اثر آماده گی بدست آمده با اطمینان میتواند، از مؤکل خود دفاع نماید.

### تهیه فهرست اصطلاحات متداول در پروسه محاکماتی:

علم حقوق مانند هر علم دیگر دارای اصطلاحات است با معانی معلوم و معین به ویژه در اجراءات جزائی باید همان اصطلاحات را عیناً و دقیقاً به کار برد. مفاهیم حقوقی که باین اصطلاحات منتقل میشود با هیچ لفظ و کلمه دیگر نمیتوان آنرا جایگزین کرد. هر چند ظاهراً در زبان محاوره به آنها نزدیک و حتی مترادف باشد. حارنوال به چنین اصطلاحات وارد است و معمولاً در صورت دعوی خویش آنرا به کار میبرد. به وکیل مدافع هم لازم است تا در دفع دعوی خویش اصطلاحات حقوقی را بجا و دقیق استعمال نماید تا از مخشوش بودن ابهام و تعبیرهای دوگانه جملات استعمال شده جلوگیری شود، مفهوم روشن باشد. حتی بروکیل مدافع لازم است فهرست همه این اصطلاحات را با خود داشته باشد چه بعضاً امکان دارد در پروسه دعوی جزائی حارنوال به یک اصطلاح حقوقی اشاره میکند وکیل مدافع لازم میداند تا درین باره توضیحات مدلل بدهد اما در هنگام بررسی قضائی و جلسه محکمه از ذهن آشفته وکیل مدافع نوکار به آسانی فرار میکند. اگر وکیل مدافع ازین اصطلاحات فهرستی با خود داشته باشد از تبسم های استهزا آمیز حاضرین و تلخی های انتقاد حارنوال مصئون میماند. هم چنان مواد و متون قوانین و رویه های قضائی مورد استناد خود و آنچه احتمال می رود حارنوال یا طرف دعوی به آنها متوسل شود در مجموعه های حقوقی نشانه گذاری و برای مراجعه فوری در دسترس خود قرار میدهد، بدین گونه میتواند، خود را بر آنچه پیرامون او هنگام جلسه قضائی میگذرد حاکم سازد. رفتار حرکات، اعمال و گفتار قاضی، شهود و مجنی علیه و اطراف دعوی را زیر نظر گیرد و یادداشت های جامع و موثر و قانع کننده از آنچه در سخنرانی نهائی خود باید به تهیه آن بپردازد، آماده کند.

وکلای مدافع با تجربه هریک شیوه خاصی دارند که آنچه از حقایق و واقعیت ها را در دعوی متناسب یافتند با نظر و عقیده خویش که به سود مؤکل وی است با مهارت درهم می آمیزند مجموعه دلپذیری که باور کردن آن آسان نماید، پدید میآورد و همان را با تغییرات جزئی که ماهیت و شرایط هر دعوی ایجاب میکند، همواره به کار میبرد. شیوه ایکه براساس و استخوان بندی همه بحث های آن تهیه شده به شکل خالی از عیب با مفهوم جامع بزبان میآورد، که توجه همه در محکمه جلب شود و آنرا در جلسه قضائی ارایه میکند.



### تسلط بر دادرسی:

وکیل مدافع باید چنین فرض نماید که قاضی، حارنوال، مجنی علیه و یا وکیل مدافع او در مسایل دعوی مربوط بیش از او نمیدانند وکیل مدافع از حیث هوش، تجربه، سرعت انتقال الفاظ از آنها کم نیست با چنین اعتماد به نفس سخن گوید تا دیگران در جلسه قضائی به سخنش گوش فرا دهند.

### انتقاد از خویشان:

پی آمد های کم تجربه گی وکیل مدافع یکی هم این است که پیروزی ها و کامیابی ها را بس عظیم تر و از آنچه هست می نمایاند. و همه پیروزی ها را به خویشان نسبت میدهد. بعد از تجربه فراوان بالاخره پی میبرد که پیشرفت دعوی صرف نظر از کوشش های خود او معلول ساده بودن ماهیت دعوی، انطباق آن با نظریات و دیدگاه های حارنوال، ضعف حارنوال یا دلایل دیگر بوده است. وکیل مدافع بدون اینکه نتیجه مطلوب محکمه را اسباب غرور یا نتیجه منفی آنرا مایه سر افکنده گی خویش بداند باید از اشتباهات خود پندگیرد و از امید بی حد و بی دلیل به خویشان و از یأس و افسرده گی در حالات ناکامی تا بتواند، دوری جوید.

### وکیل مدافع متهم در برابر شهود حارنوال یا مجنی علیه:

وکیل مدافع با هوشیاری هر آنچه را که هنگام بررسی در محکمه میگذرد زیر نظر میگیرد و یک یک را به تفصیل یادداشت میکند. زیرا ارزش هرنکته را هر چند به ظاهر ناچیز باشد در یک فرصت کوتاه و مجال کوتاه نمیتوان تشخیص داد و نباید هیچ نکته ای از دعوی را ولو ناچیز باشد، نادیده گرفت. مثلاً در آغاز بررسی قضائی حارنوال کلمه یا عبارت کوتاه بر زبان آورده که با صورت دعوی او تناقض دارد. و یا شاهدان که در حارنوالی در اثبات ادعای حارنوال و مجنی علیه شهادت داده در محکمه نکته ای گفته اند که خلاف توضیحات حارنوال است، وکیل مدافع با یادداشت آنها و با همان الفاظ و کلمات که گفته اند تناقض و اختلاف را آشکار میسازد و دعوی حارنوال را سست میگرداند. مثلاً شاهدان در پروسه تحقیق شهادت داده اند که همین دونفر متهمین احمد و محمود با سلاح ناریه دست داشته شان هر دو بالای شریف مجنی علیه فیر کردند بعد از اینکه شریف به زمین افتاد هر دو فاعل

یعنی احمد و محمود سوار با موتورسایکل بطرف شرق حرکت و فرار کردند، اما شاهدان در محکمه شهادت داده اند که همین احمد و محمود بعد از فیر با سلاح ناریه دست داشته شان بطرف غرب فرار کردند و از سوار شدن آنها به موتورسایکل هم حرف نمی زنند. وکیل مدافع میتواند چنین شهادت شاهدان را مورد شک قرار داده و به قاضی موضوع را یاد آوری کرده و از قاضی بخواهد که بار دیگر شاهدان را مکلف به ادای شهادت سازد.

هنگامیکه شاهدان حارنوال، علیه متهم شهادت میدهد وکیل مدافع نه تنها به اظهارات آنان به دقت گوش فرا میدهد و یادداشت بر میدارد، بلکه به نحوه بیان آنان نیز توجه میکند و یا اینکه با پولیس که در مقام شهادت برای پاسخ پرسش هایکه از او میشود بدفترچه یادداشت هایش مراجعه میکند تا مطابق آن جواب بگوید اگر کلمه یا عبارتی از خود به آنها بیافزاید که در یادداشت هایش نیست درین وقت در بیان اظهارات پولیس تغییر روی میدهد و حالتی به او دست میدهد که از نظر تیز بین وکیل مدافع پنهان نمی ماند یا شاهدهی که در پاسخ بر پرسش های محکمه دچار تردید گشته بانگاه های ملتسمانه به اطراف خود می نگرد این تغییرات به ظاهرنا چیز را وکیل مدافع یادداشت میکند بعد به موقع درباره آنچه به چنین واکنشها انجامیده به سوال برمی خیزد اگر آهنگ و تون صدای شاهد تغییر کند، قرینه ای است که با مشکل اظهارات روبرو گشته یا به آنچه میگوید اطمینان ندارد. یا اعتماد به نفس خود را درین حالت از دست داده است. طرح سوال های کوتاه و ساده از طرف وکیل مدافع اغلب درین موقع درکشف حقیقت راه گشا است. مثلاً وکیل مدافع از شاهد بپرسد: (در آن موقع شماچه گفتید یا چه کردید؟) یا اینکه هوا تاریک بود شما چطور نمبر پلیت موتر را تشخیص دادید روز بود شمال بود؟ خنک بود؟ باران بود؟ یابه جز شما کسی دیگری هم بود بعد از طرح این سوال ها وکیل مدافع باید مواظب تام واکنش ها و عکس العمل های شاهد باشد. شاهد دروغگو نمیتواند درین فرصت، حالت عادی خود را حفظ کند و حرف های خود را انتظام بخشد، خواهی نخواهی درچنین حالت کدام کلمه و یا جمله متناقض را با شهادت اولی اش بکار میبرد که شهادت او را مورد شک و تردید محکمه قرار میدهد.

وکیل مدافع سوال خود را یادداشت میکند و به خاطر میسپارد و از شاهد پاسخ میخواهد هرگاه شاهد از دادن پاسخ صریح سرباز زند، سوال خود را باید عیناً تکرار کند تا شاهد پاسخ صریح دهد. هر چند شاهد در پاسخ ندادن بیشتر مقاومت کند وکیل بر اصرار خود بیافزاید

زیرا احتمال قوی برین است که شاهد اطلاعاتی دارد که چون افشاً شود اساس دعوی که به خاطر آن اورابه شهادت آورده اند یعنی دعوی حارنوال سست خواهد شد. بهر حال باز استادن وکیل از اصرارش چنین تعبیر خواهد شد که وکیل مدافع در گرفتن پاسخ صریح ضعف نشان داده یا شاهد اورا فریب داده است.

شاهد ممکن است از وکیل مدافع بخواهد سوال خود را تکرار کند هرگاه سوال مفصل بوده وکیل مدافع آنرا یادداشت نکرده آنرا به خاطر آورده نتوانست این گمان را در محکمه پدید میآورد که وی کنترل خود را بر پرسش های خویش از دست داده است. وکیل مدافع هر پاسخی که به پرسش او داده میشود فوری و همزمان یادداشت میکند اگر مجال آن نبود به دت باید به خاطر بسپارد و در پایان بررسی محاکماتی آنرا تحریر نماید.

وکیل مدافع در ضمن بررسی قضائی بعضاً ناگزیر میشود در رفتار یا گفتار دیگران تذکره دهد. حارنوال تذکره ده که حق دعوی را دارید اما حق اهانت مؤکلم را ندارید. مثلاً بعضاً حارنوال جملاتی را مانند «همین شخص مظنون حیوان وار.....» وکیل باید درین حالت صحبت حارنوال را فوراً قطع و برایش تذکره دهد که این حق را یعنی اهانت مؤکلمش را ندارد. همچنان وکیل مدافع متهم میتواند به وکلای متهمان دیگر که در شرکت یا معاونت همان جرم با مؤکل او محاکمه میشوند به وکیل مدعی خصوصی و یا به شخصی مجنی علیه در موارد استثنائی و بعضاً به خود قاضی در یافتن حقایق و موارد درست تذکر، کاری دهد گرچه چنین تذکرات، کار آسانی نیست و طرح به موقع آن مهارت میخواهد در طبع آن تذکر یک تلخی نهفته است و مخاطب را خوش آیند نمی افتد. اما وکلای کار آموزده و با تجربه با آداب خاصی به قاضی که رد یا قبول تذکر با اوست آن را چنین آغاز میکنند (با پوزش یا با معذرت از متوقف شدن بررسی قضائی هر چند به مدت کوتاه خواستم یاد آوری کنم که.....) آنگاه به تذکر خود اشاره میکند که مثلاً سوالی را که از شاهد حارنوال یا شاهد مجنی علیه شده (سوال راهنما) است که شاهد را به پاسخ معینی رهنمون میکند که سوال کننده انتظار آن را دارد نه حقیقت امر را، درخواست دارم که محکمه سوال را مردود و شاهد را از دادن پاسخ معاف دارد وکیل مدافع پیش از سوال ویا تذکر خویش ویا توجه آن شاهد ویا شخص دیگر در ذهن خویش آماده گی میگیرد که اگر قاضی و محکمه در رد یا قبول تذکرات او مردد ماند ویا احیاناً اگر از وی توضیح مزید خواست توضیحات لازم آرایه نموده بتواند، این آماده گی را وکیل قبل از سوال و تذکرات خویش باید داشته باشد.

هم چنان وکیل مدافع همواره از یکطرف باید مترصد دیگران و از طرف دیگر متوجه رفتار و گفتار خویش و آماده برای توضیح درباره باشد تا به تذکرات بی مورد حارنوال در جلسه قضائی و یا تذکرات بی مورد وکلای مدعیان خصوصی پاسخ های قانع کننده دهد. بالمقابل حارنوال نیز باید مترصد گفتار و حتی اکت های وکیل مدافع و مراقب وضع خود باشد وکیل مدافع باید هوشیار باشد که مبدا حارنوال در پیشبرد ادعای خویش و با تثبیت صورت دعوی خود شهودی را که به نفع متهم شهادت میدهند هدف پرسش های آمرانه غیر منصفانه و زننده قرار دهد و آنان را به شکلی از اشکال با استفاده از تفوق و برتری وظیفوی خویش تحت تأثیر خود قرار دهد و شاهدان را به گفتار و اظهارات بی جا و دارد. از جمله شیوه های نامطلوب برخی حارنوال ها این است که از شاهد متهم میخواهد تادر مورد گفته های شهود دیگر یا گزارش پولیس که بر علیه متهم میباشد توضیحات دهد. مثلاً از شهود متهم میپرسند (منظورت این است که آنچه پولیس و ماموران امنیتی گزارش داده اند دروغ است) این نوع سوال حارنوال از شهود متهم بسیار زننده است از این سوال شاهد متهم کاملاً هراسان میشود حارنوال درین سوال خویش شاهد را با پولیس مواجه میسازد وکیل مدافع متهم درین فرصت باید بلا فاصله پیش از آنکه شاهد متهم در مقام جواب به سوال های نامطلوب و خلاف حارنوال برآید، تذکر دهد که جناب حارنوال این سوال شما غیر منصفانه و حتی تهدید آمیز است از قاضی و رئیس جلسه تقاضا نماید که شاهد متهم را از جواب این سوال معاف سازد.

گاهی مقصود از تذکر وکیل مدافع در جلسه قضائی ماهیت تذکر او نیست چنانچه گوید (شهود مجبور نیست باین سوال ها پاسخ دهد و یا مؤکل من الزامی ندارد و مجبور نیست باین سوال پاسخ دهد). بعضاً وکیل مدافع ازین تذکرات از وقت استفاده کرده از موقع بهره برداری نموده و با دفاع از مؤکل خویش خطر تهاجمی حارنوال را که در حال تهاجم است، دفع مینماید.

بعضاً وکیل مدافع با پولیس در محکمه حین بررسی قضائی مواجه میشود گرچه این رویارویی وکیل مدافع با پولیس در بخش تحقیق بررسی شد اما بطور خلاصه یاد آور میشویم که در مواردیکه مامورین زیاد به محل وقوع جرم اعزام میشوند گزارش را یک یا چندین تن مینویسند و جنبه های از ماجرا را که خود مهم یافته اند از محل واقعه بر میدارند، یادداشت میکنند، مامورین دیگر که جنبه های متفاوتی را که از حادثه دیده اند

مجال نمی یابند نظریات خود را در آن بگنجانند و به آن جنبه هایکه در گزارش آمده اهمیت نمی دهند، این دوگروه که بعضاً پولیس و بعضاً هم شاید کارکنان استخباراتی ویا هم کارکنان حسابی و نظارتی باشند، چگونه میتوانند در توضیح گزارش در محکمه یک سان شهادت دهند. اصرار وکیل در یافتن پاسخ مشابه به سوالاتش، پولیس و هیأت مؤظف مشاهده محل واقعه را به حدس و گمان به آنچه همکارانش پیش از او گفته اند ویا پس از او خواهند گفت، مواجهه میسازد این حدس و گمان ها وشاید هم تشویش های پولیس در جلسه قضائی به وکیل مدافع مجال بدهد تادر شهادت هیأت مؤظف محل واقعه که بعضاً غیر متجانس میباشد، تناقضات فراوان را بیابد و این تناقضات را در محکمه آشکار سازد و شهادت هیأت مشاهده محل واقعه را سست و یا مشکوک سازد.

وکیل مدافع در ضمن بررسی دعوی در محکمه گاهی ناگزیر میشود درباره رفتار یا گفتار دیگران تذکر دهد. به حارنوال یا وکلای متهمان دیگر که در شرکت یا معاونت درهمان جرم با مؤکل او محاکمه میشوند به وکیل مدعی خصوصی و در موارد استثنائی به خود قاضی در مسایل و موارد درست و حقیقت تذکر دهد اما تذکر کار آسانی نیست طرح به موقع آن مهارت میخواهد. در طبع تذکر گاهی تلخی نهفته است و مخاطب را چندان خوشایند نمی آید. وکلای با تجربه وکار آزموده با آداب خاصی بعد از اجازه رئیس جلسه چنین آغاز مینمایند (باپوزش از متوقف شدن بررسی قضائی عرض مینمایم که جناب حارنوال به نظر اهل خبره اولی استناد کرده است درحالیکه در پروسه تحقیق بر اساس شکایت و اعتراض من، به نظریه اهل خبره اولی مقام لوی حارنوالی موضوع را به اهل خبره دومی ارایه کرده و نظریه هیأت اهل خبره دومی مغایر ادعا و تذکر حارنوال بوده به نفع مؤکل من و عدم تثبیت جرم ارایه شده است. که در دوسیه موجود است و یا اینکه وکیل مدافع بعد از همان کلمات تشریفات به حارنوال تذکر میدهد و اعتراض مینماید که سوالی را که از شاهد مدعی خصوصی ویا شهود مجنی علیه نموده است، سوال راهنما است که این سوال شاهد را به جواب معین رهنمائی میکند جواب معینی که منظور سوال کننده یا حارنوال است و سوال کننده چنین جواب را انتظار دارد. هدف سوال ناگزیر شدن شاهد به جواب معین مورد انتظار حارنوال است نه حقیقت امر. وکیل مدافع از محکمه در خواست مینماید که سوال را مردود شمرده و شاهد را از توضیح آن معاف نماید. مثلاً حارنوال از شاهد سوال مینماید که (وقتیکه شما دیدید که همین احمد متهم چاقو را از جیب خود

کشید و با قهر و غضب زیاد یک چاقو- دوچاقو- سه چاقو به شکم محمود مجنی علیه زد و محمود به زمین افتید درین وقت محمود مجنی علیه مقتول چه میگفت و چه کرد؟ این سوال، سوال رهنما است، شاهد را به جوابیکه حارنوال خواسته ویا میخواهد رهنمائی میکند. وکیل مدافع باید از محکمه و قاضی بخواهد که این نوع سوال را مردود شمرد و شاهد را از جواب دادن به آن معاف نماید.

در کشور ما مطابق حکم مندرج فقره (۶) ماده (۵۳) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم، متهم و وکیل مدافع او میتوانند شهود اهل خبره را مورد سوال قرار دهند. هم چنان مطابق ماده (۶۶) تعدیل قانون اجراءات جزائی خصوم و در اثنای استماع بیانات شاهد میتوانند ملاحظات خود را در مورد آنها اظهار نماید، میتوانند از هیأت ضبط قضائی مطالبه کنند که شهادت را از نقطه نظر دیگریکه از طرف آنها پیشنهاد میگردد، استماع نمایند.

### ترتیب معرفی شهود در جلسه قضائی:

وکیل مدافع باید برای معرفی شهودیکه به نفع مؤکل او شهادت میدهند، ترتیب ذیل را در پیش گیرد:

شاهدی در میان شهود است که از لحاظ نطق و بیان و جرئت شخص برجسته ای است، میتواند، تمام ماجرا را به صراحت بازگو نماید. به پرسش های حارنوال ویا وکیل مدافع مجنی علیه و سوالات محکمه پاسخ مؤجه ارایه نموده میتواند. گفته های چنین شاهد ولو از لحاظ زمان مشاهدات در بعدی و آخر بوده باشد، باید توسط وکیل مدافع در ابتدای بازرسی جلسه قضائی مطرح و ارایه شود که توجه محکمه و قاضی به منتها درجه جلب شود و نقش ثابت در ذهن قاضی برجای ماند. هم چنان آخرین شاهدی که شهادت میدهد باید از قوت کافی برخوردار باشد، زیرا اظهارات او تا هنگام صدور رأی و فیصله در خاطر و ذهن مرجع تصمیم گیرنده قضائی باقی مینماید. اگر این شاهد از تمام ماجرا آگاه بوده، میتواند همه وقایع و حقایق را به هم متصل کند. نقاط ضعیفی را که ضمن بررسی احياناً پدید آمده تصحیح ویا پرکند، معرفی شاهد ضعیف در وسط کار صورت گیرد مخصوصاً آن شاهدیکه از عهده پاسخ های حارنوال یا وکیل مدعی خصوصی بر آمده نتواند، اصل ادعا ویا دفاع را به خطر میاندازد بناً شاهد ضعیف در وسط شهادت شاهدان قرار داده شود.

وکیل مدافع به شاهد خود مجال میدهد تا آنچه را که دیده آزادانه با الفاظ و کلمات و معانی که از آنها در ذهن دارد بیان کند. مثلاً به شاهد خود میگوید (آنچه دیده اید توضیح کنید) تا ماجرا آنطوریکه روی داده است بطور طبیعی با زبان محاوره با طیب خاطر شاهد بیان گردد و تصویر زنده و واضح از ماجرا در ذهن قاضی پدید آرد. تاثیر آن هنگامی بیشتر است که بعد از ختم کلام شاهد، وکیل مدافع از شاهد خود چیزی نپرسد چه بعضاً خطر دارد که شاهد چیزی را در کلمات بعدی خویش بگوید که برای معرفی کننده آن (وکیل مدافع) زیان آور باشد، مگر آنکه نکته ای ناگفته مانده باشد یا نیاز به توضیح مزید داشته باشد که بدون توضیح مزید مطلب اصلی بر آورده نشود که درین صورت نیز هر چه تعداد سوال ها کمتر باشد، مؤثرتر خواهد بود. حارنوال نیز باید در وقت استماع شهادت شاهد خود چنین ترتیب را رعایت کند.

اما وکیل مدافع باید هوشیار باشد که هرگاه شاهد او در گفتارش اشتباه نماید، فوری بدون معطلی آنرا تصحیح نماید اگر سخنی غیر قابل قبول یا نامطلوب را به زبان آورد یا احتمال آن متصور شود یا شاهد پرگوئی را درپیش گیرد بلافاصله دخالت نماید و باطرح سوالی ولوبی مورد هم باشد، او را از پرگوئی باز دارد. حارنوال نیز باید نگران شاهد خود باشد و چنین وضع را زیر نظر داشته باشد. بعضاً حارنوال شاید در جلسه قضائی با ایراد بی مورد به گفتار شاهد مثلاً اینکه (پرسش وکیل مدافع از شاهد معرفی شده اش پرسش رهنما بوده. شاهد را به جواب معینی که خواسته وکیل مدافع است رهنمائی میکند) قصداً گفتار و اظهارات شاهد را قطع نماید. آنهم زمانی است که حارنوال گفتار شاهد متذکره را برای دعوی خویش زیان آور و تردید کننده می بیند و یا اینکه حارنوال میخواهد، شاهد معرفی شده وکیل مدافع را به ستوه یا خشم آورد. وکیل مدافع باید این حيله حارنوال را متوجه گردد و از قاضی تقاضا نماید که حارنوال را از چنین مداخلات بی مورد درباره توضیحات شاهدیکه از طرف وکیل مدافع معرفی شده، منع نماید.

وکیل مدافع از شاهد خود سوالی نمیکند که شاهد جواب آنرا نداند اما شاهد ممکن است به علت فراموشی از گفته های قبلی خود عدول کند یا چیزی به آن بیافزاید یا از آن چیزی بکاهد و یا پاسخی دهد که انتظارش نمی رفته به ادعای وکیل مدافع آسیب برساند درین صورت وکیل مدافع پرسش خود را شروع مینماید در تصحیح گفته بی سابقه و دور از انتظار، شاهد خود خواهد کوشید اما وکیل مدافع باید متوجه بود و مطمئن باشد که شاهد

در گفتار تازه و جدید خود به گفته های دور از انتظار خویش اصرار نخواهد ورزید و وضع از آنچه هست بدتر نخواهد شد.

### باز پرسی از شاهد طرف مقابل:

وکیل مدافع باید پیش از روز محاکمه از دلایل دفاعی خویش، هم چنین آنچه از طرف حارنوال بطور رسمی افشاء گردیده یا از گزارش ها و استنتاج ها برمیآید و در صورت دعوی حارنوال انعکاس یافته، یک برنامه و پلانی برای بازپرسی از شهود حارنوال و مجنی علیه تنظیم نماید، این برنامه حاوی طرح کلی و مؤقت و مشتمل بر رو نویس مطالب مربوط به اصل و هم چنین جزئیات مهم و منطبق با دید گاه اش از دعوی خواهد بود.

طرح پلان ازین جهت باید کلی باشد که تهیه فهرست و یادداشت همه جزئیات طرح و صورت سوال وکیل مدافع را از دخالت هوشیارانه و عکس العمل های آنی و فوری حارنوال و وکیل مجنی علیه در برابر اظهارت شاهدان باز دارد. بدین لحاظ اگر شرایط پیش آید که ادامه پلان بی حاصل به نظر رسد، وکیل مدافع خود را محدود و منحصر آن نسازد. سوال های منطبق با شرایط تازه جایگزین آن نماید.

پلان وکیل مدافع موقوف به آن است که شهود حارنوال و مجنی علیه چه میگویند. جریان دعوی به کدام طرف متمایل میشود. اصل این است که بدون داشتن هدف مشخص تنها به امید بخت و طالع اقبال نباید به بازپرسی از شاهد ویا اهل خبره روی آورد. وکلای مدافع کم تجربه ازین اصل غافلند. وکلای مدافع زیرک و با تجربه تنها هنگامی به باز پرسی و سوال مجدد از شاهد ویا اهل خبره میپردازند که به دقت هدف گیری کرده باشند. باز پرسی بی هدف وقت را ضایع میسازد به حارنوال مجال خورده گیری و اعتراض میدهد، نشانه بی دلیل بودن دفاع است یا به دفاع آسیب میرساند و پیشرفت های را که بدست آمده، سست میگرداند. درعین حال اگر هدف مشخص است و رسیدن به آن ضرور میباشد، نباید از بازپرسی و سوال مجدد چشم پوشید یا فروگذشت کرد، بخاطر باید داشت که هدف از باز پرسی این نباشد که آنچه درست و ثابت است دروغ جلوه داده شود.

هدف باز پرسی وکیل مدافع ویا حارنوال از شاهدان یکدیگر تقویت دلایل خود یا

تضعیف دلایل جانب مقابل است. اما شاهدان طرف مقابل همیشه افراد مخالف یا متخاصم یا

بد اندیش نیستند هرگاه امین و صادق باشند از گفتن حقیقت خودداری نمیکنند اما اگر



نادرست یا هوا دار منافع یک طرف (متهم یا مجنی علیه) باشند که آنان را معرفی کرده اند باز هم یاد آوری مقدماتی که به ماجرا انجامیده و آنچه همزمان به آن روی داده است ناگزیر شان میسازد که از جاده حقیقت فاصله نگیرند.

هدف حارنوال تضعیف دلایل وکیل مدافع است که اگر شهادت شاهد قوت قطعی به ادعای او داده باشد باید از تاثیر آن بکاهد یا آنرا یکسره بی اثر سازد. حارنوال باید این فرضیه را بررسی کند که گفته های شاهد متهم یعنی شاهدیکه به نفع متهم شهادت داده حقیقت داشته اما بکوشد در باز پرسى مطالبی را در تناقض با گفته های اولی شاهد از شاهدان بدست آورد و شهادت شانرا سست جلوه دهد. چنانچه وکیل مدافع هم چنین عمل مینماید. هرگاه موضوع شهادت به شاهد تلقین گردیده باشد یا شاهد اظهارات را حفظ کرده باشد واکنش بعدی او معلوم خواهد شد. درین جا یک سوال جدید از چنین شاهد تسلسل و نظم اظهارات او را مختل میکند و اعتماد به نفس او را تضعیف میسازد که شک و تردید هیأت قضائی را درباره ایجاد میکند.

اما وکیل مدافع و حارنوال سوال ها را از شاهدان یکدیگر به چه ترتیب طرح نمایند؟ هرگاه حارنوال دریافت که شاهد وکیل مدافع (شاهد متهم) آنچه را میگوید از حفظ کرده یا دروغ میگوید باید در طرح سوالات از شاهد ترتیبی را در پیش گیرد که برای شاهد ویا وکیل مدافع قابل پیش بینی نباشد با شتاب بلا فاصله بدون اینکه به شاهد مجال تأمل و فکر کردن بدهد از موضوعی به موضوع دیگر از واقعه مهم به حواشی و جزئیات از شاخه ای برشاخه دیگر روی آورد و سوال نماید تا داستانی را که شاهد از بر کرده و به خاطر سپرده و مطابق به آن میخواهد، شهادت دهد، در ذهن او در هم ریزد و این مجال از شاهد ساختگی و دروغگو گرفته شود که فی البدیبه پاسخ مؤجه نما از خود میسازد یعنی اینکه حارنوال با طرح سوال غیر مترقبه شاهد دروغگو را غافلگیر سازد. یقیناً که وکیل مدافع هم در چنین موارد باز پرسى از شاهد مجنی علیه یا شاهد حارنوال اقدام مشابه مینماید، اما حارنوال درین جا باید هوشیاری خود را حفظ کند آن بخش از گفته های شاهد وکیل مدافع را که با حقیقت مؤجه مغایر یا در تضاد است اگر درنخستین پرسش طرح گردد، محکمه در قبول گفته های بعدی شاهد وکیل مدافع تردید خواهد کرد. پرسش باید به استناد قوی ترین دلیل دعوی عنوان شود، سپس نادرست بودن پاسخ و تضادش با حقیقت، غیر ممکن بودن آن بایبان قوی و استوار و سازمان یافته به قاضی و محکمه عرضه شود هرگاه پرسش چنان

باشد که شاهد انتظار آنرا نداشته یا اصلاً به ذهنش خطور نمی‌کرده او را غافلگیر و شگفت زده خواهد کرد و تأثیر آن بیشتر به نفع پرسش کننده (حارنوال یا وکیل مدافع) خواهد بود. حارنوال اگر نخستین سوال خود را از آخرین سخن شاهد خود (شاهد مجنی علیه) شروع کند که شاهدش در اظهارات پیشتر خود گفته است به اطمینان شاهد می‌افزاید و شاهد بیشتر اعتماد به نفس را کسب میکند. همینکه حارنوال از گفته شاهد خود (شاهد مجنی علیه) نتیجه مطلوب گرفت، از ادامه بازپرسی از شاهد خود انصراف میکند و از کشانیدن او به جزئیات بعد از نتیجه گرفتن، خود داری مینماید، زیرا ممکن است بعضاً اثر معکوسی به بار آورد. و شاهد وارخطا شود در جزئیات سهو نماید و باین ترتیب به وکیل مدافع که جانب مقابل حارنوال است مجال دهد که علایم و دلایل دعوی را کم اثر سازد.

آخرین سوال حارنوال از شاهد خودش (شاهد مجنی علیه) باید مقدمه بازپرسی از شاهد بعدی او باشد یا هر اقدامی باشد که حارنوال آنرا قبلاً طرح ریزی کرده است. مثلاً حارنوال بپرسد که شاهد اول گفت که همین متهم ساعت پنج بجه بعد از ظهر ۲۰ حوت ازدوکان خیاطی برآمد تفنگچه بدست او بود با غضب و قهر به طرف پارک رفت..... از شاهد دوم بپرسد که متهم به تیزی راه میرفت یا به آهستگی از همین سوال ها باید شروع گردد گاهی نیز ضرورت ایجاب میکند که حارنوال در همانجا توقف نماید نه تنها از جزئیات بلکه از آخرین سوال هم صرف نظر نماید و آن هنگامی است که حارنوال تشخیص دهد که محکمه به حقانیت دعوی اش پی برده است. اما حارنوال سوال های را که میان نخستین و آخرین سوال می‌آورد، از کجا بیاید؟ آنچه شاهد در اظهارات نخستین خود به سود ادعای حارنوال نکته ای گفته حارنوال بدون تغییر الفاظ آنرا یاد آوری و از شاهد بخواهد، آنرا تکراراً به زبان خود بگوید، سپس با تأکید بر آن بر همان بنا پرسش های بعدی خود را طرح نماید. مثلاً سارقین نقاب دار به فروشگاه‌های در کابل داخل میشوند هر یک سلاح بدست کارکنان فروشگاه را تهدید کرده، ترسانندند. بعداً محتوای دخل پول فروشگاه را برداشته از فروشگاه برآمده سوار موتر شدند یکی از کارکنان فروشگاه شهادت داده که یکی از سارقین را شناخته که مشتری قبلی همین فروشگاه بوده است، در شهادت اولی خود گفته که او را از هیکل، اندام، رنگ مو، شیوه راه رفتن و حرف های اوشناخته است و در ضمن اضافه کرده است که (همه چیز در ظرف یک دقیقه به کمال سرعت به پایان رسید) حارنوال این شهادت را بحیث دلیل الزام متهم سرقه فروشگاه (احمد نام) قرار داده و متکی به آن صورت دعوی

ترتیب و مطالبه مجازات نموده است، وکیل مدافع متهم با یاد آوری آنچه معمولاً در آن شور و التهاب یا ترس و وحشت ذهن هر بیننده ای را به خود مشغول میدارد و بیشتر به خود و منجمله حفظ جان و سلامت خویش فکر میکند از شاهد میپرسد که چگونه امکان داشته باشد در آن غوغا و اضطراب کسی بتواند به مطالعه ظاهر و حالت سارقین مسلح بپردازد و مطمئن شود که یکی از آنان مشتری فروشگاه یعنی همین متهم (احمد نام) بوده است؟ وکیل متهم به اتکا به سرعتی که ماجرا روی داده است و شاهد جمعاً زمان سرقت را یک دقیقه گفته است، شهادت شاهد را مجهول و مملو از اشتباه و فاقد اعتبار میخواند و دلیل میاورد که هرکس که باشد به تهدید سلاح چند سارق که هر لحظه خطر فیر و تجاوز از آنها انتظار میرود به حدی وارخطا و هراسان میشود که صرف جهت حفظ حیات خود فکر میکند و بس. وکیل مدافع به اظهارات شاهدیکه متهم آورده است و شاهد متهم موجودیت احمد متهم را در همین وقت وقوع سرقت فروشگاه، در قندهار شهادت داده است، استناد مینماید درین جا حارنوال باید به صحت شهادت شاهد یا شاهدانیکه علیه احمد متهم اظهار شهادت کرده اند، تاکید نماید و گفتار وکیل مدافع را تردید نموده و بگوید که همه انسان ها ترسو یا وارخطا، مضطرب نیستند که با اندک تهدید سلاح وارخطا شوند و از نگاه های دقیق بطرف سارق نقاب دار انصراف نمایند و صرف به خود فکر نمایند. حارنوال باید محکمه را متقاعد سازد که همین شاهد از دیگر کارکنان فروشگاه دقیق تر و با جرئت تر و تیز هوش تر بوده حرکات، سخنان و شیوه رفتار یکی از سارقین (احمد نام متهم) و نمای بیرونی و سایر حرکات و عادت و صدای او برایش آشنا بوده او را شناخته است که همین احمد متهم است. حارنوال باید به صحت حرف های کارکن فروشگاه تاکید کند و محکمه را متقاعد به صحت شهادت کارمند فروشگاه نماید و شهود ساختگی متهم احمد نام را که موجودیت احمد را در همین وقت وقوع جرم در قندهار شهادت داده است با سوال های غافلگیرانه تسلسل گفتار او را نامنظم ساخته مورد شک قرار دهد. مثلاً از شاهد متهم بپرسد که (در همین ساعت ۱۲ بجه روز که شما موجودیت احمد را در نزد تان شهادت داده اید) وقت غذا بود و چه نوع طعام صرف کردید؟ چه نوع ترکاری چه نوع میوه چه نوع نان خشک بدسترخوان بود؟ مشروبات چه نوع بود چه صحبت ها درحین غذا خوری شد؟ چه نوع شیرینی و یا میوه خشک بود، هوا چطور بود بارانی، ابر آلود، صاف؟ جواب به همه این سوال ها از توان شاهد ساختگی خارج است اگر موضوع را به دروغ شهادت داده باشد در تون صدا و رنگ او

تغییرات رخ میدهد یا شاید لرزه به اندام او پیدا شود که مورد شک محکمه قرار میگیرد. باین ترتیب حارنوال گفتار و ادعای وکیل مدافع را تردید نموده و به ادعای او آسیب رسانده و بی اثر می سازد اما حالاتی که پولیس شهادت میدهد که اموال مسروقه را از خانه متهم بدست آورده و حارنوال آنرا پذیرفته و به اتکا به آن علیه متهم دعوی جزائی نموده است، وکیل مدافع باید توضیحات مزید را از پولیس جنائی مطالبه نماید که او به خانه متهم دعوت شده بود؟ اجازه ورود بخانه را بعد از دق الباب از مالک (همین متهم) حاصل کرده بود؟ اجازه تلاشی منزل متهم را از محکمه بدست آورده بود؟ اموال در نزدیک دروازه منزل افتاده بود که چشم پولیس به آن خورد؟ از بو و تعفن اموال اطلاع یافت که اموال در منزل همین متهم است اموال در فضای آزاد گذاشته شده بود؟ از منزل همسایه یا از بام موتر چشم پولیس به آن متوجه شد؟ اموال پنهان شده بود؟ تا بتواند نیت سو را به متهم نسبت دهد. وکیل مدافع باید جواب این سوال ها را از پولیس بگیرد و موضوع سو نیت پولیس را علیه متهم اگر احیاناً دربین باشد برملا سازد. در حالیکه بر عکس آن حارنوال به صحت شهادت پولیس با فشاری مینماید.

وکیل مدافع باید متوجه باشد که آنچه در پروسه کشف به زبان مؤکل او بوده در پروسه تحقیق از قلم افتاده باشد اگر وکیل مدافع متهم اصلاً و مطلقاً به آنها اشاره نکند و دفاعی نه نماید، خود را به این خطر میاندازد که وقتی وکیل مدعی خصوصی یا حارنوال در بازپرسی از شهود متهم آنها را عنوان کند در صداقت وکیل مدافع متهم تردید پدید خواهد آمد.

وکیل مدافع باید توجه داشته باشد که طرف مقابل او یعنی حارنوال یا مدعی خصوصی کدام نکته ای را صرف به سهو و اشتباه یا هم قصدی در شرایط دشوار دعوی جزائی از قلم انداخته و یا به عمد یا اغماض نقطه مهم را در نظر نگرفته اند و آن نکته را به اصطلاح دامی ساخته اند که اگر وکیل مدافع آنرا عنوان یا خاطر نشان کند به دفاع وی آسیب رسد و یا اگر از آن چشم پوشد بر مؤکلش یعنی متهم ضرر رسد. به وکیل مدافع لازم است تا به تمام گفتارش دقت و توجه داشته باشد و درین باره صرف به توکل یا چانس طالع حرف نزند.

از جمله وظیفه عمده وکیل مدافع تردید یا تضعیف دعوی حارنوال است که ادعا کند یا دعوی حارنوال بی اساس است و ثابت نیست و یا اینکه قانونیت عمل جرمی تثبیت نیست عمل ارتکاب شده متهم، جرم دانسته نشده است و یا اینکه دلایل الزام علیه متهم کافی نیست: بطور مثال وکیل مدافع ادعا مینماید که حارنوال جهت تثبیت دعوی خویش هیچ

نوع دلایل قانونی ارایه نکرده، مؤکل ام را به قتل متهم کرده اما جسد مقتول اصلاً معلوم نیست بدست نیامده. موضوع مجهول است. ویا اینکه قانونیت جرایم و مجازات در دعوی حارنوال رعایت نشده است بطور مثال شخص در یک هتل چند شب را سپری کرده و طعام خورده اما در وقت تأدیه بل به متصدی هتل پول نداشته که مصارف هتل را بپردازد. حارنوال این شخص را به اتهام فریب کاری ویا خیانت در امانت مورد دعوی قرار داده و علیه آن صورت دعوی ترتیب داده و مجازات مطالبه کرده است. بر وکیل مدافع لازم است که دفاع نماید و توضیح کند که مطابق ماده ۲۷ قانون اساسی هیچ عمل جرم دانسته نمیشود مگر مطابق قانون. و به استناد آن ادعا نماید که عدم تأدیه پول هتل در قانون جزا وسایر قوانین نافذ کشور جرم دانسته نمیشود و مطابق ماده ۳۲ قانون اساسی مدیون بودن شخص سبب سلب آزادی وی نمیگردد. بناً عمل مؤکل او یک مدیونیت حقوقی است که حقوق و پول متصدی هتل مطابق قانون طرز تحصیل حقوق از طرف اداره حقوق باید از مدیون تحصیل شود نه اینکه علیه وی صورت دعوی جزائی ترتیب گردد و مطالبه مجازات صورت گیرد.

بعضاً هم در دعوی حارنوال واقعه ثابت میباشد. مثلاً قتل ثابت است و جسد مقتول و معاینات طب عدلی نشان میدهد که مجنی علیه به قتل رسیده است و قتل مطابق قانون جزا جرم است و مجازات آن تعیین است اما وکیل مدافع اعتراض مینماید که دلایل الزام علیه مؤکلس یا وجود ندارد ویا ناکافی است. بهر صورت مقصود از تضعیف دعوی حارنوال است که محکمه دلایل ارایه شده حارنوال یا مدعی خصوصی را مورد حکم قرار ندهد اعم از اینکه آنرا کاملاً مردود بداند ویا در آن شک نماید. مثلاً دعوی حارنوال که به استناد شهادت شهود علیه متهم اقامه شده باشد میشود از سه طریق آنرا مردود یا مشکوک قرار داد. از طریق سلب اعتبار شاهد، از طریق نا مؤجه بودن شهادت شاهد واز طریق کم وزن بودن شهادت شاهد.

حارنوال دربار پرسی از شاهدانیکه توسط متهم ویا وکیل مدافع وی معرفی شده اند باید رفتار خصمانه نداشته باشد بلکه رفتار دوستانه داشته باشد. چه او خصم شریف است تابا رفتار دوستانه حارنوال شاهدان مذکور باهمکاری با عدالت علاقه مند گردند و از آغاز بازپرسی در نخستین سوال ها در حضور قاضی با هماهنگی و رفتار مؤدبانه و احترام آمیز به آنها رفتار نماید. آنگاه برای سلب اعتماد از گفته های شان درجه دقت آنها را در تشخیص

فواصل واقعه یا نوعیت استعمال آله جرمی ویا مبهم بودن واقعه از لحاظ دمه و غبار ویا تاریکی شب به آزمایش گذارد. مثلاً از شاهدان بپرسد (فاصله شما با محلی که نزاع روی داد تاچه اندازه بود؟ که میگوئید همین متهم یعنی احمد فاعل قتل نیست هوا دمه و غبار بود یا صاف؟ هوا تاریک بود یا رو به تاریک شدن میرفت یا صاف و آفتابی بود؟ وغیره سوال ها).

وکیل مدافع متهم اصلاً واسطه میان متهم و شهودی است که به نفع متهم شهادت میدهد. متهم همانگونه که از نام وی نیز پیداست، گزارش پولیس و دعوی حارنوال علیه اوست وکیل متهم باید شاهدان متهم را قبل از ادای شهادت در محکمه متوجه سوال های پر معنی و پهنه دار حارنوال نماید تا در جریان اظهارات و ارایه شهادت دست و پاچه و آشفته نگردند.

### وکیل مدافع و حارنوال و بررسی نظریات اهل خبره در محکمه:

اهل خبره بروی تخصص علمی و دانش مسلکی و تجارب عملی که دارند در مسایل که از طرف هیأت مؤظف یا هیأت تحقیق، حارنوال ویا از طرف محکمه برایشان راجع میشود نظریات شانرا با استفاده ازوسایل و تجهیزات عصری علماً ابراز مینمایند که این نظریات اهل خبره از طرف هیأت کشف و تحقیق معمولاً مورد قبول قرار گرفته اما از طرف محکمه بعد از یک سلسله ازیابی دقیق مورد استناد حکم قضائی قرار میگیرد. بعضاً اتفاق میافتد که یک هیأت اهل خبره در یک موضوع به یک طرز دید و برداشت ابراز نظر مینمایند اما بعداً که به اثر اعتراض هیأت تحقیق و حارنوال یا به اثر اعتراض مظنون یا مجنی علیه و وکلای مدافع شان به هیأت اهل خبره دیگر که معمولاً بالاتر است جهت بررسی علمی و ابراز نظر احاله میشود هیأت اهل خبره دومی نظر متفاوت با هیأت اهل خبره اولی ارایه مینمایند. اما حارنوال معمولاً همان نظر اهل خبره را مورد استناد قرار میدهد که جرم را تثبیت و دلایل را علیه مظنون و متهم برملا سازد و به اتکا به آن ویا هم دیگر دلایل الزام اوراق را جهت حل و فصل قضائی توأم با صورت دعوی محول محکمه مینماید. اگر حارنوال آن نظریه اهل خبره را که به نفع مظنون باشد، بپذیرد، درمورد از دعوی انصراف مینماید و اوراق را جهت حل و فصل قضائی محول محکمه نه مینماید به اصطلاح، آنرا حفظ مینماید. درین بخش تصمیم حارنوالی مهم است که از بین دو نظریه دوهیأت اهل خبره همان نظریه را بپذیرد که جرم را تثبیت و مصئونیت مظنون یا متهم را برملا میسازد.

وکیل مدافع در چنین حالات میتواند که به همان تصمیم اهل خبره استناد نماید که به نفع مؤکل او یعنی متهم میباشد و میتواند درباره اعتراض نماید که اهل خبره که نظریه آن مورد استناد حارنوال است، قبل از ابراز نظر در حضور هیأت ضبط قضائی و یا حارنوال سوگند یاد نکرده اند (مطابق ماده ۷۲) تعدیل قانون اجراءات جزائی اهل خبره مکلف اند قبل از ابراز نظر شان در موضوع در حضور هیأت ضبط قضائی و یا حارنوال سوگند یاد کنند که به صداقت موضوع را بررسی و ابراز نظر مینمایند) به همین اساس و استناد دعوی حارنوال را که متکی به آن است بی اساس و سست نماید یا هم اینکه وکیل مدافع میتواند اعتراض نماید که بررسی اهل خبره در غیاب مظنون و وکیل مدافع شان صورت واصلاً از نظرایه شده اهل خبره اطلاع ندارند تا درباره اعتراض مینمودند و اینکه در محکمه از آن اطلاع حاصل شده درباره اعتراض مدلل ارایه نماید. که این حق را ماده ۵۵) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم به وکیل مدافع داده است. باین ترتیب در بی اساس بودن دعوی حارنوال بکوشد و خواهان حکمی به نفع مؤکل خویش که برائت اوست، گردد. و یا هم وکیل مدافع میتواند در مقابل حارنوال در محکمه اعتراض نماید از اینکه دونظریه متفاوت درباره از طرف دوگروپ اهل خبره ارایه شده است، بهتر این خواهد که جهت تأمین عدالت موضوع به یک گروپ سومی اهل خبره جهت ابراز نظر ارایه شود و با ارایه دلایل محکمه را متقاعد به قبول استدلال و دفاع خویش گرداند.

در شرایط فعلی که علم و تکنالوژی به اوج ترقی رسیده است. اهل خبره با استفاده از تکنالوژی عصری به حد کافی میتواند، هیأت ضبط قضائی، هیأت تحقیق و حارنوال و محکمه را در رسیدن به حقایق یاری دهد. استفاده و استعانت از اهل خبره نه تنها در تثبیت جرم و رسیده گی قضایای جزائی اهمیت دارد، بلکه برعکس در جهت عدم تثبیت جرم نیز حارنوال و محکمه را در تطبیق عدالت یاری مینماید.

استفاده از اهل خبره منحصر به یک یا چند مورد خاصی نیست بلکه شامل بررسی نشان انگشت، گروپ خون، DNA، معاینات جسد، مو و آثاردندان، لعاب دهن، آثار زهر، آثار مرمی و خول کارتوس، معاینات تخنیکی سلاح، استماع و استراق صوت و حتی استفاده از پل شناس یا پل زن فنی و محلی را هم شامل میباشد. که پیشرفت ساینس و تخنیک و تعمیم آن اهل خبره را مجهز با وسایل و افزار علمی گردانیده که با استفاده از آن جرایم به آسانی تثبیت میگردد اما بر عکس آن هم تحول و ارتقای تکنالوژی که تحول جرایم از حالت

ساده به حالت مغلق و توأم با ابهام مبدل کرده که تشخیص آن به آسانی مشکل است این وضع اهمیت و ضرورت استفاده از اهل خبره را بیش از پیش مبرم تر و ضروری تر و حتی حتمی ساخته است.

قاضی خود در مورد قضیه جرمی فاقد آگاهی بالذات است و روی آنچه در پیشگاه وی اقامه میگردد و رسماً رایه میشود، قضاوت مینماید. بنأ قاضی ناگزیر باید با توسل به طریق ممکن حقیقت را دریابد تا به خطا نرود.

محکمه در همه حالات که ضرورت به توضیحات بیشتر داشته باشد، میتواند اهل خبره را به محکمه احضار و توضیحات بیشتر را که لازم داند، مطالبه نماید و بعد از اینکه محکمه اظهارات و توضیحات اهل خبره را استماع کرد و سوالاتی را که لازم باشد از آنها مینماید و بعد از ارزیابی دقیق نظریات آنها، درباره تجویز مقتضی اتخاذ مینماید. اما استجواب از اهل خبره در محکمه باید در حضور طرفین دعوی، حارنوال و متهم یا وکیل مدافع او صورت گیرد.

### طرح دلیل در جلسه قضائی

قوانین اجراءات جزائی تمام کشورها و بخصوص قانون اجراءات جزائی کشور ما خصوصاً ماده (۲۷۳) آن قاضی را از اینکه حکم خود را بر اساس دلیلی استوار دارد که در جلسه قضائی مطرح نگردیده، منع میدارد. روی این اصل میتوان گفت که قاضی نمیتواند، حسب معلوماتی که شخصاً در غیر از جلسه قضائی آنها بدست آورده و در غیر از مجلس قضا بدون حضور خصوم حاصل کرده باشد، حکم نماید. اما اینقدر میتواند که از معلومات شخصی خود بحیث ابراز نظر کارگیرد معلومات شخصی خود را در جلسه مطرح نماید تا خصوم بتوانند به آزادی تام درباره مناقشه نمایند. این را باید گفت که معلومات عامه و آنچه اشخاص به آن معلومات دارند، معلومات قاضی گفته نمیشود.

بهر صورت محکمه نمیتواند تا بعد از انتهای دفع ویا در اثنای مداوله و حکم اوراقی را دلیل گیرد که برای وی در اثنای غور بردعوی تقدیم نه شده است و طرفین و مخصوصاً متهم یا وکیل مدافع از آن اطلاع نداشته باشد. تا در مورد مناقشه نموده یا دفع آنها بگوید و ابراز نظر نماید اگر چنین موضوع رخ دهد عمل محکمه مخل حق دفاع بوده موجب بطلان در حکم است.



مقید بودن محکمه برای شنیدن دفاع از جمله خصایص محاکمات عادلانه است در قوانین امروزی در تمام کشورها محاکم مقید به شنیدن دفاع و استماع دعوی خصوم شده است. زمانیکه طرف دعوی، صورت دعوی و دفاع خویش را ارایه مینماید محکمه مجبور است تا آخرین نکته مطالبه دعوی و یا دفاع را سمع نماید.

### صحبت نهائی و آخری وکیل مدافع

آخرین سخنرانی در پروسه محکمه، سخنرانی متهم است. ماده (۲۲۵) قانون اجراءات جزائی کشورما توضیح کرده (عضو حارنوالی و سایر خصوم دعوی میتوانند بعد از استماع شهود اثبات ونفی داخل صحبت شوند در تمامی احوال به متهم یک بار دیگر موقع صحبت داده میشود.

وکیل مدافع متهم که نایب متهم است مکلف به سخنرانی به نمایندگی از متهم میباشد. رسم برین است که قاضی در پایان بررسی قضائی به متهم فرصت آخرین دفاع را میدهد. اکثر متهمان سخنرانی وکیل مدافع شان را آخرین دفاع خویش تلقی مینمایند که این موضوع اهمیت سخنرانی وکیل مدافع را متبازر میسازد. وکیل مدافع درین سخنرانی به یاد آوری سه موضوع میپردازد.

اولاً دلایلی را که حارنوال در اثبات ادعا و مندرجات صورت دعوی خویش آورده است جهت سست و بی اساس نمودن این دلایل، مطالبی را باید مدلل ارایه بدارد. ثانیاً عدم انطباق ماده قانونیکه حارنوال در صورت دعوی خویش به آن استناد نموده با واقعه واتهام مورد بحث.

ثالثاً نکات مهم و برجسته و دلایلی که به سود مؤکل او بر علیه دعوی حارنوال موجود است.

وکیل مدافع در اکثر موارد مجال تهیه کلیه مطالب و موضوعات آخرین دفاع را بطور مفصل ندارد ناگزیر میشود فی البدیهه آنرا تکمیل کند. وکلای مدافع کارآموزده و پخته کار با آشنائی به آداب و قواعد آن با بیان منسجم آنرا تحریر میکنند. وکلای تازه کار از آن هراس دارند به خصوص که میدانند تاثیر آخرین گفته ها در ذهن قاضی مؤثر بوده و راهگشای حکم قضائی او خواهد شد. وکیل مدافع که در طول بررسی قضائی محکمه به درستی و راستی و قانونی سخن گفته به دلایل موجه استناد جسته، اعتماد هیأت قضائی را جلب

نموده میتواند، انتظار داشته باشد که هیأت قضائی به گفته های نهائی اوبا علاقه گوش فرا میدهد و استدلال او را مبنای رأی قضائی خود میسازد. قاعده کلی در سخنرانی نهائی این است که وکیل آغاز و پایان آنرا از پیش تهیه کند. آغاز اطمینان بخش و پایان شورانگیز یا به عبارۀ دیگر مقدمه امید وار کننده و نتیجه ذهن نشین. این دوبخش از سخنرانی را وکیل مدافع میتواند از پیش تهیه کند زیرا احتمال چندانی نمی رود که این مقدمه و نتیجه با سخنرانی های حارنوال و یا شهادت شهود تغییر نماید. اما آنچه میان این دوبخش ارایه میشود باینکه مضامین و مفاهیم عمده محاکمه در آن موجود میباشد اما تکرار آنها نیست آنچه قاضی پرسیده یا گفته و احیاناً مسیر استدلال آنرا تعیین نموده یا حارنوال یا شهود وی در آخرین مرحله محاکمات به زبان آورده و چیزی گفته اند موضوع بخش متن سخنرانی نهائی وکیل مدافع خواهد بود که خلاصه کوتاه و قاطع و مؤثر باشد تا محکمه را به شنیدن آن علاقه مند سازد هرگاه چانس یاری نماید و پروسه محاکمه بروز دیگر به تعویق افتد وکیل مدافع فرصت طلائی بدست میآورد که بخش عمده سخنرانی خود را هم از پیش تهیه نماید.

تأکید بر عناصر اصلی جرم و اینکه حارنوال در اثبات آنها دلایل سست و بی اساس ارایه کرده است پایه های اساسی سخنرانی وکیل مدافع است. توفیق درین کار مستلزم مرور و تسلط در قوانین و شرایطی است که قوانین در اثبات آن عناصر جرمی بیان داشته است هر بار که وکیل مدافع به آن قوانین رجوع میکند، نکته ای تازه میآید که پیش از آن در نظرش نبوده حارنوال هم به آن متوجه نبوده است. وکیل مدافع باید به چنین نکته های استناد جوید. طور مثال اگر یکی از افراد کشورهای اروپائی در کشور ما متهم به نوشیدن شراب یا زنای اختیاری گردد وکیل مدافع به محکمه و حارنوال توضیح کند که اتباع خارجی در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین افغانستان مکلف میباشند که در قوانین بین المللی مخصوصاً میثاق بین المللی در امور مدنی و سیاسی نوشیدن شراب و زنای اختیاری جرم دانسته نشده متهم که تبعه کشور اروپائی است قابل برائت است، طالب حکم برائت از محکمه شود. پایه استدلال خود را ماده (۵۷) قانون اساسی کشور ما قرار دهد.

وکیل متهم در سخنرانی نهائی خود به محکمه باید یاد آوری نماید که دعوی بر سر مقایسه دلایل حارنوال و دلایلی که خود وی عرضه نموده، نیست، بلکه هر کدام را که محکمه ترجیح دهد بر اساس آن حکم کند. مسئولیت قاضی در دعوی جزائی تأمل و دقت در

دلایل حارنوال است و در صورتیکه آنرا بپذیرد، مطابق آن حکم خود را صادر میکند که در درستی و انطباق آن با قانون (تردید مؤجبه) پدید نیابد. بعضی از وکلای مدافع در سخنرانی نهائی خود از شیوه خاصی که اکثراً تکراری یک نواخت است حتی برای خود آنان خسته کننده و برای محکمه مبتذل و پیش پا افتاده است، پیروی میکنند. اکثراً وکلای مدافع کشور ما کلمات مغلق عربی را استعمال مینمایند. وکیل مدافع باید همواره در شیوه خود تجدید نظر کند و در تصفیه و تعالی آن بکوشد. در جستجوی دریافت شیوه های بهتر کار بوده و روش عملکرد وکلای مدافع موفق و باتجربه را مد نظر گیرد. و از سنت های مؤثر پیشینیان الهام بگیرد و آنرا بخاطر داشته باشد. به هر صورت دعوی حارنوال و هر دفاعیه وکیل مدافع یک بخش تحقیقاتی علمی حقوقی است که دفاعیه وکلای مدافع چیره دست حتی میتواند تحقیقات علمی منحصر به فرد باشد.

وکیل مدافع باید جمله های کوتاه به کار برد. گوش دادن به جمله های طولانی بس دشوار است، مفهوم آن به مشکل فهمیده میشود و شنونده را بی علاقه می سازد. وکیل مدافع از آوردن عبارت شرطی در جمله های طویل و جملات عدیده برای بیان مفهوم که موجب پنهان شدن اصل موضوع و ابهام در متن و اشکال در تفهیم میگردد، باید پرهیز نماید. دلایل که ضمن بررسی محکمه به تفصیل آورده در سخنرانی نهائی به اختصار به آنها اشاره شود، هرگاه ناگزیر باشد متن قانونی یا فرمان رئیس جمهور یا رویه قضائی را عیناً بخواند، آهسته و یکنواخت خواندن آنها قاضی را به شنیدن آن متمایل نمی سازد، بناً وکیل این قسمت ها را باید سریع و بلند خوانده عبارات ایرا که مورد استناد اوست با تون بلند و اوج صدا ادا شود و درین هنگام سراز نوشته بردارد به حارنوال یا شهود و اهل خبره نگاه کند و نشان دهد که علاقه مند است تا قضات به سخن او گوش فرا دهد، حتی میتواند با انگشت شهادت مخاطب خود را که قاضی، حارنوال، اهل خبره و شاهدان است بیشتر متوجه سازد درین شرایط میتواند، امید داشته باشد که قضات محکمه گفتار او را در بررسی خود در نظر گرفته و از خواندن آنها چشم بپوشد و با اشاره ضمنی از آنها بگذرد.

### نتیجه

قاضی خود در مورد قضیه جرمی فاقد آگاهی بالذات است و روی آنچه در پیشگاه وی اقامه میشود و رسماً ارایه میگردد و دفع میشود، قضاوت مینماید ناگزیر باید با توسل به طریق

ممکن قانونی و شرعی حقیقت را دریابد تا به خطا نرود. برای اینکه قاضی تا اندازه ای امکان از حکم به خطا برکنار باشد، یگانه راه نجات آن، تأمین حق دفاع متهم است که قوانین عصر حاضر به آن بیش از دیگر جنبه ها اهمیت قابل گردیده است. وظیفه وکیل مدافع است که مقام قضاوت را به جایگاه اصلی آن میرساند. اصلاً دفاع درمقابل دعوی میتواند قاضی را به حقیقت متوجه سازد و نگذارد که خطاکند. بناً تأمین حق دفاع متهم قاضی و محکمه را از خطا باز میدارد، چه محکمه وقتی میتواند یک دعوی جزائی را بطور دقیق بررسی نماید که همه جهات دعوی بطور مفصل و وسیع توضیح گردد که این کار از عهده اشخاصیکه دارائی فهم حقوقی و تجربه عملی میباشد متصور است یکطرف حارنوال و طرف دیگر وکیل مدافع توان توضیح مفصل دعوی را با همه جهات مجهول آن دارند.

اما قبل از بررسی محکمه، درپروسه تحقیق موجودیت وکیل مدافع ضروری است اصلاً صلاحیت ها و قدرت زیادیکه قوانین موضوعه به پولیس و حارنوال داده است ملزمه آن میباشد که درمقابل این صلاحیت ها و قدرت موجودیت وکیل مدافع پرتوانی که حدود صلاحیت ها و وظایف پولیس، مستنطق و حارنوال را از یک طرف و حقوق و منافع قانونی مظنون و متهم را از طرف دیگر بداند ضرور میباشد. تحقیق راه دشوار و نا هموار است در مورد بازجوئی و رفتار پولیس و مستنطق یا مظنون و متهم داستان ها تحریر شده چه بسا مظنونین و متهمین که اصلاً بیگناه بوده اند درچوبه های دار آویخته شده اند و یا در سلول زندان جان داده اند و بعد از تطبیق مجازات تثبیت شده که بیگناه بوده اند. ایجاد دلواپسی، اضطراب، فشارهای جسمی، روحی زجر و شکنجه همه حالاتی است که بعضاً مظنون برای رهائی از آنها به اعتراف و حتی هر عمل دیگر و امضاء شصت گذاشتن روی هر سندی تهن داده است.

پولیس در سطح جهانی گاهی مدعی این است که فشار بر مظنون گاهی ضروری است. مثلاً حادثه ایکه در یکی از کشورهای رخ داده بود (سه نفر مردان مسلح در شب داخل منزل یک تاجر شده پسر بزرگ و برادر این تاجر مقاومت نموده و به اثر فیر این مردان مسلح کشته میشوند مردان مسلح تماماً پول نقد و زیورات منزل تاجر مذکور را با خود برده اما به آن هم اکتفا نکرده از تاجر خواهان پول بیشتر شدند و باین منظور دو پسر صغیر و یک دختر صغیر تاجر را بطور گروگان با خود بردند تا فردا تاجر مذکور در بدل رهائی آنها به این افراد پول گزاف بدهد. روز دوم این واقعه همین تاجر در گوشه شهر همین سه نفر افراد مسلح را شناخ

و به همکاری پولیس دستگیرشان مینماید افراد مسلح از همه موضوعات انکار و سکوت راحق خود میدانند و حتی آدرس و منزل بود و باش شانرا هم به پولیس نمیدهند، باز جوئی وارد روز سوم میشود. در روز سوم گروگان گیری، پولیس با الهام از مجنی علیه تاجر متوجه میشود که اطفال گروگان گرفته شده از عدم موجودیت آب و غذا تلف خواهند شد چه گروگان گیرنده گان توقیف شده اند و سرنوشت آنها معلوم نیست. پولیس از بین همین سه نفر مظنون یک تن آنها را که بی روحیه و ترسو معلوم میشد، شکنجه نمود در دقایق اول شکنجه اعتراف نمود و براساس اعتراف او اطفال گروگان شده دریافت شدند، معلوم شد که به اثر تشنگی و گرسنگی به آخرین رمق های حیات قرار داشتند که باعزام آنها به شفاخانه از مرگ نجات یافتند. باین ترتیب به اثر شکنجه در تحقیق حیات، سه طفل از مرگ نجات داده شد. پولیس این تکتیک تحقیق را مایه افتخار خود دانست. بهر صورت شکنجه در پیروسه تحقیق اگر موجه باشد و یا نباشد از لحاظ قوانین امروزی مردود است، قابل تائید مراجع حقوقی و عدلی ملی و بین المللی نمیباشد. اما اگر پولیس یا مستنطق ندرتاً به این عمل خلاف قانون یعنی شکنجه اقدام مینمایند باید سؤظن موجه موجود بوده و اساس آشکار داشته باشد و به گمان و احتمال استوار نبوده و یگانه راه نجات حیات انسان باشد در غیر آن کاملاً مردود است. موجودیت وکیل مدافع در پیروسه تحقیق از تمام اشکال ممنوعه استنطاق و تحقیق جلوگیری مینماید. حتی بعضی ها موجودیت و حضور وکیل مدافع را در هنگام تحقیق یک امر ضروری میدانند و عقیده دارند که تحقیق برای آن است که اصل قضیه روشن و موضوع واضح گردد و مظنون یا متهم به شکلی از اشکال اعتراف کنند. همین وضع است که میتوان گفت یک نوع اکراه را بمیان میآورد جهت اینکه شبهه در وقوع اکراه مطرح نباشد لازم است تا وکیل مدافع بامظنون یا متهم در پیروسه تحقیق یک جا باشد مظنون و متهم حق دارند تا از ارایه جواب خود داری نموده و سکوت اختیار نمایند باین صورت تضلیل وی یابه خطر روبرو کردن وی جواز ندارد حتی وعده و وعید و تظاهر برای کمک به وی صحیح نیست اگر چنین امری در تحقیق رخ دهد تحقیق باطل پنداشته میشود.

وکیل مدافع نائب یا کفیل متهم است اما موجودیت وکیل مدافع در پیروسه رسیدگی جزائی حق متهم رانفی نمیکند بلکه متهم حق دارد در بعضی از موضوعات با وکیل مدافع تبادل نظر نماید و متهم راساً از خود دفاع کند. درین صورت محکمه مجبور است تا صورت دفاع متهم را بشنود هر چند که صورت دفاع وی بانظر وکیل مدافع متعارض باشد. وظیفه

وکیل مدافع در موضوع دفاع از متهم در مسایل جزائی مانند توکیل حقوق مدنی نیست که شخص درباره فروش حویلی خویش به دیگری و کالتاً صلاحیت بدهد در موجودیت وکیل و ابقای عقد و کالت خودش صلاحیت فروش همین حویلی خویش را ندارد. متهم در حال موجودیت وکیل مدافع راساً هم میتواند از خود دفاع کند.

در موضوعات جزائی اگر وکیل مدافع طریق دیگری را غیر از طریق متهم برای دفاع انتخاب نموده باشد، صحیح است، میتواند طریق مذکور را تعقیب نماید اما اگر اقوال وکیل مدافع از رأی و نظر متهم و موقوف وی نماینده گی نمیتوانست درین صورت رویه وکیل مدافع خروج از دایره توکیل دفاع است که مدافع مذکور را به آن نامزد و توظیف کرده است. و این نوع خروج سبب اثبات تهمت بر متهم شده نمیتواند و اگر حکم بر اقوال مدافع مبنی بر الزام متهم صادر شده باشد، قابل نقض است.

اگر متهم چندین وکیل مدافع داشته باشد، درین صورت لازم است تا همه مدافعین در مقام دفاع از متهم برآیند ولی حضور یکی از آنها کافی پنداشته میشود، هرگاه دو نفر از مدافعین متهم مذکور حاضر بوده باشند درین صورت آنها میتوانند بصورت جدا گانه دعوی حارنوال را دفع نمایند منع یکی از آنها بنام اینکه مدافع دیگر دفاعیه را تقدیم داشته است، جواز ندارد در صورت منع البته اخلاص در حق دفاع بمیان میاید ولی اگر هر دوی آنها در اقامه دعوی متحد گردند درین صورت قاضی میتواند از تکرار دفع دعوی جلوگیری کند. اگر مدافعین یک متهم مطلب واحد را تکراراً ارایه نمایند، قاضی میتواند از شنیدن آن خود داری و مدافع را از تکرار آن منع نماید اما این منع نباید چنین تلقی شود که محکمه ویرا از ارایه دفاع منع کرده است بلکه واقعیت این است که مدافع به اثر تکرار، حق خود را تلف یا سلب کرده اما در صورتیکه محکمه وکیل مدافع یا متهم را بدون عذر قانونی از دفاع و صحبت منع نماید و یا اینکه محکمه بدون عذر مؤجه دفاع وی را نشنود درین صورت اخلاص و حق تلفی در حق دفاع صورت گرفته حکم قاضی باطل است، هر چند قاضی درین باره سؤنیت هم نداشته باشد.

صحبت نهائی حق متهم یا وکیل مدافع اوست. هرگاه یک نفر وکیل مدافع، ماموریت دفاع از چند نفر متهم را در یک قضیه جزائی واحد بدوش گیرد قانوناً ممانعتی ندارد این معمول وقتی قابل رعایت است که واقعه جزائی مشخص باشد و مصالح متهمین متعارض واقع نگردد در صورت تعارض بین آنها چنین نوع دفاع مجاز نبوده هرگاه اجراءات محکمه

مبتنی به آن صورت گرفته باشد باطل است. زیرا درین صورت اخلاص در امر دفاع بمیان میآید و در صورت تعارض، عدم حضور وکیل مدافع بهتر از حضور وی دانسته میشود.

حارنوالان باتجربه و پخته کار در تحقیق و تعقیب دعوی جزائی هریک شیوه ای خاصی دارند که نمیشود از طریق تعلیمات اکادمیک این شیوه ها را حاصل کرد چنین حارنوالان آنچه از حقایق و واقعیت ها را در دعوی جزائی متناسب یافتند در روشنی قانون به نظر خویش که به سود عدالت باشد با دلایل درهم می آمیزند مجموعه دلپذیر که باور کردن آن آسان نماید ایجاد و آنرا در دوسیه جزائی تنظیم و با نظر داشت شرایط جرم و احوال متهم دعوی خویش را متکی بر آن تنظیم مینماید. بالمقابل وکیل مدافع باتجربه نیز از مواد مصالح قانون سنگر مستحکم و انهدام ناپذیر جهت دفاع از مؤکل خویش ترتیب میدهد. اما حارنوال جدید التقرر و کم تجربه که هنوز به سلاح قانونی به طور کامل دست نیافته است بعضاً دلیل و واقعیت ها را با عقیده و نظر ناپخته خود که در ذهنش پدید آمده و خالی از عیب نیست و ممکن بی تناسب هم باشد با مفهوم پر پیچ و خم دوسیه جزائی تنظیم مینماید که بعضاً در محکمه سبب اعتراض وکیل مدافع میشود. مگر دعوی جزائی هر قدر بر حقایق و واقعیت ها استوار و متکی بر قانون باشد و عقیده و نظر احتمالی در آن نهفته نباشد پیشرفت آن برای طرفیکه آنرا رایه میکند، بیشتر است.

وکیل مدافع در تهیه تدارک اطلاعاتی که به حافظه اش مدد رساند وقت فراوان به کار میرد با تهیه فهرستی از آنها میتواند نیروی اندیشه و استدلال خود را صرف کارهای مهمتر کند. درین فرصت نام اشخاص، اماکن، تاریخ و زمان دقیق وقوع حادثه، نوع و نمبر موتر، آدرس و هر آنچه را که در دعوی مهم به نظر آید میگزیند. هم چنین مواد و متون قوانین، رویه های قضائی مورد استناد خود و آنچه احتمال میرود که حارنوال و طرف دعوی به آنها متوسل شود در مجموعه های حقوقی نشانه گذاری و برای مراجعه فوری آماده و در دسترس خود قرار میدهد. بدین گونه میتواند، خود را بر آنچه پیرامون او هنگام بررسی قضائی میگذرد متمرکز سازد. رفتار، حرکات، اعمال و گفتار قاضی، شهود، حارنوال و اطراف دعوی را زیر نظر میگیرد و یادداشت های جامع و مؤثر و واقع کننده از آن تهیه و در سخنرانی نهائی خود از آنها استفاده نماید.

قضات مانند هر گروه دیگر اجتماعی عادات، رفتار و واکنشهای دارند که پاره این ها عام و مشترک میان آنها و برخی اختصاصی و انفرادی منحصر به فرد است.

روان شناسی قضائی که در نشریات حرفوی گاه گاهی عنوان میگردد هنوز شکل، ترتیب و اسلوب مشخص نیافته با وجود این تا همین اندازه آشنائی به آن برای وکیل مدافع ضروری است زیرا حاصل تلاش های او و سرنوشت دعوی مؤکل او را قاضی با ارزیابی های خاص خود معلوم و اعلام میدارد که از تراوش های روحی وی و واکنش های منحصر به فرد قاضی جدا نیست. اما برای حارنوال آشنائی با چنین رفتار و واکنش های منحصر به فرد قاضی ضرور نیست چه حارنوال در دعوی اش در محکمه دست بالا دارد و بعداً هم وقت و مهلت کافی جهت ارزیابی فیصله محکمه تحتانی و اعتراض آن به محکمه بالائی دارد.

علم حقوق در اوج ترقی و جاذبه خود به قواعد اخلاق نزدیک میشود قواعدی که در همه جا وجود دارد و هیچ جامعه ای از آن بی نیاز نیست. روح شریف انسانی که هیچ بنی آدم به هر درجه انحطاط زوال یافته باشد باز هم از آن کاملاً بی بهره نیست ضامن اجرای قواعد اخلاق است به وکیل مدافع و حارنوال مجال میدهد چه در دفاع از متهم و چه در حمایت از شاکی، مدعی خصوصی به کمک این قواعد در نظم جامعه سهم عمده داشته باشند آنهم در نقش اطفاء آتش نه اینکه یزومی شود که آتش را تقویه مینماید.

ابزار عمومی حارنوال و وکیل مدافع دانش، تجربه، قلم و سخن آنهاست تسلط در انتخاب الفاظ و کلمات آوردن آنها در قالب جمله های روشن، رسأ و روان مهمترین هنر وکالت دفاع و حارنوالی است که باید با نثر منظم ارایه شود. وکیل مدافع و حارنوال هر دو پایه های مستحکم عدالت هستند. نبود هریکی از آنها در دعوی جزائی عدالت را متأثر و کم رنگ میسازد. اداره حارنوالی پناه گاه کسانی است که مظلوم واقع شده اند، حقوق مادی، معنوی، مالی شان اعم از جسم، جان، ناموس و مال خود شان و یا موروث شان مورد تجاوز قرار گرفته و خواهان اجرای عدالت و محاکمه و مجازات فاعلین و مجرمین میشوند اما دفتر وکیل مدافع نه تنها پناه گاه کسانی است که به اثر نادانی، بی خبری یا به سبیل تصادف اتفاقاً به دام ارتکاب جرم افتاده اند، بلکه مأمن اشخاص نیز است که بیگناه بوده یا اگر گناهی از آن سرزده، پیشمان اند باید دست آنها گرفت و براه راست رهنمون شان کرد، بعضاً تذکر با مورد یا اندازه نصیحت به متهم میتواند مؤثرتر از مجازات باشد واز تکرار عمل ناشایسته جلوگیری نماید. بعضی ها وکالت دفاع را از شریف ترین مسلک ها نامیده اند، میگویند چه بهتر از اینکه بی گناهی را از شر اتهامات ساختگی و نیرنگ اشخاص مدسس نجات داد و به دادشان رسید. اما وظیفه و نقش وکیل مدافع به هیچ تعبیری این نیست که مراجع تطبیق عدالت را فریب



دهد تا تصمیم یا حکمی خلاف حق و خلاف قانون و عاری از عدالت به سود مؤکل خود بدست آورد بلکه مسئولیت وکیل مدافع آن است که در مسیر پر خم و پیچ دعوی جزائی راهی رانشان دهد و در فواصل این راه دلایلی را اقامه کند متکی بر حقایق و واقعیت ها که حد اکثر مصالح مؤکل خود را در شرایط دشوار و آشفته دعوی جزائی حفظ کند و محکمه را نیز از صدور حکمی متکی بر ظن و گمان بر حذر دارد و خواستار حکمی مستند به دلیل دور از تقلب و خطا شود. وکیل مدافع میان حارنوال و مؤکل خود یعنی متهم چون دژ استوار می ایستد و در تصفیه و تردید دلایل حارنوال و مدعی خصوصی قیام میکند و آنچه را که حارنوال به عنوان دلیل عرضه نموده به نگاه تیز بین او مخدوش، خلاف حقیقت و انصاف مییابد، باتمام نیرو به آن اعتراض میکند. بر شاهدان دروغگو، یا آن بخش گفتار شهود و نظر اهل خبره که اطمینان بخش نیست، عدم صلاحیت مدعیان عمومی و خصوصی که به جهات دیگر علیه مؤکل او دلیل به شمار آورده اند، اعتراض می نماید حارنوال هم چنان موقعیکه بعد از ارزیابی نتیجه گیری مینماید، که جرم واقع نشده است و یا اگر جرم واقع شده است، دلایل الزام علیه مظنون اصلاً وجود ندارد یا اینکه واقعه ثابت است اما واقعه توصیف جرمی ندارد، باید به صدور قرار عدم لزوم دعوی جزائی اقدام و از سرگردانی مظنون جلوگیری نماید. حارنوال در چنین حالات نباید بنام این و آن اسباب مزاحمت و سرگردانی شخص بیگناه رافراهم نموده و راه ترتیب صورت دعوی جزائی را پیش گیرد و سبب ضایع وقت خود و محکمه و مزاحمت بی مورد برای مظنون گردد. قوانین جزائی در تمام کشورهای جهان این صلاحیت و حق را به حارنوال داده است.

هرگاه ظاهر پاکیزه، لباس مناسب قریحه برگزیدن لوازم کار، دفتر مرتب را نشان نظم و تدبیر و آرامش روحی بدانیم وکیل مدافع و حارنوال از آن نباید غافل و بی بهره باشند بینش، هوشیاری و آگاهی از همه قوانین ملی، تسلط بر محیط اجتماعی از الزامات کار وکیل مدافع و حارنوال است، نظام اقتصادی و سیاسی جامعه چون دچار بحران یا نوسان گردد بر انواع و تعداد جرایم افزود می گردد وکیل مدافع جزائی و حارنوال که طبیب دردهای اجتماعی هستند و از نخستین کسانی هستند که باین امواج روبرو میگردند باید چون نگهبان، بیدار و هشدار دهنده راه فرونشاندن بحران جرایم یعنی راه نزول جرایم را پیشنهاد نمایند. دست یافتن به ریشه های علل و محیط نشوونمای جرایم و محو آن وهم چنان ارتقای عوامل بازدارنده جرایم یعنی آن عواملیکه افراد جامعه را از افتیدن به پرتگاه جرم باز میدارد،

مستلزم تماس با فقرا، تهیدستان و طبقات محروم جامعه میباشد که وکیل مدافع و حارنوال باید با تماس باین طبقات و الهام از نظریات شان جامعه را بطرف وقایه از جرم سوق دهند. وکیل مدافع و حارنوال که بامظنونین، متهمین، شاکیان، مجنی علیه و ورثه قانونی آنها سروکار دارند، باید انعکاس و بازتاب دهنده دردها و خواست های آنها به مقامات دولتی و مردم و مطبوعات باشند.

وکالت دفاع با رنج ها و زحمات پایان ناپذیر، مشقت های فراوان و فشار سنگین همراه است با تن و روح افسرده و رنجور نمیتوان به استقبال این وظیفه رفت. حرفه وکالت نیازمند بدن سالم، روح، ذهن و فکر نیرومند، عواطف و احساسات متعادل است با احساسات و طبع زود رنج و برانگیخته شده و رقیق هم نمیتوان این وظیفه را پیش برد ضمیر کنجکاو و خاطر آرام و متحرک وکیل مدافع جزائی دلالی را که به ظاهر اطمینان بخش جلوه مینماید در بوطه آزمایش قرار میدهد و بعداً نتیجه گیری مینماید. پیشبرد وظیفه حارنوالی نیز جسم تندرست و روح آرام و وسایط تجهیزات پیشرفته می طلبد تا حارنوال باین وضع بتواند از مجهول مطلق به معلوم برسد، دستگاه عدالت را متیقن به درست بودن و دقیق بودن نظر و مطالبات خویش سازد.

وکیل مدافع باید از موهبتی برخوردار باشد که درمؤکل خود اعتماد پدید آورد و نگرانی های او را مرفوع نماید، حارنوال نیز باید این موهبت را داشته باشد که برای مجنی علیه فضای اطمینان ایجاد و او را متیقن سازد که متعرض به جزای قانونی اعمالش میرسد و عدالت جایگزین ظلم میگردد. هردو یعنی حارنوال و وکیل مدافع باید محکمه را در اصدار حکم عادلانه عاری از خطا مدد رسانند و شبهات قانونی و موضوعی دعوی را رفع نمایند و قاضی را مفتون درستی و راستی کار های خویش گردانند.



## آثار دیگر این مولف:

۱. نفوذ رویه قضائی در قانون در افغانستان
۲. قانون و رجعت آن به ماقبل
۳. جرم اهدا به خارنوالان جوان
۴. بیائید عطف و شفقت را جانشین خشونت نمایم
۵. استماع شهادت در دعوی جزائی

و همچنان چندین مقالات در مجله خارنوال و مجله قانونیت